ژوندون

د اطلاعاتو او کلتور وزارت





دافغا نستان دخلك‌دموكراتيك گوند دمركزى كميتى عمومى منشى او دانقلابى شورا رئيس ببرك كارمل ددلوى په۲۹نيته‌دكابل‌ښاردگوندى سازمان دلومړى كنفرانس په كاركى گډون وكر او دافغا نستان دخلك دمو كراتيك گوند په سر تاسرى كنفرانس كى‌يى دكابل ښار دگوندى سازمان داستازى په توگه درايو په اتفاق او داستازو په انقلابى‌ولولو سره وټاكل شول •





ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركـــزى ح‌د.خ.ا. ورئيس شوراى انقلابى جمهـــورى دموكـــراتيك افغانستان موقعيكــــه واسيلـــى الكساندروويچ شمشين وزير مخابرات اتحـــاد جماهير شوروى سوسياليستى رادر مقرشوراى انقلابى پذيرفته وباوى صحبت مينمايند .

اختصار وقایع مهم هفته

ببرك كارمل منشى عمومى كميته مركـزى حزب دمو كراتيك خلق افغا نستان و رئيس شوراى انقلابى جمهورى دمو كراتيك افغا ـ نستان عصر ۹ حوت واسيلى الكساندر وويچ شمشين وزير مخابرات اتحاد جماهير شوروى سوسياليستى رادر مقر شوراى انقلابى براى

حزبى و دولتى جمهورى دمـوكراتيك افغا ـ نستان درباره اقدامات عملى جهـــت ادا مه تطبيق عادلانه و دمو كراتيك اصلاحات ارضى راب در جمهورى دمو كراتيك افغا نستان روز ٤ حوت در قصر دلكشا مقر شوراى انقلا ـــى تشكيل گرديده بود اشتراك ورزيدند •

به نمايندگى ازحكومت آن كشور به سلطانعلى كشتمند عضو بيروى سياسى كميته مركـزى حزب دمو كراتيك خلق افغا نستان و رئيس شوراى وزيران جمهورى دمو كراتيك افغا ـ نستان تسليم داده شد •

* * *

سلطان على كشتمند عضو بيروى سياسى

كميته مركزى حزب‌دموكراتيك
ورئيس شوراى وزيران بعدا
دردفتركارش بارومن سربيزوف
خفيفه جمهورى مردم بلغاريا
كميسيون مشترك همكارى ا
وتخنيكى افغا ن ـ بلغاريا م



د شوروی اتحاد داتلوال اردودجوړیدوچارو شپیتمه کالیزه پرون مازیگر په کابل کی‌دهغه هیواد په لوی سفارت کی دیوی میلمستیا په ترڅ کی ونمانځل شوه .

* * *

سیمیناری در مورد انکشاف همه‌جانبه دهات

قبل از ظهر روز ۸ حوت ضمن مراسمی توسط عبدالمجید سر بلند معاون شورای وزیران وزیر اطلاعات و کلتور در تالار لیسه‌استقلال گشایش یافت .

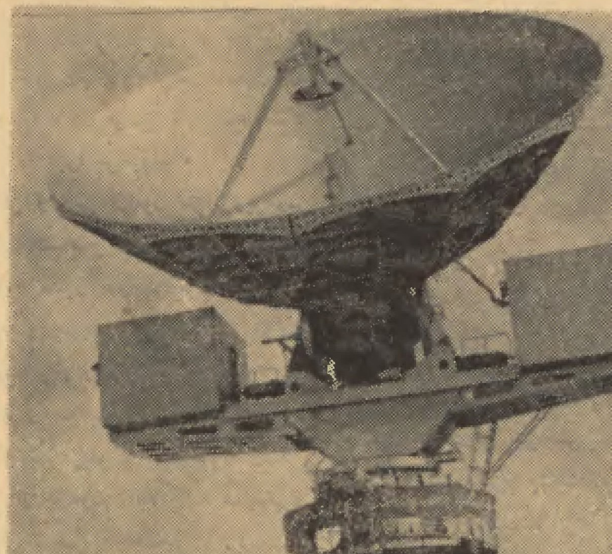
* * *







ـشتمند عضو بیروی سیاسی
ـری ح.د.خ.ا. ورئیس شورای
ـن دموکراتیک افغانستان
ـگاه شمشاد را باقطع نوار



بخاطر بزرگداشت ازشصت ویکمین‌سالگرد عقد قرار داد دوستی و همکاری بین افغانستان واتحاد جماهیر شوروی سوسیا لیستی بعد ظهر روز ۸ حوت محفل باشکوهی از طرف سازمان صلح همبستگی و دوستی جمهوری دمو کراتیک افغا نستان واتحاد به انجمن دوستی افغان و شوروی در وزارت امورخارجه برگزار گردید .

مرکز احیای مجدد معیوبین قبل از ظهر ٦ حوت با قطع نوار توسطدوکتور اناهیتاراتبزاد عضو بیروی سیاسی کمیتهٔ مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان ورئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در افشارگشایش یافت .

* * *

پیک ثور نوین

شنبه ۸ حوت ۱۳۶۰–۲۷فبروری ۱۹۸۲

زنان افغانستان هشتم مارچ را در آستانهٔ کنفرانس سرتاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان ـ این حادثهٔ عظیم تاریخی درزندگی حزب وجامعه مادرشرایط استحکام هرچه بیشتر مواضع انقلاب رهایی بخش ماودستیابی به پیروزی های نوین علیه نیروهای ضد انقلاب ، تجلیل مینمایند .

۸ مارچ یاروز همبستگی بین المللی زنان

زنان که نیمهٔ از پیکر جامعه بشری را تشکیل میدهند ودر پروسسه تکامل تاریخ در تغییرات و تحولات سیمای جوامع انسانی نقش بسزا یی داشته اند ،

بزرگترین شخصیت ها ی تاریخ مشهورترین ونخبه ترین فرزندان جهان علم و دانش : فیلسوفان ، مخترعین و توابع جهان را در آغوش پر عطوفت خود پرورش داده و تقدیم جامعه نموده اندودر ترقی و پیشرفت تمدن و فرهنگ بشری سهم ارجمندی داشته اند ،مگرطی قرون و اعصار در طول تاریخ دراثر موجودیت رژیم های طبقاتی واستثمارگر از حقوق انسانی خود محروم بوده مورد ستم واستثمار بیر حمانه طبقاتی و اجتماعی قرار گرفته اندو به حیثیت انسانی ومقام والاوارجمندشان احترام نمی شده است .

یک نظر اجمالی به تاریخ گذشتهٔ بشری میرساند که سلب حقوق وآزادی زن بابمیان آمدن طبقات آغاز می‌یابد در دورهٔ بردگی زن بحیث برده ودر دورهٔ فیودالی زن بحیث وسیلهٔ تولید شمرده می‌شده است و چه بسا که خلاف کرامت انسانی مانند امتعه خریدو فروش می شده اندو بازنان بحیث یك موجود عاطل، ضعیف وغیر فعال بر خورد می‌نمودند چنانچه در فرهنگ فیودالی زن با صفات «ضعیفه» سیاه سر عاجزه ، پر شکسته و غیره انعکاس یافته است .

صنایع حقوق شانرا در زمینه افزودی معاش وکاهش ساعات کار تقاضامی نمایند که این جنبش توسط حملهٔ وحشیانه ژندارم سرکوب می‌گردد .

مگر از آن به‌بعد اینجا و آنجا درهرگوشه وکنار جهان صدا های آزادی خواهی زنان بلند گردیده و جنبش های زنان در جهت اعادهٔ حقوق انسانی آنها شکل گرفته و جهان‌شمول می‌گردد .

هر گاه از جنبش زنان واز مبارزات آزادی خواهی زنان در عرصه جهانی نام برده شود بلا فاصله نام «کلا راز تکین» این زن قهرمان آلمانی و بنیان گذار روز جهانی زن در خاطرهٔ ما تداعی می‌گردد بلی کلا راز تکین نخستین زنی است که‌دردومین کنفرانس زنان سوسیالیست جهان منعقدهٔ کوپنهاگن روز هشتم مارچ را بحیث روز بین المللی زنان جهان پیشنهاد می‌نماید که از آن‌تاریخ تا اکنون هشتم مارچ رادر سر تاسر جهان بااحترام وتکریم پرشکوه تجلیل می‌نمایند .

امروز زنان در بسا کشور های جهان از حقوق و آزادی های دمو کراتیک خود بر خوردار بوده و در عرصه های مختلف زندگی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی دوش بدوش مردان نقش‌فعال خودرا ایفاء می‌نمایند.

مگر این نکته‌رانباید فراموش کرد که‌مفهوم آزادی زن باسیستم اقتصادی ، اجتماعی جوامع رژیم های استثماری بیرحمانه استثمارمیشوند وسیله تولیدی بیش نیستند ودر عرصه های حیات سیاسی و اجتماعی حقوق مساوی با مردان ندارند فقط در جوامع سوسیا لیستی است که‌به آزادی زن‌و کرامت انسانی او احترام گزارده میشود و در همه زمینه های زندگی اجتماعی ـ اقتصادی دوش بدوش مردان یکجا بکار و پیکار سازنده می‌پردازندو سهم شانرا در جهت اعمار یك جامعه شگوفان ودلخواه شان ادا می‌نمایند .

وضع زنان در کشور عزیز ما در گذشته خیلی نا هنجار و ترازیك بود قبل از انقلاب شکوهمند ثور زنان مادر تحت رژیم های غیر مردمی در شرایط سیستم تولید فیودالی در دهات و قصبات ودر شهر ها از یکطرف مشغول کارهای تولیدی بودند در مزارع کار گامها شاقه ترین کار ها را اجرا می‌کردند .

واز جانب‌دیگر وارسی ازامور منزل وپرورش اطفال وظیفهٔ اختصاصی زنان می‌بود. درچنین شرایطی زنان کشور ما زندگی فلاکتبار را بسر میبردند و بیرحمانه مورد ستم دوگانه طبقاتی و اجتماعی‌قرار می‌گرفتند وبه‌این‌ترتیب در زیر پرده و حجاب جهل و بیسوادی و تاریکی نگهداشته می‌شدند ، هیچگونه زمینهٔ کار دربیرون از خانه‌ودرنتیجه زمینه سهمگیری شان در امور سیاسی و اجتماعی وجودنداشت

تاسیس سازمان دمو کراتیـ
نستان درسال ۱۳٤٤ نقطه عطـ
درتاریخ‌نهضت آزاد یخواهی ز
بمثابهٔ عامل ضروری در تکا
کشور مبارزات زنان دلیر و
وارد مرحلهٔ جدیدکیفی‌واتکاملی
سازمان دمو کراتیك زنان اف
گردان پیشاهنگ زنان‌رزمنده
مبارزات خویش را علیه نابسا
بیعدالتی های اجتماعی رژیم
واستبدادی به‌پیش برداز جانب
خودرا در جهت خواست‌های‌ص
تامین حقوق و آزادی های ان
داد و زنان مبارز و آگاه کشو
از حقوق مشروع آنها بسیج
انقلاب ثور خاصتاً مرحله
آن افق های وسیع رادر جه
زنان از قید هر گونه محرومی
وسهمگیری فعال آنانرا در جـ
اجتماعی و سیاسی‌رهبری ساز
ارگان های عالی قدرت دولتی
قبل از هر چیز دیگر ناشی از
مردم ما در تحت رهبری حز
خلق افغا نستان این گردان
کارگر وکلیه زحمتکشان کشو
جای مسرت و مباهات است
هشت مارچ در شرایطی در
تجلیل می گردد که زنان ماد
نوین و تکاملی انقلاب ثور
های دمو کراتیك شان دست
ارتقای نقش آنها در زندگی‌سـ
کشور مساعد گردانیده شد
امروز زنان قهرمان ما این الف
در تحت رهبری سازمان دمو
افغا نستان این گردان پیش آ
کشور دوش بدوش مردان در
ماندگی های اقتصادی ـ اجتما
خود به کار و پیکار انقلابی ش
و مخصوصاً درین شرایطی ک
ارتجاع و امپریالیزم جنگ‌اعلا
مردم ، وطن وانقلاب ما براه

تبصره

تاریخ زدگان سیاهروی

های بسیاری در باره‌ارتجاع
رو های وابسته آن د ر
گفته آمده وباشیوه‌هاوسلیقه
یح شده است .

مل این موضوع‌را روشن
چشم ما صورت می گیرد ،
و شرایط خـاص تاریخـی

برای همه مردم آ مـوزنده
سرایط انقلابی توده هـای

که خود نقش عظیمی د ر
دارند ، مسایل را عمـلا
ضیحات وبر داشت های
می آموزند .

دهانی تاریخی ، مو ضوع
گردد .

شکوهمند ثـور، تمام نیرو
نیك و پیشاییش آنها حزب
افغانستان باندای رسا در
منان مردم در داخل‌وخارج
ارائه داشتند وبخاطـــر
مبارزه نمودند که همه‌وهمه
ات درخشان تاریخ معاصر

گفته های بالا روشن می‌

فقط روشنفکران اند که مو ضوعات علمی را درك می نماید .

اماا‌کنون ، در پرتو نیروی توفنده انقلاب مردم نه تنها از راه سطور به ظاهرا خاموش جراید و مجلات و کتب ، بلکه عملا مسایل جهان و جامعه‌را از رویداد ها وبرخورد های روزمره می آموزند .

مثال دیگری چنین است : در سومین‌شماره جریده تابناك خلق نویسنده‌در باره‌دوستان و دشمنان خلق و شیوه های پیکار انقلابی بصورت علمی توضیحاتی ارائه داشته کـه فقط امروز اکثریت مردم عملا آنرا می‌فهمند، ولی در آنزمان درك‌موضوع برای توده های عظیم مردم ناممکن یامحدود بود .

همچنان در تمام شماره های‌جراید خلق وپرچم ارگان های کمیته مر کزی حزب‌دمو-گراتیك خلق افغانستان قبل از انقلاب،درباره دوستان ودشمنان‌خلق.درباره نبرد باارتجاع وپیروزی مردم بصورت علمی و سیعاروشنی انداخته شده که به یقین نقش مشعل‌ورهنما را در جنبش انقلابی کشور داشته که‌تاکنون نیز می درخشد . ا ما واضح است که درك موضوع برای همدردی مردم در آن زمان کار ساده‌ای نبود .

برعکس اکنون ، انقلاب و پروسه‌آن‌چنان مردم موضوع را بروشنی درك می کنند ومی-دانند که کدام نیروهایی دزدان و ر هز نان‌را مسلح می سازند تاکودکان و پیران، جوانان وزنان را به قتل برسانند و مساجدومکاتب شفاخانه ها را به آتش بکشانند و پل ها و سرك ها و عمارات را ویران کنند .

امروز مردم باچشم باز می بینندکه ازطریق پاکستان نیروهای ار تجاعی به کمك امپر-یالیزم بین‌المللی داخل خاك افغانستان آزاد وانقلابی می شوند وصلح و آرامش را در سراسروطن ما برهم‌می‌زنند .

همچنان مردم می فهمند که کشور بزرگ انقلاب اکتوبر ، یار ویاور مردم افغانستان انقلابی بوده وعملا ثابت گردیدکه در شرایط حساس تاریخ دست دوستی و تعاون را به مردم افغانستان دراز کرده واز کمك و یاری دریـغ نمی ورزد .

سخن دیگر که گفتنش لازمی و ضروری می‌نماید اینست که در باره‌مسایل ملی وبین-المللی قبل از انقلاب وبعد از انقلاب ثـور نیز همه‌ای نیرو ها و گروه های ضد انقلابی درست درك‌علمی نداشته وعملا این موضوع به اثبات رسید چنانچه تمـام گـروه هـای سیاه‌وارتجاعی از چپ های‌متعصب‌افراطـــی گرفته تا راست های امپریالیستی همه وهمه به‌روایت تاریخ دروغ پراگنی های ز یا دی کدام گروه و نیرو های اجتماعی اند وچهره ارتجاع وامپریالیزم چه سیاه و نفرت انگیز است .

درین دوران روزنامه ها وجراید، رادیوو تلویزیون جمهوری دموکراتیك افغانستان و تمام وسایل ار تباط جمعی جهان انقلابی و مترقی ، حقایق انکار ناپذیری را نشر می-نمایند که از د هشت افگنی های بیشمار اهریمنان ودشمنان تاریخ و آ دمکشی هـای جلادان ار تجاع وامپریالیزم روایات حقیقی دارد و همه روزه مردم‌می بینند وقضاوت می‌کنند .

برعکس نیرو های اهریمنی ، ار تـــجاع وامپریالیزم دشمنان سوگند خورده خلـــق ضمن چپاولگری و غارت ، آدمکشی و تجاوز آتش افروزی وویران‌کاری ، وحشت وترور از عدالت ودموکراسی ، از آزادی‌وانسانیت سخن می‌زنند ، حقایق را وارونه ودگرگون جلوه می‌دهند ، تابتوانند بر ذهنیت ساده لوحان اثری داشته باشند وچرخ هـــا ی نیرومند تاریخ را به عقب بر گردانند که‌این تلاش ها به یقین بیهوده و عبث است .

نکته دیگر که نباید ناگفته ماند، اینست که تاریخ ومردم ذره‌ذره حساب می کنند و اعمال تمام نیروهای اجتماعی را چه انقلابی وارتجاعی به محاسبه می گیرند . علماقضاوت می‌نمایند . تاریخ وطن ما همانطوریکه بدون واسطه این و آن در باره قساوت وبیرحمی شاهان وامیران مستبد حکم قاطع دارد، درباره نقش بالنسبه ترقیخوا هانه امان الله خـان

جوانان ماصفوف قوای مسلح کشور را نیرومند نگهمیدارند

با پیروزی انقلاب شکو همندثور و سقو ط مر گبا و رژیم هـــای وا بسته به استبداد ، ار تجـا ع و امپر یا لیزم در سر زمین‌مقدس ما حا کمیت ز حمتکشا ن درعرصهٔ عمل تحقق پذ یر فت‌وقدرت‌سیاسی ازید جباران و مستکبران به خلق زحمتکش و به نما ینده گی از آن به‌حزب د مو کرا تیك خلـــــق افغا نستا ن‌پیش آهنگ طبقهٔ‌کارگر وتما م ز حمتکشا ن کشور تعلـق گر فت .

تحو لات انقلا بی ا یکه بعداز پیرو زی انقلاب ملی و دموکراتیك ثور در عر صه هـا ی گو نا گو ن زند گی مرد م ما یکی بعد دیگـــر رو نما میگر دد وانسا ن زحمتکش جا معه ما را به آیندهٔ آبادمر فــــه و شگو فا ن نزدیك و نزد یـــك تر می سا زد موجبآ ن گر د یده است تا همه د شمنان مردم افغا ـ نستان که از سا لیا ن دراز ی بـــا شیوه ها ی بسیا ر رز یـــلا تــــه وخا ینا نه مرد م ما را مورداستثمار بیر حما نه خو یش قرا ر می دادند وبا خورد ن عصا ره جــــا ن و محصو ل کا ر و زحما ت طا قــت فر سا و شبا رو زی آ نا ن‌پرازیت وار امــرار حیات می نمودند بـدان و ادا رد تا بر ضد انقلاب شکو ـ همند ثور مردم افغا نستا ن کـــه آزاد ی ها و ار مغا ن ها ی‌بیشماری را به زحمتکشا ن میهن ما ببـــار آورده است و آ ن ها را درشاهراه ترقی و تمد ن قرا ر داده ا ســـت پیروز ی انجا مید ه ا ست تو سط آن ها حفظ می گر دد و پیرو ز ـ مندا نه تکا ملی می یا بد و هر ـ گو نه موانع را از سر راه خو یش به سهو لت بر می دارد .

در پیشا پیش مدا فعین انقلا ب دورا نساز ثور اردو ی قهرمان و حما سه آفر ین کشور در تحـت رهبر ی حزب پر توا ن ما حز ب دمــو کراتیك خلق افغا نستان قرار دا رد که در صفو ف خو یش هزار ها فر زند کار گر دهقا ن و پیشه ور جا معه را دا را می باشد .

اردوی مرد می ما که ا مر و زاز حا کمیت ملی ا ستقلا ل ملـــــی و تما میت ار ضی کشور قا طعانه در سنگر دفا ع قرار گر فته است شکست و نا کا می را نمی شناسد در وظا یف خو یش پیروز مندا نه گا م بر می دا رد و صفو ف رز ـ مندهٔ آن روز برو ز به اثـــــر شجا عت و د لیر ی جوانا ن بـــر نیرو مندی خود می افزا ید .

رو زی نیست که ده ها و حتی صد ها جوانان هموطن ما که واجد شرایط اجرا ی قانو ن مکلفیــــت عسکری با شند به صفو ف قوای مسلح قهر ما ن کشور رو ی‌نیا ـ ورند و به صفو ف رز مند ۂ آ ن‌نه پیوندندهمچنا ن تعداد ز یا د ی از هموطنان ماکه‌دورهٔ مکلفیت عسکری خود را قبلا سپری نموده ا ند بـه اثر فیصله شو را ی و زیـــرا ن جمهوری د مو کرا تیك افغا نستان مبنی بر جلب و احضا ر قسمـــی



محمد موســی سرباز قطعه ۵۳مخابره

را به انجا م می رسا نند حا ضر می شو ند تا الی ختم تحر یکا ت و مد ا خلا ت محا فل ار تجا عــی وامپر یا لیستی در سر زمیـــــن نا مور ما افتخا ر سر باز ی و خد مت ز یر بیر ق را دا شتــــه با شند و در صفو ف قوای مسلح جمهوری د مو کرا تیك افغا نستا ن همچنا ن با قی بما نند . از این رو ما با چند تن از اینگو نــــه جوانا ن و طن پر ست کشور د ر مورد تصا میم و فعا لیت ها و وظا یف انقلا بی شا ن گفت و شنود هایی بعمل آورده ایم که در ذیـل شما را بخواند ن آ ن د عو ت می نما ئیم .

محمد مو سی سر باز تو لـــــی دوم کند ك سو م قطعه مخا بـــره یکتن از سر با زا ن جوا نی است که به اثر فیصله شو را ی وزیرا ن

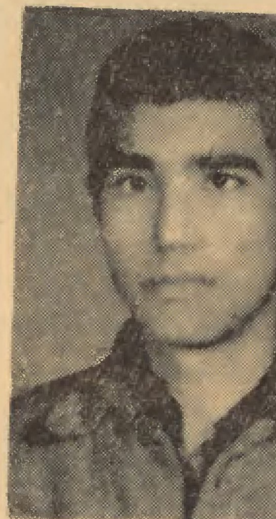
عسکر ی خود را در
سپری کرده بود م
حاضر شده ام تا از
وطن، مرد م وانقلاب
نما یم .

او را جع به شرای
در دوران قبل از پیر
با لای سر با زا ن
شد چنین می گو ید :

در دوران قبل از
حکم می نمود که بای
مبلغ (۳۰) افغا نی
قطعه بگو نهٔ معا ش
ولی من در طو ل
خد مت خود آ ن را
هم ند ید م ، جا
اینکه حتی بو ت و
قا نو نا استحقا ق یا
تو سطآمرین بالای ع
می رسید ، من خود
(۶۰۰) افغا نی به قو

دار بود و بس .
ی بختانه امروز که
، دولت انقلابی خود
صفوف قوای‌مسلح
و وظیفه سرباز ی‌را
یم در این زمینه
حشی را ملاحظه
نی امروز رویه
بسیار خوب است ،
دریشی خوب ،بوت
برای ما داده شده
ا نه مبلغ سه هزار
برای ما پرداخته
می تواند گذاره‌فا-
ماید تا بدون تشو-
ٔ فامیلی به کار وبار
بپردازیم .
ر سوال دیگر که از
سرباز خوب باید
فائی باشد

من یک سرباز باید
نش کند که به خاک
ی خود مصدر خدمات



نور محمد سرباز

گردد و در کار های
را عادت همیشگی خود
های روز گذرانی و
را در خود راه ندهد
مردم وانقلاب خویش
شد .

گردیده است و از آن زمان
تا کنون وظایف انقلابی خود را با
جدیت روزافزون به پیش می
برد .

او که لیسانسهٔ انستیتوت
پولی تخنیک کابل بوده از مدت
پنج سال بدینطرف افتخار
عضویت حزب دموکراتیک خلق
افغانستان را نیز دارا می
باشد . بجواب این‌سوال که یک
سرباز با سواد علاوه بر آنکه
وظایف انقلابی خود را در امر
دفاع از وطن ، حاکمیت ملی ،
استقلال ملی وتمامیت ارضی
کشور به پیش می برد چه وجایب
و مکلفیت های دیگری را دربرابر
آنعده از همسنگران دیگر خود که
به اثر پلان های شوم ارتجاع
وامپریالیزم از نعمت سواد محروم
مانده اند دارا است چنین بیان می
دارد :

یک سرباز با سواد باید در
پهلوی وظایف انقلابی خودبکوشد
تا آن عده از همرزمان خویش را
که روی علل مختلفی نتوانسته اند
کسب سواد نمایند با سوادسازد
و در این زمینه به معلمان سواد
آموزی و صاحب منصبان اردویار
ومددگار خوبی باشد و چنین هم
هست یعنی در قطعهٔ ما به اثر
توجه افسران دلاور ، سربازان
با سواد و معلمان کورس های
سواد آموزی تعداد زیادی از
سربازان به خواندن و نو-
شتن آشنائی حاصل کرده اندو
امروز میتوانند اخبار بخوانند و
خط بنویسند .

او در برابر این سوال که آیا
سربازان این قطعه هنگام مطالعه
روزنامه ها و جراید به چه مو-
ضوعاتی زیاد تر علاقه می گیرند
گفت : سربازان ما به خواندن
وشنیدن اخباری که در موردنا-
بودی و یا در هم کوبیده شدن
اشرار این دشمنان آتش به جان
مردم افغانستان که به اثر شجاعت

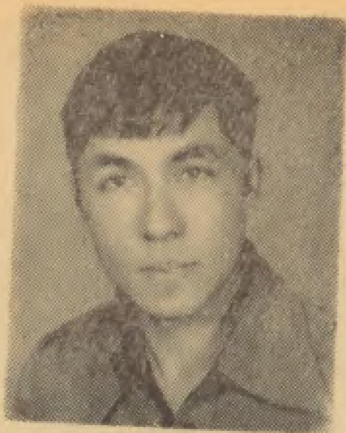
می باشند .

وی در مورد ماهیت تبلیغات
دروغین دشمنان انقلاب ثور ومردم
افغانستان چنین ابراز نظر می
نماید :

مردم ما و جهانیان شاهدآن
اند که از همان آوان پیروزی‌انقلاب
شکوهمند ثور و بخصوص مرحلهٔ
نوین و تکاملی آن ارتجاع
داخلی منطقه و بین المللی درراس
امپریالیزم جهانخوار امریکا
بر ضد وطن ، مردم وانقلاب ب‌ما
غوغای تبلیغاتی گمراه کننده‌ای
را براه انداخته اند و در این
راه از شیوه ها ، مواد ، اسالیب
مختلفی کار می گیرند تا مردم‌را
فریب دهند و آن‌ها را بر ضد
انقلاب شکوهمند ثور و دست
آورد های دوران ساز آن‌تحریک
نمایند ولی مردم آزادهٔ ما دیگر
فریب اینگونه جعلیات و اکاذیب
را نمی خورند و از راهیکه برای
نجات خود انتخاب کرده اند هرگز
بر نمی گردند و این راه عبارتست
از راه رشد و تکامل بخشیدن به
آرمان های انقلاب ملی و دمو-
کراتیک ثور در تحت رهبری حزب
دموکراتیک خلق افغانستان.

محمد اکرم سرباز بلوک
انظباط غند ۵۲ مخابره که بعد از
گذشتاندن مدت دو سال و
شش ماه در صفوف قوای
مسلح کشور باز هم حاضر
شده است در صفوف قوای‌مسلح
باقی بماند و ترخیص اخذ
نکند ، می گوید :

اعمال جنایتکارانه دشمنان
انقلاب ثور مرا بدان واداشت
تاباهمه نیرو و توانی که در بدن
دارم در برابر دشمنان مردم
افغانستان افغانستان بر زمم
ووطن و جامعهٔ خود را از شر
دزدان ، قطاع الطریقان ، آدم
کشان و فتنه گرانی که در تحت
رهبری امپریالیزم ایالات متحده
امریکا بر مردم ما بیداد روا می



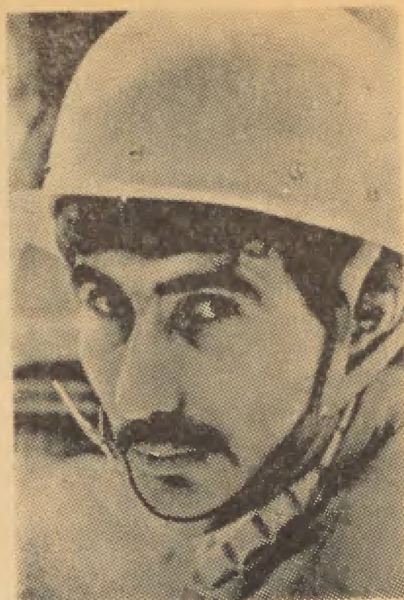
عبدالجمیل سرباز

ور شدیم و به زودی این قرارگاه
را تصاحب نموده مقدار زیادی
از سلاح ومهمات آن ها را که در
کشور های‌امپریالستی و ارتجاعی
جهان ساخته شده بود دستگیر
نمودیم .

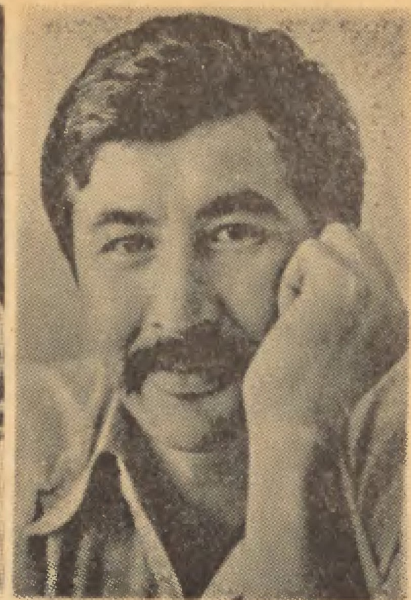
وی می گوید : وقتیکه ما به
یکی از قرای مربوط این ولایت
که از چندی بدینطرف اشرار
در آن بیداد میکرد رسیدیم دیدیم
که مکتب آن به آتش کشیده‌شده
است و خاکستری بیش از آن
باقی نمانده است .

هنگام ورود مردم قریه و شا-
گردان مکتب از ما استقبال‌پرشور
وزایدالوصفی بعمل آوردند و
پیران ، جوانان و نوجوانان
اظهار مسرت نموده گفتند که بعد
از این ما آزاد شدیم ، مکتب ما
آباد می شود و بیاری اردوی
قهرمان کشور دیگر ما از شر
دزدان شرارت پیشه و قطاع-
الطریقان بیرحم نجات یافته‌ایم
و در فضای آرام و صلح آمیز
میهن خود زیست خواهیم کرد .

عبدالجمیل سرباز تولی تعلیمی
قطعه ۵۲ که در برج قوس ۱۳۵۸
به خدمت زیر بیرق جمهوری
دموکراتیک افغانستان شتافته
است و امروز نیز منحیث سرباز
داوطلب وظایف انقلابی خویش
را با شور و شوق زایدالوصفی
ادامه می دهد بپاسخ این سوال







افراد جمیع ملیت های اتحاد شوروی دورهدف مشترکی‌که اعمار جامعه پیشرفته وفاقداستثماراندوش بدوش هم‌مصروف فعالیت‌اند.

چگونه‌اتحاد شوروی مساله‌ملیت‌راحل کرد

بمو جب قانو ن اسا سی این‌کشورهر تبعه اتحاد شو روی مکلف است تاغرور و افتخار ات ملی سا یراتباع‌وملیت های‌این کشوررا احترام‌نموده در تحکیم دو ستی ملل و ملیـــت‌های دولت کثیر الملیتی اتحـــاد شو روی صرف مسا عی نماید .

• • •

قانون حق هر ملیت را در اجرای‌آزادا نه مرا سم مذ هبی و عنعنات ملی بدون تبعیض تضمین میکند .

• • •



اتحاد شوروی در حفظ وانکشاف کـــلتور ملیتهاسعی فراوان بخرچ میدهد این دختر را در لباس آذربایجان مشاهده میکند .

پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر در ۱۹۱۷ در اتحاد شوروی ، حزب ودولت مردمی ایـــن کشور را بلا فاصله به مساله دادن نیرو و تحرك تازه بروابط ملی بمنظور ایجاد تهداب مستحکمی جهت بمیان آوردن یك جبهه متحد مردم کارگر و زحمتکش همه ملیت هادر مبارزه علیه یوغ سرمایه واعمار حیات جدید عاری از بهره کشی انسان از انسان مواجه‌ساخت طرق نیل باین غایه به‌خوبی درآثار لنین و اسناد مصوبه حزب کارگری لنینی که مبتنی بر تحلیل کامل ودرست اوضاع واقع‌است

اتحاد شو روی از کجا شروع کرد؟

انکشاف دولت ملی در اتحاد شوروی موید صحت و درستی راهی است‌که توسط حـــزب ودولت انقلابی اتحاد شوروی در رابطه با مسایل ملی تحت سوسیا لیزم انتخاب شده است • حزب کمونست‌اتحادشوروی بلافاصله بعد از احراز قدرت دولتی ، یك پروگـرام جامع رادر زمینه حل سوال ملیت و تامین مساویانه حقوق آنها در امر حفـظ و انکشاف فـــرهنـگ بخصوص شان و شـــرکـــت در عمران مجدد ملی در عمل پیاده کرد و طرفداری شان رااز تحقق اصل خود ارادیت ابراز داشت • فرامین حکومت اتحاد شوروی درمورد الغای اختناق وستم مـــلی تاسیس تساوی واقعی همه ملل و ملیت هادر روسیه عمیقا دمو کراتیك بوده وبا استقبال گـــرم وپر حرارت مردم سراسر این کشورمواجه شد •

دومین کنگره‌سراسری‌اتحاد
انقلاب طی تقاضا نامه یی از
بازان و دهقانان اعلام کرد ک
حق مسلم همه ملل ساکن ا
مورد خود ارادیت تامین خوا

باصدور این تقاضا نامه
پالیسی دشمنی ملی وبی اعتم
پایان داده شد •

حکومت مردمی اتحاد شور
دواطلبانه و صادقانه ، تساو
ساکن این کشور و حقوق
اعـلام داشـــت ، کـذا هر
همه اقلیت های ملی و گرو
اعلام داشت . کذا هرگونه ا
مذهبی و قیود در زمینه منسو

یك سند مهم دیگر در
عبارت از تقاضای شورای
مردمی از همه (مردم کارگر
وشرق) بود که در نوامبر ۷
رسید ، درین سند حکومت
همه عقاید ، رسوم و موسسا
مسلمانان را آزاد و غیر قابل
کرده و تساوی همه ملل را
آمادگی خویش‌رابرای حفاظت
ابراز داشت •

همه این اقدامات جامع در
پروگرام‌لنین درموردمسألهٔ ملی
مردم اتحادشوروی‌که ملیت
دادند ، بیش از هروقت دیگر
انتر ناسیو نالیزم متحـــدش
شان مبنی بر اتحاد نزدیك د
علیه ضد انقلاب نیرومند تر
مسیر انـکشاف تـــاریخ
تو حید جمهوریت های اتحاد
دولت قوی ونیرومند فیدرالی

البته موسسات نمایندگی
درین کشورنقش ممتازی در
مزید مردم در یکدولت کثیر
لیستی ایفاء کرد •

این موسسات وادارات با پ
حزب طرازنوین لنین مساعی
پیشرفت سریع اقتصادی و
جامعه نوین سوسیا لیستی مت
شورویان بمثابه یك مکت
برای توده های وسیع ملیت





...های مختلف اتحادشوروی از کلتور وملیت های گوناگون این کشور درارگان دولتی نمایندگی میکند ، این عکس یك جلسه پارلمان اتحاد شوروی را در مسکـــو نشان میدهد .



...در حفظ . احیاء و انکشاف‌صنایع محلی این کشور کثیرالملیتی اهتمام ...س بالا ساختن ظروف فلزی‌رادر کوباچی واقع جمهوریت داغستان اتحاد شوروی نشان میدهد .

طبقه کارگر نواحی انکشاف یافته صنعتی به بسا مردم کمك کرد تابسرعت بر عقب ماندگی غلبه یافته از مرحله انکشاف سرمایداری عبور کنند • انکشاف صنعت سوسیالیستی‌و ایجاد زراعت خیلی انکشاف یافته ومودرنیزه جز اهداف بزرگ طبقه کار گر بوده است •

همکاری برادرانه طبقه کارگر در مراکـــز قدیمی صنعتی با دهقانان وسایر نیرو های مولد باعث انکشاف صنعت وتشریك مساعی همه ملیت هادرعمران مجدد ملی شد • چنانچه شاهراه های متعدد ترانسپورتی با همکاری مشترك قـــزاق هـــا ، ترکمن ها ، اوزبك‌ها قرغز ها ، روسی ها و یوکراینی ها و غیره ملیت ها اعماریافت و مورد استفاده قرار گرفت •

بدون شك ساختمان مجدد موفقیت آمیز اقتصاد ملی دراتحاد شوروی .امکانات جدید را برای انکشاف‌مزید دولت کثیر الملیتی این کشور بر اساس تساوی حقوق ملیت ها باز کردو هم باعث ساختمان مجدد همه روابط اجتماعی براصول کولکتیفی گردید .

در مرحله سوسیالیزم‌منکشف ، مساعـــد ترین ، امکانات برای شگوفایی حیات کامل هر ملت فراهم شد که این امر بنوبه خود باعث انکشاف‌روابط نزدیك ملیت هاو تحکیم توحید اجتماعی وسیاسی شان در چوکات یك دولت فیدرالی گردید •

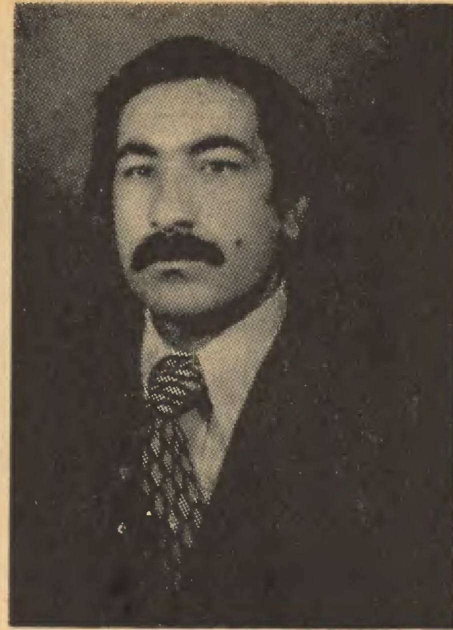
اتحاد شوروی اکنون یك جامعه جدیـــد تاریخی متشکل بوده که متکی براتحادرزمنده طبقه کارگر، دهقان، روشنفکر مصروف پی - ریزی اساسات مادی کمونیزم است و طبقه کارگر نقش رهبری کننده یی را براساس دوستی با همه ملیت‌های بزرگ وکوچك‌ایفاء میکند •

همه جمهوریت های‌که اتحـــاد شوروی را تشکیل میدهند ، مساوی الحقوق‌اند ، هریك ازاین جمهوریت هاو ملیت‌هاعین حق وتعهدرا درچوکات ساحه فعالیت دولتی داشته و طور مساویانه از آن ها در شورای عالی اتحاد شوروی ، هیات رئیسه • شورای وزیران و دیوان عالی اتحاد شوروی و غیره ارگان‌ها طبق قوانین‌موضوعه‌دولت فیدرالی سو سیا - لیستی نمایندگی میشود •

تشکیل اتحاد شوروی که‌در آن بیش از (۱۰۰) ملت وملیت بسر میبرند بحیث وسیله‌نیرومند در حل مسأله ملی موثر ثابت شد . اتحاد شوروی متشکل از (۱۵) جمهوریت اتحادی است که شامل (۲۰) جمهوریت خود مختار (۸) زون خودمختار و (۱۰) ساحه خود مختار



دننی شعر لارویان



عاشق اله فریاد

دخدای مینی عاشق الله د مینی مینی شاعراو د دغه بیلتون ځپلی مینی ځړیکوساندوپه «فریاد»مشهوز کړ .

په هغه ښکلی او ګلا لی سیمه‌کی چی دالیشنګ او الینګا رځپا نــد سیندو نه سره غاړه غړی ورځی،د سوا تی. نو می کلی په یوه کر کره کور نی کی یی چی د سید امیر پاچا په زوی امان الله پاچا یی اړه درلوده ستر کی پرانیستی.هلته یی خاپوړی وکړی ورو ورو را غوټکی شو او ښوونځی ته ولاړ . خپلی مینی لــه کورو کلی نه په بید یا کړ، د کابل سیند غاړه یی راو نیوله او په پای کی د انقلاب منځی ته را ورسید. خپله زده کړه یی په استقلال لیسه او شپی لیسه کی تر دو لسمه راو- رسوله او نوره ورته وټه یسیزو - ستونزو د زده کړی د پر مختیـــا کابوورنه کـــړه دلته او هلته‌مامور او مزدور شو .

د ثور انقلاب د نوی زغور تیا یی او بشپړ تیا یی پړاو یی د نهیلیو شپه رڼارڼا کړه او خپل ځونده او هخنده شا عرا نه خوب د کابـــل پوهنتون نوی منځ ته را غلی شپی

« د ۱۳٤۸ کال پسر لی هغه‌مهال چــه نهم ټولګی تــه رسید لی وم د کلو کلو شا عرا نه مینی می ورو ورو غوټی وکړی او هغو ورو ورو دګلونو په سپړ لو پیل وکړ . هر څه‌می چی ویل او لیکل ، شعر او غزل وو،هغه شعر او غزل چی یی ډیر ژر ورځپاڼو او نورو خپرو نو ته لارو کړه او پتیلز یی ورسره د دیری او او جری تنګ ټکور ته ... » .

دفریاد د دولس کلنو شعروساندو او فریادو نو دری‌ګونی غونډو نه چی «اندیښنی» ،«دسوز نغمی»او «دردونه اودرمان »یی نو مو لی دی ، زموږ دځوان شاعر د نا خړو بیدو نکو شا عرا نه والولو لا سوند او ښکارند بلل کیږی . خو که زما په خوښه او سپار ښتنه یی پر دغو نو مونو بیا کتنه وکړی ، غوره به وی، ځکه لومړی نوم دیوه بل شا عر په‌یوه چاپ شوی شعری غونډ اړه لری اودا دوه نور هم دومره‌خوند و راوکښاند نه‌بر ینښی. لنډ نوم (فریاد) یی هم له نورو ډیرو سره ګهون لری خو- ښا یی له یو څو نه دی مخکـــــی وی .

شا عر خان د هیڅ شاعرا نــه ښوونځی اړو ند او تلونی نه بو لی او په راز راز جو لیزو ښو او کا ښو کی شعر و یل د خپلی خبری لاسوند مګر موږ تری دا پوښتنه کوو چی

اوتلنځی بلل کیږی او همدا یــــی شعری لاره اورووده .

نو یوا لی او نو ښت :

څنګه چی شا عر له سندریزو شعرونو سره بی ساری لیوا تیا لری نو ډیره هڅه یی داده چی د جولی له مخی زړه لیاره ټینګه وسا تی او دلنډ و تنګو قا فیو او ردیفو لمن‌بری نه ږدی .وګړنی(فولکلوری) کالبونه یی‌هم خوښیږی او هغه هم د دی لپاره چی سندر غاړی یی بی سر- خوږه وویلای شی او آهنګ ساز ته یی په غو ښتنه خو له ورانه نه‌شی له دی کبله یی جولیز نو یوا لـــی ډیر لږ دی .

دمضمون او محتوا له پلوه له‌نوی انقلابی پیر سره سمون لری .دخپلی ټولنی هیلی او غوښتنی پکی پـــه پوره ټینګار انځور وی او ډیره هڅـه لری چی په دغه برخه کی له نورونه وروسته پاتی نشتی . هنری او ښکلا ییز اړخ تری کله کله دو مره‌کمزوری کیږی چی په نا آګاهانه تو ګه‌یی د نورو ډیرو ننګر هار یا نو غوندی د ناظمانو په ډله کی دروی. نوی نوی خیالو نه او انځورو نه ، تشبیه ګانی او استعماری ، تعبیرو نه خرګندونی او تلاز مو نه او له دی سره.ســره جوړ لیز نو ښت کیدای شی شاعر له هغی ډلی څخه را بیل کړی او د پیاورو شاعرانو په لړ کی یـــی

له پاره نوی شعری س
مضمون هله نوی بلل ک
په رښتیا سره په نوی
نغښتل شوی او په هنر
شوی وی ناز کو انسانی
احسا ساتو او لو لو پ
کړی وی او دچا خبره پ
یی لکه چی د خپل زیږ
ګر) زړه لړ زو لی وی
لو ستو نکی او اوریدو
پر لړ زاراولی او بیوا
راوځکوی .

له همدی کبله موږ د
پام همدغو ټکو ته را اړ
درو ښانه را تلو نکی پ

دیوه رښتینی ټولنوال ه
ښبی نښانی له همدا او
کیږی .

دا دی تر یو لړ دو
ښتو اویا دونو ورو ستن

دفریاد څو سوی څړ ی
هلو بیلګو په تو ګه د
ته ږدو او کره کوو یی

د زړه آرزو

زړه می بیا رانه دیدن
لکه ګل دسبا یی چ
په عذرونو په زاری
خورآشنا رانه دمینی
څه چاره وکوم زړه ر
سره لبان او د آشنا غن

که شپه‌ورځی دګلش
له خوښیودی بیزار
که‌خوبان‌دجهان‌ټول‌و
بی خپل یاره نه عرب ن
دفریادزړه د هجران
خودبه وچوی لمده

په دغه پاړ کی کی ج
په دود یزه نو مونه (مق
منګل له خوږی غاړی نه
اورا کښون اوریدل کی
تنګسیا ددی سبب ش
خوا یی یو څه پیکه غو
پیړیوپیړیو زاړه او ناپ
زلغتونه) ور ته د کلا س

. خلیل (رو ما ن)

همرزم شهیدم

ندر تپش ایـد روا نهنگا م دیدار ت
مو زو ن درتزلزل بیرق کلگون ،فروزانشـمعمزار ت

ت تدو یر نخستیـــن تا.سری حز ب دمو ـ افغانستان !

ر هم که در پیا پیچ ورا نیکه ابر سیا هی ها ی بلند و سر بفلك عزیز ما ن نعرهآزادی ه خویش را بلند وبلند ی سر سبز به گوش ه ما ن میرسا نید ی . نی اما ل استبداد که لبا نت به منا سـبت ت از لبخند ها بازنمی ها ی سخن درووجودت ن جار ی بود وبهر که س حزبی را که نا جی ـدیده ما از ستم طبقاتی بود ، مژده میداد ی . ز هارا که تواز صبحگا ها به نزد دهقا نا ن و و کاندارا ن قر یه میر متو جه اهدا ف انسان ت مینمود ی ـ به یاد

یاد بود تو این هد یه ناسبت تدو یرنخستین تاسر ی حز بت هد یه

اربا ب قر یش ظا لـم را لت و کو ب میکرد ، تو به مکتب برو ی تا آن واقعه (شانزده)سال م هست ـ خو ب به من در آن زما ن بسیار که برا یم گفتی نزد روموبرایش بگو یـم تماس بگیرد ـ هرگز

شاگرد یکجا ی شده بود ن ودولت ماره وپاچا صا حبه بد میگفتن ! تو بی‌بی ای علا قدار صا حب چقد ر مهربا ن اس واله هر دفه که برش گوسپند بورد یم یایك چند دا نه‌مرغ بوردیم فورا گرفته و قبو ل کده . آیا از طر ف دو لت مانیس.))

من خو ب بیاد میاور م که پدرت بطر ف تو حیرا ن حیرا ن نگاه می کرد ، توبا سر بلند وقا مت کشیده با چهره سرشار از نو یدپیروز ی ایستاده بود ی وگا هگا هی خو ن لبانت راپا ك میکرد ی من هما ن روز به تو ورفقا ی توو به حز بت آفرین گفتم . آفرین هر قدر اگر ترا لت و کوب کردند تواز راهت بو نگشتی‌و اینك یك موضو ع دیگر ی‌رابرا یت میگویم ـ افسوس که آنـــزما ن از ترس نمیتوا نستم برا یت بگو یم ولی حا لا دیگرترسی و جود ندارد وآن رابا رو حت که زنده است باز گومینما یم . آنروز اربا ب قر یش نزد پدر من آمد وبعد از اینکه یـك پیاله چا ی (نوش جا ن) کرد ـگفت ((کاکاقدوس تو خو ب می فا می که ده ای روز ها چند بچی مکتبی‌میکن کدام حزب راتاسیس کد ن و ا ی حزب بر خلاف اربابا و خان ها اس و دولت ماره و پاچاصاحب (مهربان) ماره بد گفتن ـ مگر اینه مه یك‌گپ برت می گم ـ خا ن همیشه خان‌اس واربا ب اربا ب . دهقا ن یا بچی دهقان کی خا ن شده می تا نه ،ببین ماوشما خود ما بین خود استیم تو از چند پشت همرا ی مانو کر ی‌کدی کدام روز رو یه بد ماره دید ی ـهر سا ل حق بر ت میتم ـ قر ض که

علاقه دار صا حبه دید ی که آمده‌بود چقدر بیچاره ترسیده بود رنگش‌کاه واری سفید شده بود .اگه مرد م گفتن که اربا ب صا حب خو ب کار نکده بابه رجبه و بچیشه زده تو بگو که خود آنها در مقابل ار با ب صا حب بی اد بی کد ن ـ اگر نی اربا ب خو بسیار با لای ما و شما مهربان اس)).

خوب بیاد دار م که دو سا ل‌نظر به‌ابها م وموا نعیکه ار با ب در ذهن پدر م تلقین میکرد از شا مل شد ن به مکتب عقب ماند م . در آن روز ها من خوبتر نسبت بتو ورفقایت علاقه گر فتم بعد ها حس کنجکاوی خویش رابیشتر بکار اندا ختم ودر مورد تو ور فقا یت در قریه معلومات وسیع بدست آوردم ترا خوب شنا ـ ختم که مبلغ ارمانها ی نجیبا نه‌مردم زحمتکش افغانستا ن به نما یند گی از حزب دمو کراتیك خلق افغانستان وظیفه داشتی تارسا لت تار یخـی خودرا دربرابر مرد م قر یه ما ادا ء نمایی واینکار رانمود ی من بعد ها در اثر رهنمایی های تو ور فقا یت به حزب پرافتخا ر د.خ.ا پیو ستم و ده سا ل بعد از آن خبر شهاد ت تو در قریه ماطنین افگند . ایکا ش یکبار دیگر زنده می شد ی وجوش وخروشی راکه هنگا م تشیع‌جنازه ات برپا شده بود میدید ی‌من‌به‌چنین مرگ و دا شتن چنین رفیق افتخار مینمایم .

رفقا جنازه ات را با شـــور و هیجا ن قد م به قد م همرا هی می نمودند و هنگا م دفن با لای خا ك تو سوانح قلمی ات را خواند ند . این کار را رفقا ی کمیته و لا یتی انجا م دادند . حتی جم لات آن را به‌خاطر دار م که میگفت :

((رفیق .... برا ی پیـروز ی ـ آرمانها ی شریفا نه مرد م زحمتکش افغانستا ن به مثابه قطره به دریای خروشا ن واموا ج جـوشـــا ن آن پیوست . اونمرده است ـاوبا ماست وهمیشه باما خوا هد بود . زیــرا همه مارسا لت عظیمی ایرا برا ی این روشنا یی راه نجا ت مـــرد م خویش را خوا هیم یافت او جایش رادر قلب ها ی پرارما ن ما بـا ز نموده است ـ اوبا ماست وبا مـا خواهد بود ـرفیق ... هـــنگا م تظاهرا ت در صحن مکتب در حا ـ لیکه در فش حزب را جا و دا نه‌سر بلند نگهدا شت هد ف گلو له قرار گرفت . ماو عده مید هیم که راه مقدس نجا ت پدرا ن وبرادرا ن ـ مادرا ن وخواهرا ن خویش را ادامه خواهیم داد وسوگند یاد می نماییم که خو نبها ی رفیق شهید خود را درسرنگو نی رژیم مستبد و ضـد مرد می می یابیم وبرا ی حصو ل آزاد ی واقعی مرد م خویش را از ریختن خونها ی دا غ‌خود دریغ‌نمی کنیم)).

آری ! این شهاد ت تو وسا یر تووسایر جوانا ن پیکار جو ی مابود که توا نستیم راه خــو یش را در ظلمت وتاریکی نظا م ها ی فیودالی به‌سو ی روشنا یی ونور بکشاییم ومبارزه نور علیه ظلمت را تشد ید بخشیم .

آنگاه حز بت قوا م یا فت وپا یه های آن در دها ت و قر یجا ت ما استحکام بیشتر کسب نموده سر انجا م انقلاب ثور این خوا سـبت آرما نی تو به پیروز ی رسید و ، مرحله نوین وتکا ملی آن تحقق یافت حال رفقا ی تودر استا نه تدو یر نخستین کنفرانس سر تاسر ی‌حزب قرار دارند و آرما نها ی تراقدا م‌به قدم عملی مینما یند .

ایکاش تو زنده می بـــود ی و پیروز ی حز ب محبو ب خو یش را به چشم سر ملاحظه میکرد ی . در حالیکه حزب بر مبارزا ت قهرمانانه شهیدا ن خویش ار ج فو ق العاده ای‌را قایل است همه اعضا ی آن‌با تلاش های شبا رو زی برای ایجاد جامعهٔ آزاد و شگو فا ن و فا قد ، طبقا ت پیکار مینما ید. حز ب ما پرافتخار ترین سند را برای اعضای خویش توزیع‌مینما ید و آن کار ت



تایید میدارد که در صور تامتنا ع
مصر از قبو لی گذ شت ها ((یهود
یان در ماه اپر یل انتظا ر غم واندوه
رامیکشند)) الحا ق اجبار یارتفا-
عات جولان سوریه از طرف‌اسراییل
باعث حواس خرا بی اعرا ب میگردد
تل ابیب خیلی ها وقت آزما یشی
مقاو مت و طرفدار ی قا هره را از
موافقهٔ کامپ دیوید آغا ز کرده است
هر بار حکو مت مصرمجبور است‌تا
عملیا ت تو سعه طلبا نه و تجا و ز
گرانه اسراییل را علیه حکوما ت
عربی قبو ل نماید تا اینکه وفادار ی
خویش رابا رو حیه کامپ دیو ید به
اثبا ت رسانیده باشد . طور یکه
معلوم گردید همکار ی سترا تیژ یکی
امریکا - اسرا ییل به حا ل‌خویش
باقیمانده ، اما واشنگتن به ایـن
عمل خویش ادامه مید هد تا درمنا-
سبا ت باتل ابیب متحد ، با و فـا
وبجا کننده تعهدا ت خویش با قی

بماند وچنانچه ویتـو
متحدهٔ در جلسه شورا ی
متحد اسراییل را از مجا
که از جانب محافل اجتما
دوست به ار تبا ط الحا
ارتفا عا ت جولان از طر
بیگن تصویب گردید ،
چنین معلو م میگردد
وتل ابیب عمد تاوبه صو
نقشه شر ق نز د یـك
های خود می چر خانند
اسراییل این امر کمك
سرحدا ت خویش را به
اجبار ی سر زمین ها ی
توسعه بخشیده ،اما بر
زمینه آن مسا عد میگردد
صهیونیستی اسرا ییل
سو ق الجیشی پنتا گو
وارد آورد ن فشار ها ی
اعرا ب به‌خا طر تحقق بـ
های نظا می وسیا سی -
این مناطق ،مبد ل سازد

رجمه و تنظیم از : میر حسام الدین برو مند

بشر یت‌متر قی‌و تامین حقوق انسانی مردم فلسطین

پیش از آنکه صحرا ی سینا از
نو تحت ادارهٔ مصر در آید ، برملا
میگردد که ایا لات متحدهٔ امریکا و
اسرائیل قصد دارند قاهره رابیشتر
آلهٔ دست خود گردانند . اکـنو ن
واشنگتن وتل ابیب مسا عی بخر چ
مید هند دو وظیفه عمده را که با-
واپس داد ن صحرا ی سینا به‌مصر
ارتبا ط دارد ، حل نما یند نخسـت
اینکه همکارانیکه با هم ((همکار ی
ستراژیکی)) دارند در و هلهٔ او ل
بایستی به پروسهٔ کا مپد یو یـد
خاتمه بخشند ، ثا نیا بد ینسا ن
تلاش میور زند تابا استفاده ازتمامی



امکانا ت راه باز گشت مصر را به
سو ی جها ن عر ب قطع بدارند و
درین رابطه تقریبا فشاریکه ایـن
روز ها از جانب امریکا واسرا ئیل
بالای قاهره وارد آورده شده تـا
اینکه از حکو مت مصر موا فقه یی
رادر مورد قبو لی مو ضو ع نا م
نهاد ((خود مختار ی فلسطین))
کسب بدارد ، به خوبی مشهوداست
چند ی قبل در همین رابطه مذاکراتی
صور ت گرفت که الکسندر هیگ
نیز در آن حضور داشت ازمذاکرات
متذکره چنین استنبا ط میگردد که
امریکا واسراییل سخت در تلا ش
اند تا اینکه دستا ن همکارا ن جوان
خویش را در توطئه کمپ دیو یداز
عقب بندند . وزیر امور خارجـهٔ
امریکا به حسنی مبار ك هشدارداد
که باید مذاکرا ت را در مورد خود
مختار ی فلسطین الی اخرا ج‌قطعات
نظا می اسراییل از صحرا ی سینا
به صور ت عاقلانه و قطعی ختـم
نماید . عقا ب ها ی اسراییلی قصد
دارند که الی اخرا ج قطعا ت شا ن
از صحرا ی سینا مسئله را که‌برای

آهنگساز مستعدی که‌برای‌بیس فلم‌موسیقی تهیه‌کرده‌اس

ریموند پالز در لتو یا زاده شد.
موسیقی وی با موسیقی سا یـر
آهنگسا زا ن مدر ن مشهورلتویایی
فر قی نداشته واز شهر ت خا ص
برخور دار است . موسیقی جازوی
تماشا چیا ن راسخت علاقمندساخته
وآهنگهای پراحسا س و همیشه‌تازه
اش ، همواره دوستدا را ن صدایش
رابه هیجا ن می آورد . پدر ش می
خواست ریمو ند یك پیانو نواز بار
آید .

پس از مکتب ریمو ند شا مـل
دیپار تمنت پیانو در هنر سـتا ن
((ریگا)) گردید و هما ن بود کـه
همزما ن با اختتام دوره فرا گیر ی
دیپا ر تمنت مذکور و ظیفه پیا نو
نوازی و رهبری یك گرو پ جا ز
جوانا ن رادر رادیو ی ((ریگا))عهده

آهنگساز ی و تصنیف
گردید سر انجا م او یك
خوانا ن آما تور را بنا



ت با اعضای گروه‌
عر ق ریخت .
چهل‌و پنج سا له
ر مند شنا خته شده
ی لتو یا ی اتحاد
از جمله هنر مندا ن
روی نیز میبا شد .
ر یکتعداد زیاد آهنگ
کسا ز به‌نشر رسیده
ل آهنگسا ز ریمو ند
هنگها ی را بیشتر می
ر چه ها ی دراما تیك
ردما غ و قلب آد می
. روی همین اصل

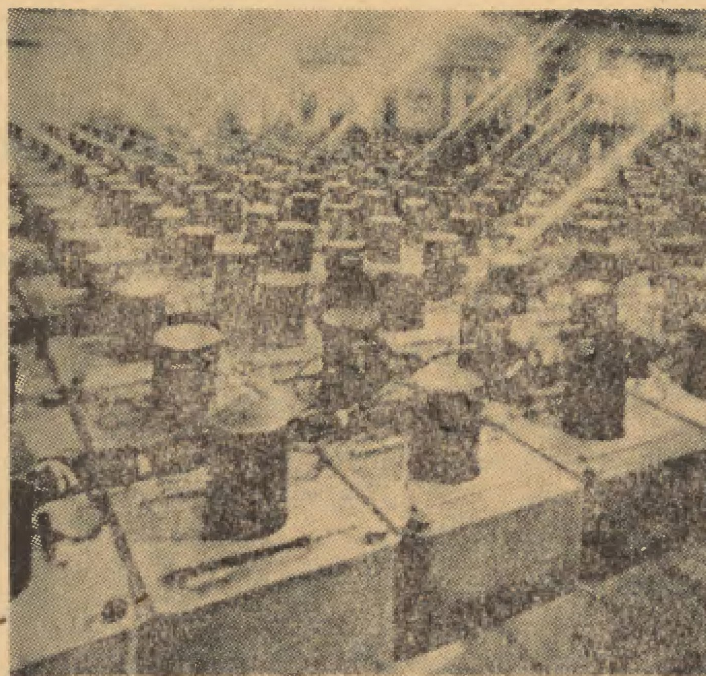
من با شا عرا ن مشهوراتحادشوروی چون جا نیس پیترز ، آنرا ی و زینسنیسکی و را بر ت رو ژ که آثار شا ن به خا طر احسا سا ت وخلو ص افکا ر و ادرا ك قو ی‌عام پسند است ، در تماس و نا بتر ین اشعا ر شا نرا غر ض سرود ن بر می گزینم . وی برای بیست فلم موسیقی‌واتهیه دیده‌است ریموندبدین تاز گی ها پس از ده سا ل همکاری از انسا مبل ((مودو)) جدا گر دید ستار گا ن‌جوان موسیقی پا پ‌لتویا چون نورا بو مبیر ، وکتورلاپچینوك میرد زاز یو هو ی و سا یر ین از شاگردان پالز به حسا ب می‌آیند .

گردیده است . یکی از عمده تر ین وظایف تلسکو پ اخذو ضبطشعا ـ عات کیها نی به خصو ص اشعهٔ نیو ترو ن و همچنا ن بعضی ذرا ت کوچك دیگر که در فضا ی لایتناهی موجود است ، میباشد .این حاد ثه علمی واینکه چسا ن‌تلسکو پ‌اشعه نیوتر و نی را کشف ،ازسایرشعا عا ت تفکیك وبه ذریعه کمپیو ترهای مغلق اخذ میدارد ، مورد معما و با عث سر‌گیچه برا ی بعضی از دانش مندا ن گردیده است .

از طریق سقف اتا ق تو نل‌مذکور البته در چند صد کیلو متر ی عمق اتا ق مذکور اتا ق نمبر یك و جود دارد که آنجا بنا م رصد خا نهٔ ((باکرا ن))مسما ست . ازآنجا شعاعا ت و ذرا ت خرد کیها نی می توانـد اخـذ و ذخیره گردد این وسیلهٔ مغلق در واقع یك ارتبا ط مستقیم با کیها ن از طر یق خطوط هوا یی مختص بخود بر قرا رداشته است که کور دینا ت کیها نی تلسکو پ هر لحظه در صدد منا بع اشعهٔ نیو ترو نی و کشف آن اند . بدیهی است که انر ژی نیو ترونی بنوبه خود یك کمك چشمگیر برای بشر خا صتا در سا حه تکنالوژ ی به حسا ب می آید . تلسکو پ‌بعلاوه در زمینهٔ چگونگی خلقت و پیدا یش و همچنا ن شکل از بین رفتن

وزوا ل ستار گا ن ، به انجا م مشا هداتی نایل آمده که شگر ف انگیز است . تلسکو پ جدید و نصب آن در قسمتی از کره زمینی صر فنظر از کشف واخذ منابع واشعه ها ی نیرو ترو نی ، برا ی سر عت بخشید ن پرو گرا م ((آستر وفزیکر و تما می دانشمندان به نجو می و به همینگو نه به کار کنا ن رصد خانهٔ ؟ با کرا ن ، توانست نقش سازنده و مو ثر ی را ایفا بدارد .

درنترین تلسکوپ درنزدیك البروس



ی که تلسکو ب نصب‌گردیده ،سا ما ن آلات مغلقی‌بچشم میخورد .

ب در نزد یك‌البروس
قلهٔ اروپا نصب‌گردیده
ی نصب تلسکو ب قبلا

اتا ق مذکور را تلسکو ب اشغا ل کرده‌است . حا ل میتوا ن‌حد س زدکه تلسکو پ مذکور چقد ربزرگ

ترجمه پیشآهنگ

دریای مسکوبار دیگر احیاشد

در یا یی که از شهر چند ین میلیو ن نفری و دا را ی شبکه صنایع بسیار پیشر فته با شا خه هـا و شعب سود مندی میگذرد ، بیم خشکی آن می رفت . با آنهم مسکو و حوزهٔ آنرا که با سا حه کو چك ٤٧ر٠٠٠ کیلو متر مر بع دا رای ١٤ر٥ میلیو ن نفو س‌است وبامقا یسه به‌سراسر قارهٔ آسترلیا دو میلیو ن نفر بیشتر در آ ن‌سکو ـ نت دا رند در نظر بگیر یم ، طبیعت خو د ش مقدر میسا ز د که در یای مسکوه باید بخشکد . مگر این شا هر گ آبی نا حیهٔ مسکو آنچه را که مسلماً با یستی صورت میگر فت پیروز مندانه رد کرده است . این دریـا ، بنگـاه هـا ی بهم پیو سته صنعتی ، کشتزا رها و زمین ها ی زرا عتی را سیر آب سا خته در عین حا ل آ ب آشا ـ میدنی اها لی آنجا رانیز تهیه میکند .

یکنوع ما هی خا رداری که‌بسیار نا زك و حساس است شکار کنند این ما هی در اثنا ییکه آ ب کثیف می شود ، حسا سیت نشا ن میدهد لذا میتوا ن پیشر فتها ی((تر کیب نا پذ یر)) و محیط صحی، انقلا ب عملـی و فنـی و در یا ی صا ف وپا ك را بهم پیو ست ، و لی اگر کسی چنین شرا یطی رامشا ـ هد ه کند در نظر او ل از اکا لوژی خا لص بسیار بعید به نظر میرسد.

در یا ی مسکو ه ما نند همه در یا ی جها ن قر نها متوا لی مواد فا ضله را با خود برد ه ، ته ماند ه ها ی صنعتی و محلی رااز مجرا ها ی سر کشا د ه به امید اینکه در یا هر چیزی را در خود منحل میکند ، فرو می برد . و لی شهر گسترده می شد ، صنایع آن‌رشد میکرد و دریا به انسا ن پیش از پیش آب صا ف می بخشید ودر عین آنکه جر یا نش روزبروز

دغه موضوع چی د یوه لیکوال رسالت څه شی‌دی په بیلا بیلــو تاریخی پړاونو او مختلفو ټولنو کی دخیړونکو او پوهاند له خوا تربحث لاندی نیول شویده . خود ټولنیــز ژوند داسی یواړخ به‌نه وی پاته چی پر هغه باندی یو ځل نه بلکی څــو ځله خبری او بحثونه نه وی شوی . البته ددی کار یو دلیل به هم په خپله د انسانی ژوند تغییــــر میندو نکی خاصیت وی چی په هره زمانه او وخت کی د خاصو اجتماعی شرایطو په اساس نوی ډول تشریح او څیړ نه ایجابوی .

د ټو لنیز تکا مل په جریان کی‌د انسانی ژوند د نورو اړ خو نو د بدلون سره د یوه لیکوال دلیکنــی موضوع هم تغییر مومی او دنوواو پر مخ تللو شرایطو سره ځان‌عیاروی د مثال په تو گه په یوه فیو ډا لی ټو لنه کی که هنر او ادب ته پام واړوو و به وینو چی د یوی پانگه‌والی ټولنی‌د هنراو ادب سره ښرگند دی په سمه تو گه و تماکی . داجتماعی واقعیتونو او پدیدو په کټه گو نه کی باید لیکوال لاره پیدا کړی . د ټولنی د تکامل‌سره سم وړاندی تگ وکړی او ځان د مترقی او انقلا بی قوتونو په کتار کی ودروی. که‌داسی نه وی نو به دنوموړی افکار او نظرـ یات نه یوازی دپر مختگ څخــه رااگر ځیدلی وی بلکی د ټو لنی او بشر یت په گټه به یی هم نه وی خوړلی .

یو لیکوال د خپل تاریخی رسالت دپیژ ندنی په اساس کولی شی پــه خپلو خلکو کی لور ارزښتونه وکړی. داسی رښتنی بشری ارز ښتونه‌کوم چی ټولنه بډا یوی او دنړی څخه یوه په زړه پوری ځای جوړوی . دشوروی اتحاد نا متو لیکوال ماکسیم گور کی اولو تو لستوی د شوروی کثیرالامله ټولنی په روزولو کی لږ رول نه دی لو بو لی . دوی هغه ملتو نه چــی پیړی پیړی تزاری ا مپراتورانو د خپل حکو مت کو لو د پاره ســـره اساس خپله وظیفه په پوره تو گه سر ته رسو لی شي ، ځکه دی باید دژوند پر بهر نیو خواو باندی سرـ بیره د انسانی ژوند د ننی خواوی‌هم وپیژنی .

دا یو ښر گند حقیقت دی چی نن ورځ بشری ټولنه سو لی ، دموـ کراسی اویوه نیك مرغه‌ژوند ته‌پوره اړتیا لری. دغه کار په خپل وارسره یو ځوان لیکوال دی ته اړبا سی چی لخپله ټولنه پو هه ، تجر به او ار مانو نه یی داسی عیار کړی وی چی ددغه ستری غو ښتنی سره پوره سمون و لری دا ځکه چی بشــری ټولنه د استعمار چیانو او لـــوټ ماروونکو په لمسون د لو مړی او دو همی نړ یوالی جگړی څخه زړه‌ته نه لو یدو نکی تلفات لیدلی دی .

همدا و جه ده چی زمونږ د وخت ټول متر قی او بشر یت پال انسا نان دمځکی پر مخ د ابدی سو لی د ټینگولو سره ژوره مینه لری اودیوی داسی ټولنی د جوړ یدو په هڅه کی دهماغه تعیین شوو پو ...
نه اړوی . د تکا مل‌قوا ...
راز ده کوی چی ټولی ...
حوادث دپر له پسی او ...
کی دی .

نو تر څو چی یوه پیــ ...
او حر کت په حال کی ن ...
شوی د هغی سمه پیژند ...
امکان څخه لیری وی .
چی د خپل‌اسلوب له م ...
کی ښکلا او نیك مر غ ...
حالت د تکا مل د قوانین ...
او استثنی نشو گڼلی .

د ټولنی د یوی زمانـ ...
دبلی زمانی د نیك مرغ ...
لری او ددی سره په اړ ...
لیکوال دنده هم ور سر ...
تغییر مو می .

زمونږ د زمانی ملی او ...
ستو نزی چی له بل ه ...
زیاتی پیچلی دی د یوه ...
پا ملرنه ځانته اړوی .د ...
او پر گنو څخه د یوه ل ...

زمونږ د زمانی لیکوال بی طرفه‌نشی پاتیدای ...

تو پیر لری ځکه چی په فیوډالـــی اقتصادی او اجتماعی نظام کــــی ساینس او تکنا لوژی دو مره وده نه وی کړی د خلکو د اجتماعی شعور سطحه ټیټه وی او د ټولنی‌زیر بنا د کمزور تیا او ورو سته پاته والی له امله دروبنایی فعا لیتو نو ساحه هم محدووده او تاریکه وی مگر له بلی‌خوا بیا په یوه بورژوازی جا معه کی چی په ټو لنیز تکا مل کی نسبتا یــو متر قی او پر مختللی گام بلل کیږی هنر او ادب د شکل له مخی خپله بڼه اړوی ، خو یو کیفی بدلون یی بیا یوازی په سو سیا لیستی ټو لنه کی لیدلی شو هغه ټو لنه چی دزیار ایستو نکو د پرا خو پر گنو له خوا جوړه شویده او د سړی له خوا د جنگو لـــی وه ســـــر ه یو موټی کړل او د هغوی په منځ‌کی یی یو رښتینی وروروولی توب منځ‌ته راوست . داکتو بر د ستر انقلاب لارښوود د شوروی ټولنی په اساسی او بنستیزه تحو لاتو کی ، دپا سنیو لیکوالانو کار ته بشپړه ا همیـــت ور کړی او د ځوان نسل په انقلابی روزنه کی یی د هغوی د ژوری اغیزی څخه یادونه کړیده .

بشر یت او سو لی ته د خدمت کولو دپاره یو لیکوال ته ضروری‌ده چی د ټو لنی د محرکه قوی په هکله دبنیادی پو هی څښتن وی. دنوموړی ټولنی کلتوری او فلسفی عنعنات او دملی تو لیدی قواو دودی سطحه یی پیژندلی وی . ددغو ټکو په برخه‌کی دی چی هلته ورو ولی، برابری او عدالت حکمفر مایی و کړی یو سړی بل ته شرمښی نه وی خلك حکو مت وکړی د خلکو د پاره د ظلم استبداد استثمار او بی عدالتیو کمبله یوځل او د تل له پاره ټو له شی .

ددی له پاره چی د یوه لیکوال اثر دخلکو د ژوند رښتنی هنـــــداره گرځیدلی وی ، نو باید تر ټولومخکی د خپلو خلکو د خو شحا لیـــو او خواشنیو څخه یی ځان پوه کړی وی، ځکه تر څو چی دده په کار کی د انسانی ژوند دغه دوه غوره اړخونه نه وی منعکس کړه شوی د یـــوی واقعی ملگر تیا او ورورولی اوپیوـ ستون له پاره به زیار ایستنه گران حتی نا ممکن کاروی . دلته ده چی ...

داسی معنا لری لکه له ...
چی‌کوم کب(ماهی) وچی ...
شی . یو لیکوال د امپ ...
استعمار او نژاد پالنی ...
آسیا ا فریقا او لاتین ...
لویو وچو کی دآزادی له ...
په د وا مدارو مبارزو ...
نشی پاتیدای . که څه ه ...
زی ټولنی لیکوا لان زی ...
ځوان نسل پا ملرنه ل ...
عمده مو ضوع یعنی بنس ...
ونو څخه واړوی او دیو ...
شخصی او روحی تضاد ...
ور ته انحراف ور کړی ...
له وحشا نه منگلو څخه ...
وزلی او بی ملاتړ و لس ...
یو طبیعی حق‌دی چی ه ...

ی اویو لړ نوری ټولنی
شرایطو کی قرار لری
ی د استعمار ګرو او
ر ځخه د خپلوا کی د
په هاند کی دی .
خوا ځخه عمومی بشری
دسولی ، دمو کرا سی
رغی ټو لنی دجوړیدو
لی ځلی، دوی ســره
د نړ یوال امپریالیزم
ر ضد یی یوه سنګر ته

پیړی لیکوال باید نه
هنـــی ډیوه بلـه کړی،
ری انسان ورو‌زی او د
سیاتو ته پر علمی او ،
باندی وده ور کړی .
ی یوه لیکوال ته په کار
د ګران هیواد افغا ـ
ر په اقتصادی اواجتما ـ
سته پاته هیواډو نوکی
مو لو کی بشپړ وننه
په هیواد کی چی دټولنی
رو زړو نظامو نودظالمانه
س د سواد زده کړی ،
نی بشری حق ځخه بی
سوی دی .
اسی یوه ټولنه کی چی
ی مو جود وی هرو مرو
کومی ،ظالمی او مظلو ـ
د لری . دا یوه منل‌شوی
ی یو لیکوال د خپلـــو
ر او طبقاتی مو ضع‌ګیری
نیر یدای . که ځه هـــم
ر هان زیار باسی دلیکو ـ
دسن ،جنس، نژاد، ملت
په لحاظ سره بیل کړی.
دغه هلی ځلی د خاورو
ی دی . البته دا خبره‌تر
وری د منلو وړ ده چی
پیرونه د یوه لیکوال په
خه نا ځه فر عـی رول
خو اصلی او عمده تضا ـ
تضا دونه تر ټولو لومړی
ګنل کیږی .
نی او اجتماعی مبارزو کی
تل د یوه لیکوال دپاره

و. دده میـړا نـه ، زر ور تـیا،د خاوری د آزادی‌او ولس نه‌پر مختګ سره مینه دده په ټولو اشعارو کی مضمره ده . نو که نو موړی لیکوال په اجتماعی ژوند او مبارزه کی وننه نه وای لرلی اوس به د هغو هیرو شوو شاعرانو او لیکوالو په کتار کی ځای نیو لی وای چی دننني نسل پر ژبه خورا لږ راوړل کیږی .

په داسی یوه نړی کی چی پـر ـ استثمار ګرانو استثمار یدو نکـو باندی‌ـویشله شوی،دوی دلی‌لیکوال وجود لرلی شی یوهغه چی‌د استثمار ګرو امپریالیستانو اونوی استعمارته چو پړو هی او د توپیر غوښتنی‌سره یی لاس یو کړی وی اوبله ډله هغه کسان دی چی دامپریالیزم پر ضد مبارزه کوی . خپله پو هه او توان‌د آزادی نړی والی ، سو لی، دمو ـ کراسی ، تر قی او جهانی نیک‌مرغی دمنځ ته راوستلو او ټینګولو دپاره په کار اچوی . یو مترقی او بشریت پالوونکی لیکوال تل د محکو مو ولسونو د آزادی د لاری د مبارزو سره ملګری اود هغوی سره دوحدت لاس ور کوی او د داسی شرایطود ایجاد ولو په لټه کی وی چی هلته‌د سړی له خوا د سړی استثمار ته‌ځای نه وی او د خپل دغه متر قی ارمان‌د تر سره کو لو د پاره یی دبشریت د ستر معاصرو دښمنانو یعنی د امپر یالیزم نوی استعمار او اپار تاید پر ضد جګړو کی برخه اخیستی وی .

په نننی نړی کی باید د یوه‌لیکوال او از او زړه د جنو بـی افریقـا ، چلی ، په فلسطین او د عر بو په نیول شوو سیمو کی دبی کو ره شوو خلکو د آرمان سره ملګری وی.

باید وویل شی چی نن ورځ دیوه لیکوال مسوو لیت تر بل هرو خت ځخه زیات دی . دی باید خپل ملی ادبیات په داسی ډول په کار واچوی چی د نورو ملتو نو سره د پیوستون او یو والی دنده یی سر ته رسولی وی . شوو نستی تما یلات تیر له‌دی چی پر ګنی ملتونه او ټولنی سره لیری کړی په خپلو کی دی سره وجنګوی د بل کار له اودی ځخه‌نشی وتلی.

دا ډول نظریات چی په‌ور ستنی تحلیل کی د ارتجاع او امپریا لیزم‌پر ګټو باندی را څر خی ، د یوه ملیت سیمی، نژاد او خلکو تفوق او لوړ ـ والی غواړی . هنر او ادب چی د خلکو او ولسونو ګټی‌او ارمانونه ، منعکسوی ، نو په بشری ټولنه کی د یو الی ، پیو ستون او ورو ولی له اصل ځخه نشی تیریدای .

لکه مخکی چی وویل شول دیوه لیکوال پر رسالت باندی د هغه ټولنی تاریخی شرایط غوځ رول لری، خوپه عمو می تو ګه د یوه لیکوال دنده د ژوندانه د ګهوډ یو ځخه دیوه نظم هستول دی .

د ارتجاعی او وخت نه پاتو قوتونو هلی ځلی د ټولنی د تکا مل د عینی قوانینو سره تو پیر لری او داسی معنا ور کوی لکه څوك چی دسیل‌په مخ او بازی کوی . په دی اساس د اساس د ژوندانه په ټولو اقتصادی، کلتوری سیاسی او اجتماعی چارو کی ګهوډی را منځ ته کوی . خو یـوه لیکوال ته په کار ده چی ددغی بی نظمیو له منځ ځخه نظم او تر تیب را وبا سی او خپل فعا لیتو نـو ته دتکامل‌د قوانینو سره سمون‌ورکړی.

نننی لیکوا ل دخپلی پو هـی او تجر بی په اسا س دی نتیجی تـــه رسید لی شی چی په عمو می تو ګه ادبیات او دیوه ځا نګړی لیکوال‌دکار دلو ستو نکو نړی لید تشکیلو ی . نو له دی کبله یو لیکوال په ټولنیزو اړیکو کی بر خی اخیستلو ته اړوزی ځکه دغه ډول اړیکي لو مړی دخلکو په مغزو نو کی دساده هیلو اوآرزو ـ

ورو سته کی تحقق مو می او دپریا ـ لیتوب سر حد ته ځان رسوی . پــه دی ترتیب یولیکوال ته په کارده چی لومړی په خلګو کی پر مختللـــی او متر قی هیلی ولمسوی او په‌وروسته کی دهغو ارما نو نو او آرزو ګانـو دتر لاسه کیدو لاره ور ته په ګوته کړی . خو دلته باید دی پو ښتنـی ته را شو چی تر قی او پر مختګ معناځه؟په‌لنډډول به‌ددی کلمی‌توضیح داسی وی چی تر قی معنا دانسا نانو تر منځ نژدی یوو الی ، ملګر تیا ، زیاته مینه او دوه اړخیزه تفا هـــم او زیاته بشر یت پا لنه پاسنـــی اړ تیا وی که هر ځو مره‌بشپړه‌سی، خو بیا هم په بشری ټولنه کی‌ورته ضرورت لیده شی .

دشوروی اتحاد نا متو لیکـــوال ماکسیم ګور ګی داکتو بر د ستـــر سو سیالیستی انقلاب‌ځخه زیاته‌موده مخکی نظر در لود چی دیو لړ سترو هنری شخصیتو نو ژوند اوکارنامی خپری کړی .

ده عقیده لر له چی ددی کار له پاره باید د نړی د سترو لیکوالانواو پو هانو همکاری جلب کړی . هغه وخت چی ګور ګی له (رومن رولان) ځخه خوا هش وکړ چی ځوانانو ته‌د بتهوون بیو ګرا فی ولیکی هغه ته‌یی په خطاب کی داسی ولیکله :(زموږ هدف دادی چی په ځوانانو کی عشق او پر ژوند باندی باور تلقین کړو موږ غواړو خلکوته قهرمانی وروزو باید انسان و پو هیږی چی دی د نړی پیدا کوونکی او باداردی . د مځکی پر مخ د ټولو نا خوالیـــو مسوو لیت د ده پر غاړه دی ، د هغو



صحنه یی از ملاقات استا لین،روز ولت وچر چل در کـــنفرانس تهران.

متر جم : امین حکیم

ترجمه از مجله سپو تنیك

تهران ۴۳

همه روزه را دیو ها، تلویزیون هاو ستون های اخبار از انفجار بم در روم و پاریس روی استیشن‌های ریل و دو کانها و کشتار انسان‌های بی گناه حکا یت می کند . در خط هوایی «گین پاینینیت» پیلوت طیاره یی توسط اشخاص تروریست مجبور به تغیر خط السیر می‌گردد . این زخم قرن بیست (یعنی جنگ دوم جهانی) بیك زخمی خطر ناك تبدیل شده است . مشکل تـــرو ریسم هتلری روز به روز عمیق شده می رود . در عقب مسا یل اختطـــاف طیاره ، کشتار ، انفجار بم‌و ظلم‌و ستم یك پرو گرام سیا سی نهفته

فلم به وقایع تاریخی اشاره می کند بدین مفهوم که در ۱۹۴۳ استا لین روز ولت و چرچل در تهران باهم ملاقات نمودند . معلو م می شد که دقیقا در کنفرانس تهران پو لیس مخفی هیتلر یك سو قصد را درمورد این سه رهبر انجام دهند بر طبق دسیسه هیتلری مسیر جنگ جها نی دوم با یست بر گردانده میشد. ولی کو شش آنها به نتیجه یی نمی‌رسد ودا ستان فلم مر بوط به چگونگی‌این موضوع می باشد .

تقریبا چهل سال بعد وقایع‌تهران هنوز هم در جهان سر مایه داری نمودار است ، و وقایع فلم ...

به تلاش تهران‌رابه دستر س دیگران قرار بدهد .که در آن بخشی اسناد مخفی سرو یس استخبا رات هیتلر مو جود است . واین مو ضوع بـــه صورت گسترده در مطبو عات نشر می‌شود ،و بنام لیلام اسناد تهران یاد می گردد .

«دیروز کی می خواست که فیر نماید »؟ و «امروزکی فیر می نماید؟» وحال کی بواسطه آزادو اذیتی کــه مانند کشتار ترور و بلاخره از بین بردن علایم و نشا نه های مستنداز او سر زده در هرا س به سر می برد ؟ برای در یافت جواب این‌سوال تما شا چی به عقب برده می شودو تمام فلم در دو بعد دیروز و امروز به پیش می رود . این دو زمان‌یکی پی دیگر اصل و واقعیت فلم «امور تهران» را می سازد ، که کرکتر های عمده و مو ضوع سیاسی آن نشان دادن تروریسم هیتلری و تاثیرات وخیم آن در حیات امروزی جهـــان بوده و مفکوره قرا بت آنرا بافاشیزم نشان میدهد . دسیسه هیتلـــری «تهران ۴۳» .البته بذات خود تمام جوانب را در بر می گیرد وبدیـــن منظور باید که به شروع فیلم بر گردیم . در یك کنفرانس مطبو عاتی در پاریس ژور نا لیست ها می خوا- ستند بدانند که مشتری سری اسناد مربوط کی است ؟ بلاخره معلوم می شود که در سا لون نما یشگا هـــی پیدا ست و روی یك چو کی نشسته وبا دستمال گردن چهره خود را پیچا نیده است . تا از نگاه کمره مخفی بماند او شکیل عبوس را بخود گرفته و یکی از اشتراك کننده گان نما یشگاه را در مقا بل خود حایل قرار داده است ، ولی نامـــبرده در سال ۱۹۴۳ به قتل رسید. «امور- تهران»ولی چرا او بعد از ین قـــدر سالها خاموشی تصمیم گرفت‌که‌این سر را افشا نماید . و روشن بسازد که چرابه او فیر شده و ازکنج‌آن سا لون فورا خود را در عقب یـــك نفر پنهان نموده و از آنجا فیر کرد ودفعتا ناپدید شد . صحنه بعدی‌فلم

جاده های نیویارك در ...
مسکو با چارراهی های ...
وجاده های باریك تهران ...
با طیاره یی که در آن ر...
تروریست ها ربوده می ...
های که‌درپاریس ۱۹۴۳ ...
ها اشغال شده ذهن بینن...
معطوف می سازد . این ...
گردان فلم را وا دار م...
حقا یق را روشن منعک...
هنر پیشه ها را متقا ع...
هنر خود بیننده را به ...
موضوع نزدیك سازند ...
عمده را در ین فلم هنر ...
المانی (سینمای غرب) ...
که در کرکتر لیگا رین ...
رادر فلم بخود اختصا ص...
در اول فکر می شود ک...
سوژه تهران ۴۳ غیر مع...
چیزی دیگر نخوا هد بو...
ریچارد قا تل و آدم کش...
در جه بلندی را جا یز ...
در وا قعیت امر فضا ی...
استبداد تهدید که سرا...
احتوا می کند محیط را ...
داده که آدمی فکر می ن...
سیاه زند گی اوست . ...
قانون جنگل که در ف...
شود انسان را از خوا...
جهان درك و واقعیت غ...
تجاوزات انسان را بالا ...
جهان کنو نی بایك و...
نشان داده و سنگدلی ...
می‌سازد .

آلن دوالن ممثل مشه...
که اکثرا در فلم های غ...
می گردد و رول غیر مش...
یعنی «فوخ» را درین ...
نماید ، واکثرا در سرا...
تحسین و تمجید بینند...
گیرد ، زیرا نه تنها ...
اصلیش صمیمیت و علا...
داده بلکه با مردم خارج ...
رویه منا سب را پیش ...
در یك صحنه درا ما ...
میدان هوایی «اسپکتر...

رد دارای سوا نـــح
امروز ریچارد یـــك
نه می باشد که از
خارج شده و خود ش
ود را بواسطه د خول
ران امضاء نموده است
یك‌موجود مخو فی‌است
ن رفتن ریچاردو شمول
دیگر است ، و خودش
آلود می خوا هد تـــا
پس بحا لت اصلی خود
شغل جنا یت پیشگـــی
سر گیرد ، و در زیر
لت پو شیده عمل‌نماید
شورنر این چهره مرموز
بو تاز گر ایفای وظیفه
«ترویج »با آنها یيـــکه
ستند او را بخود ملحق
ت می نما ید ، زیرا با
وا ست اسرار تهران را
. این اشخاص شا مل
مکش بودند که‌اسپکتر-
و له از پا در آورده‌بودند
ان اشخاص‌وجود داشتند
کانگستر های مشهور به
رفتند آنها مسلح بـــا
فعتا در میدان هوایی‌پیدا
جمله ایشان دختری نیز
ازدحام نیو یارك لیگار
به قتل نموده بود و باو
ه امکان دارد در هر لحظه
ری کشته شود . و لـــی
ز بعد از چند ثانیه ازبین
ق قد بلند آند ختر که‌در
واقع پاریس این وا قعه‌را
لحظه بعد به فکر آن‌شد
اش را که چیز های‌زیادی
رار بدهد . دختری که با
متنوع و دارای عقایـــد
مه جا ظا هر می شد .
یست تذکر بدهیم که دو
این نما یشگاه نا تا لیا و
نسو که کر کتر هـــای
ی نمودند ، زیرا تصورات
رانسوی (ماریا) ومردهو-
ام اندری(که بطورتصادفی
در تهران در سال ۱۹۳٤

همه کشتار و وقایع نا هنجار ایـــن دوکس چانس خو شبختی خود را از دست میدهند، در حا لیکه این هردو همدیگر را دوست می داشتند وعشق ایشان واقعی می نمود ، وبنا بودتا در زند گی ایشان روشنا یی وزیبایی بیابد و لی این نما یش معنوی شان

درین شهر نا میمو ن بنا بودی می گراید . زیرا این شهر (نیو یارك) بمانند ذخیره پاروت ایست که در هر نقطه از کوچه های باریك و پـر پیچ‌آن انسان مورد هدف کارد قرار می گیرد ، خفه سا خته می شود ویا هدف مرمی قرار می گیرد. اینهاهمه حوادث روز مره را در آنجا می‌سازند اشتیاق عشق و صفا برای سا لهای زیادی در قلب اندری وماری با قی

می ماند و بعداز گذشت دهها سال اتفاقا به صورت دلچسپی در دوران پیری شان تازه می شود . درین‌فلم شرارت ، ستمگری و ترور با زندگی تنا قضات نیرو مند ی می سازند. که‌درآن شور نرو ریچاردکه هیتلر-یست و تروریست‌های مخو فی‌بودند به‌سختی می میرند ، اما دوستی و

خاطرات خوب انسا نی صفات فنـــا ناپذیری که جاو یدا نگی آنها در وجود ناتا لیا دختر ماریا کـــه وی امروز در سینما های فرانسه و در بخش های تغزلی فلم بـــه نظـــر‌ی خورد نهفته گردیده است و در زمینه فلم های مستند که آشوب ها،تراژ-یدی هاو طغیان های عصرمارا نشان می‌دهد نیز حصه می گیرند.



صحنه‌یی جالب ازین‌فلم«تهران – ٤٣»



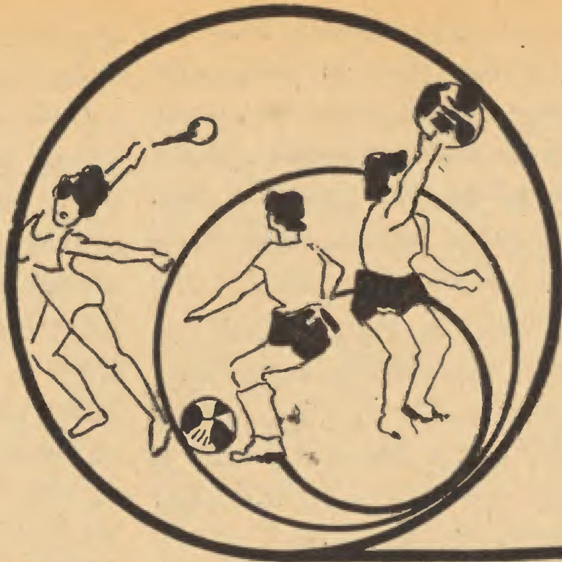
۱۵ مخ پاتی

زمونږ دزمانی...،

ژوندانه ستو نزه د غومره پر لـــه پیچلې دی لیکوالان باید د اولنو دا خبره هیره نه کړی چی (قلم له توری نه پیاوړی دی !) ددی خبری معناداده چی لیکوال باید خپل قلم‌د جوړوونکو او نیکو ار مانونو ته ور خرمه کړی که داسی نه وی نو ښایی چی د نو موړی قلم په یوه تخریبی توره سره او ښتی وی . په بل عبارت لیکوال باید د سپیڅلتوب چلند په مخکی نیو لی وی او زمونږ دزمانی د ناوړتیا څخه پرده پور ته کـــړی . نو موړی باید د بشپړی میرانی او زړورتیا ښتنن وی څو په هر ډول شرایطو کی یی خپله دنده په ربښتنی تو گه سر ته رسولی وی .

پوهی او تجر بی ثابته کړیده چی (خلك د تاریخ جوړوونکی دی!) خلك هغوی چی دمادی نعمتونو تولیدونکی دی نه یوازی د ټو لنی په مـــادی جوړ ښت کی قاطع برخه لری بلکی‌د ټولنی غونډ معنوی ارز ښتو نه هم دوی منځ ته راوړی . ځکه فر هنك او کلتور لکه بورژوازی پو هان چی عقیده لری د خلکو په ذهنونو ادرا-کاتو او احسا سو نو پوری اړه نه لری او د ټو لنی مادی شرایطو او ټو لنیزو اړیکو سره نه شلیدو نکی ارتباط لری چی البته دغه موضوع دیر پراخه او زمونږ د نن ورځی پـه بحث کی نشی ځایدای. تر کومـ ځایه چی دغه مو ضوع زمونږ دبحث سره اړه پیدا کـوی هغـه دا ده چـــی یـو لیکـو نـکی یـو ا ز ی هغه وخت خپل تاریخی رسالت سرته رسولی شی چی د خپلو خلکو اوهغو ربښتنی ستو نزو په هکله لیکنـ کړی وی .

افغانی ټو لنه چی اوس د یوه تاریخی او انقلابی پړاو ته داخلـ شویده، ځوانو مبارزو لیکوالانو ته بل هر وخت څخه زیاته اړ تیا لری خلکو او زیار ایستو نکو پر گنو ټولنیز او سیاسی شعور او چتول (چی ډیرو ختونه دا کار داجتماعـ



سپورت

از منابع خارجی

ترجمه : رسول . یوسفزی

اناتولی کارپوف قهرمان جهانی شطرنج که اخیراً بدریافت مدال لنین نایل گردید



انا تومی کار پوف قهر مان جهانی شطر نج .

انا تولی کارپوف شطرنج باز مشهور اتحاد شوروی که از سال ۱۹۷۵ باینطرف در مقام قهرمانی شطرنج جهانی قرار دارد ، اخیرا بدریافت بزر گترین مدال در کشورش یعنی مدال لنین نایل گردید و باینو سیله افتخار تازه یی بر افتخار ات گذشته او افزوده شده. این مدال که بنابر سهم خلاق اودر انکشاف بازی شطرنج و همچنان در بدل انجام فعالیت های سازنده اجتماعی باو اعطاء گردیده ، در واقع قدردانی از هنرو استعداد پر نبوغ اوست که او رادرین ورزش ممتاز گردانیده است.

* * *

کارپوف میگوید : من اصلا یك ریاضی‌دان‌استم و سطرنج بیش‌ازهر چیز دیگر بریاضی نزدیکتر است .

* * *

اتحادیه جهانی ژور نالیستان تاکنون شش‌جایزه به کار پوف داده است

* * *

کارپوف در طفولیت دریافته بود که کارمهمترین عنصر در زندگی فرد وجامعه میباشد.

کـــارپوف در جمـع مسابقات شطـرنـــج از خود شکیبایی و نیرو مندی قابل ملاحظه نشان داده پیوسته حرکت او بدون هیچگونه توقف ، تاخیر ، عقب نشین و یا تردید در مورد پیروزی ، پیش است و پیروزی از آن اوست .

from the book THE AESTHETICS OF CHESS



این خانم در المپیا د
درپهلوی کارپوف مدا له
رابرای تیم شطر نج باز
خود کما یی کرد .

شد . کار پوف درسال ۱۹۷۵
قهرمانی شطرنج جهانی نایل ش
های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۱ از لقب خ
چلنج دهند گان موفقانه دفاع ک
ماکس ایوی‌رئیس‌فیدراسیون
درسال ۱۹۷٤ در ضیا فتیکه با
ترتیب‌شده بود گفت (اودر ۲۰
هنگامیکه پنجاهمین سالگرد تولد
را جشن میگرفت ، با ملاحظه ا
در آن وقت نمی دانست که س
روز تولد او شطرنج باز نابغه
وجود خواهد گذاشت . او گ
تاریخ شطرنج دو نفر توانستند

سپاسکی سطرنج باز ورزیده
ه ورزیده کارپوف که‌سپاسکی
ه بود رسما در سال ۱۹۷۵
طرنج جهانی اعلام شد.
ین تصور خویشرا در مورد
اصل کرد که چهار سال
ه اکثرا بعد از ختم کارسب
بر میگشت باخود تنی چند
ی‌انجام بازی شطرنج میاورد.
رف‌بعدترمطالب بیشتر درمورد
و تحت تربیه سمسون فورمن
هور و یك مربی ورزیده که
اتولی را بسوی قهرمانی‌بدون
لغزش باز کرد . قرارگرفت.
ن جایزه اش رادر شطرنج‌از
سپون شطرنج بازان جوان
او درین تورنمنت جوانترین
رکت کنند ه از لحاظ سن و
یکه تنظیم کنندگان تورنمنت
ی را بر چوکی کارپوف ویك
ر زیر پای او گذاشته بودند
زرگ‌خویش درمسابقه مشاهده
سائل ها کار پوف‌گر چه یك
ت و مساعی خود را به‌شطرنج
لهذا ، این چندان وقتی‌نبود.
در زمینه مطالعات او در مکتب
که او با افتخار و نمره اعلی
ال رسانید .

ر اولین سال شمول در پوهنتون
راز پوهنځی ریاضیات بـــه
اد تبدیل کرد . او می‌گوید این
ر بود انجام دهد . کارپوف‌خود
ی می‌گوید:(من از لحاظ ساختمان
ضی دان استم وشطرنج محتملا
ی دیگر بریاضی نزدیکتر است.)
ان در بازی :
هوری است که هر کس میتواند
رزید در رشته‌بخصوص خود شود
ه حیات اوبقدرکافی طولانی باشد.

درمورد کارپوف مصداق پیـدا
او درظرف چهار سال بدریافت
زرگ درشطرنج نایل آمد. ذهـن
از یك تورنمنت تاتورنمنت دیگر
ل ملاحظه یافت . کارپوف درین

قوایش در سطرنج رقیب رادر حالت تدافعی قرار میدهد .

یکی از استادان ورزیده در مورد گفته است (من این نکته را درنمی یابم ، همه‌مایك بازی قدم بقدم را انجام میدهیم ولی فقط کارپوف است‌که بازی‌رابطور کل تنظیم وپیش میبرد پلانها یش همه تطبیق می شود .

درین شکی نیست که کار پوف یك حسن غیر معمولی هوشیارانه‌در مورد دنیامیك‌شطرنج دارد. گرچه ممکن است مواضع دانه های او که قادر بایجاد فشار اعظمی در چوکات یك ستراتیژی درست بردانه‌های‌رقیب است واضح نباشد خیلی مشکل است که علیه آن قیـام

باشد خیلی مشکل است که علیه آن قیام

کرد وکدام کاری رادر مورد از پیش برد . معهذاهنگامیکه‌ستراتیژی اودرزمینه واضح باشد هیچکس نمیتواند بیا موزد که اینگونه مانند کارپوف بازی کند . انسان باید برای این‌کار با همچو قابلیتی بدنیا آید .

هرگاه ما سایکولوژی‌کارپوف را در مسابقه شطرنج مشاهده کنیم درخواهیم یافت که او چگونه بعداز انجام یك حرکت آهسته از میزبرمی خیزد وشروع بقدم زدن آرام می کند وباز چگونه با اطمینان واعتماد کامل مسابقه راباز سر می‌گیرد .

برای کارپوف‌شطرنج بحیث‌یك‌هنر ،ساینس وورزش تلقی میشود . او می‌گوید که شطرنج برای او بیش از همه چیز یك ورزش‌است که پیروزی نهایی در قبال دارد . کور چونی استاد بزرگ شطرنج که در مسابقه شطرنج ۱۹۷۳ در لنینگراد در برابر کارپوف مغلوب شد . در مورد قهرمان آن وقت شطرنج یعنی بابی فشیر و کارپوف چنین گفت . من‌عقیده دارم نسلی‌که به بابی فشیرباخته پیش ازاین قادر نخواهد بود که طور موفقیت آمیز باوا مصاف دهد، ولی نسل جوان میتواند بایـــن کار دست بزند . اوسوال کرد آیا کارپوف قادر خواهد بود که این کار را انجام دهـــد وباخیر؟ ولی‌چندتورنمنت‌که‌درآن‌کارپوف‌شرکت داشت نشـا ن داد کـــه او در هیـــچ طـــر یـــق ا ز با بی فیشـــر کمتـــــر نیست . بعد از آنکه کارپوف بحیث قهرمان شطرنج جهانی اعلام شد گفت آماده و مایل است تا با بابی فیشر مسابقه کند نه بخاطر اینکه باینوسیله او میخواهد داده شدن لقب قهرمانی شطرنج بوی را بجا و عادلانه نشا ن دهد بلکه بخاطر اینکه عملا نشان دهد که او مبارز واقعی شطرنج ویکه تاز میدان است .

بنابر همین ملحوظ بود که کارپوف قادرشد از لقب قهرمانی خود دریك مسابقه نمایشی در پگالو در ۱۹۷۸ که ۹۳ روز را در برگرفت و طولانی ترین مسابقه تاریخ شطرنج بود دفاع کند .

کار پوف طی هشت سال اخیر شش جایزه را از اتحاد یه جهانی ژورنالیستان حاصل **کرده است .**

ف سراج استادورزش وحکم بین‌المللی

ورزش وسعادت جامعه

سعادت و خوشبختی در صحت است نه به احرازجاه وجلال و پیدا نمودن حشم و خدام وپول وافی . اگر سرمایه دار بزرگی باشید یازمین‌دارنامی وصاحب اسهام بانك ها و غیره درهرصورت سالم‌نبودن‌وجودونداشتن‌صحت همه آن به درد تان نمی خورد ویگانه آرزو پیـــدا نمودن صحت باورزش است وامروز در دنیای متمدن ورزش را ازاولین ضرریات‌دوره جوانی وزندگی محسوب نموده اند فعالیت گو ناگون اعضای بدن بدون از راه ورزش ناممکن است به عقیده بساکوتاه نظران نباید ورزش د ا مخصوص دوره جوانی دانست غـافـل نباشید چنانکه جوانی انسان وابسته به دوره کـودکی است دوره کهولت و پیری مربوط به فعالیت

که در تو سعه ورزش پیدا می شو د علمای تربیه بدنی امروز سیر ترقی و تکا مل‌هرملت را در ورزش آن میدانند زیرا امر حیـــا تی برای‌پیشرفت جا معه و پیدانمودن حس‌وحدت وهمکاری تامین صحت و سلامت افراد که‌جامعه مرکب از آنهاست مربوط به سیستم و ورزش در افراد آنست .

و لنگتن معروف فاتح میدان تاریخی واترلو میگوید (ماقتح خودرا مدیون ز مین هـــای سپورت مملکت خود میدانیم) ورزش ا فراد جامعه را از تحریکات عصبی از عوا ر ضات روحی از ناراحتی های‌قلبی‌وبساامراض‌برکنار میدارد مرتب بودن دستگاه بدن در پر تـو ورزش بوجود می آید پس هر کس‌خواه‌جوان

سپورتی میانه سالان بین سنین سی وپنج تا
جهل وپنج طرز ورزش دیگر و سالخوردگان
از جهل وپنج به بالانوع دیگری از ور ز ش
میداشته باشند تعمیم ورزش در مملکت از
وظائف او لین همه افراد کشور خاصتا آن
موسساتی است که در موقع تقسیم مفـاد
خواهی نخواهی برای تا مین صحت کار گران
مبالغی در راه ورزش صرف نمایند امروزدر
دنیا مصارف هنگفتی که در راه سپورت‌صرف
میشود هشتاد وپنج تا نود فیصد آن از طرف
موسسات دو لتی و ملی و غیره می باشد

مثلا در اتحاد جما هیرشوروی عـــمو م
مـــوسسات کلخــــوزی یك فیصدی‌معین
از واردات خودرا مجبور اند در راه سپـور
مصرف نمایند چنانچه در سا ختمان‌ستدیو
ها و میدان های سپورت یکی از جمهوری
های اتحاد شوروی هجده ملیون روبل‌بمصر
رسیده است بالاخره و رزش است که دری
مملکت مدافعین ملی آ نرا تقویه نموده و د
مهم و باورزش سپورت در عالم عسکری
به همگان معلوم بوده و از قدیم تاحالاهم

سیا ست تبعیض نژاد ی ازمدت ها به اینسو بحیث جرم علیه بشریت تقبیح گردیده است . تعقیب چنین سیا ستی خشم و رنج همه نیرو های متر قی و دمو کراتیك را بر- انگیخته است . تبعیض نژادی بـه شکل خشن و شدید آن تخلـــف صریح از حقوق بشری ملیون هـا افریقا یی و کاملا بی اعتنا یی بـه اساسات ملل متحد و اعلامیه جها نی حقوق بشر می باشد .

فدرا سیون دموکراتیك بین المللی زنان در روز های نخست تا سیس خود جدا تعهد نمود تا علیه فا شیزم وهمه اشکال تبعیض نژادی مبارزه کند. فدرا سیون پیو سته کمك های مادی و معنوی خود را به مـــــردم افریقای جنو بی مخصو صا زنان و اطفال که قهر ما نانه علیه اپار تاید می رزمندو برای استقلال ملی وآزادی تلاش دارند، توسعه داده است.

فزیکی افریقا یی ها ست . رژیـــم تبعیضی هر روز صد ها زن وطفل وطنپر ست را در معرض شکنجه و رنج غیر قابل باور قرار میدهد.

فدرا سیون دموکراتیك بین المللی زنان و ساز مانهای ملی آن از همه اقدامات ملل متحد علیه رژیم تبعیض طلب فا شیست حما یت می کند. ملل متحد در سال ۱۹٦٦ بیست ویکم مارچ را بحیث روز بین المللـــــی مبارزه برای تحدید تبعیض نژادی اعلام کرد. از آن تاریخ تا کنـــون زنان در کنار همه بشریت متر قی هر سال این روز همبستگی رابـــا کسا نیکه علیه تبعیض و اپارتایـــد مبارزه می نما یند تجلیل می کنند. بعدا ملل متحد در عین سال پروگرام دهه اقدام علیه تبعیض نژادی و در چوکات آن سال بین المللی مبارزه علیه تبعیض نژادی را اعلام کرد.

تبعیضی به اشغال غیر قا نو نـــی نامیبیا ادامه داده و حق خودارادیت دو لت های همسا یه را تهدید می کند. او ضاع افریقا ی جنوبی علی- الرغم مقا و مت رو به تزاید افریقایی هایی که برای احقاق حقوق شـا ن مبارزه می نمایند روز تا روز وخیم تر گردیده میرود . رژیم پریتوریا از انجام هیچگو نه ظلمی خود داری نمی کند. حمله بر اعتصاب کنندگان مسا لمت آمیز ، بیر حمی ، توقیف وزندانی سا ختن هزاران مرد، زن و طفل بدون محا کمه و قضاوت از جمله وقایع روزانه در افریقای جنوبی است . اما با وجود اینهمه اختناق امواج آزادی خوا هی در حال طغیان است .

یگا نه علت با قیماندن رژیـــم تبعیض طلب افریقای جنوبی بـــر اریکه قدرت حما یت یکعده کشور های غربی و از همه اولتر ایالات

از مجله ومن

ترجمه : زکیه

تشدید مبارزه آزادیخواهی در افریقای جنوبی

رنجی را که چار بر پنج حصه نفوس افریقای جنوبی و آنها ییکه در نا میبیا متحمل می شوند قابل تعریف نیست. تبعیض نژادی اکثریت مردم رابه بدبختی، گرسنگی، امراض وزندگی بدون حقوق محکوم سا خته است . اجرت کار گران افریقا یی صرف به اندازه برخ کو چکی از اجرت کار گران سفید پو ست می باشد که حتی تکا فوی مصا رف ضروری شانرا کرده نمی تواند .

بیکاری در حال تزاید است .

در نیمه اول این دهه فدرا سیون بین المللی دمو کراتیك زنان دوهیات زنان را به افریقای جنوبی اعزام نمود. حقا یق و مدارکی که هیاتهای اعزا می بد ست آوردند اسا س راپوری را تشکیل میدهد که بـه کمسیون حقوق بشر ملل متحد ارائه گردید . فدرا سیون بین المللـــی دمو کراتیك زنان همچنان اتها می رابرای تخطی از حقوق بشر بـــه کنفرانس جهانی علیه تبعیض نژادی که به ابتکار ملل متحد در آگست ۱۹۷۷ در لاگوس دایر گردیده بود

متحده امریکا می باشد . شعبات شرکت های بزرگ بین المللـــی ، هفتصد شرکت بر تا نوی ، پنجصد شرکت ایالات متحده و چار صدو پنجاه شرکت جمهور یت اتحاد ی آلمان در افریقا ی جنو بی متمرکز گردیده اند . آنهارا مفاد سر شاری که از استثمار بیر حما نه کار گران واز جمله صد ها هزار زن و طفل بدست می آید ، مجذوب سا ختـــه است .

شرکت های چند ین ملیتی درتهیه

اسلحه است . افریقای
و سا یل ضروری را ب
سلاح ذروی در یافت ن
خود حقیقت خطر ناك
صلح جهان می باشد .

در ماه می ۱۹۸۱ ایا
ومتحدین غربی آن یکب
تقا ضا ی شورا ی امنی
رابرای تعزیرات علیه افر
ویتو نمودند . پیشنهاد
کشور های افر یقایی ب
نیرو ی های متر قی ا
انها به تجرید کامل
طلب معتقد هستند و
یگا نه را هی میدانند ک
رامجبور به قبو لی فیص
متحد در مورد اعطای ا
سر زمین اشغال شده
انداختن انتخابات آزاد
جنوبی می ساوزد . قدر
علاوه برآن مقا طعه فرو
نیز بــــــــــه
جنوبی رد می کنند. در
های عضو سازمان اتحا
کشور های سوسیا لس
های غیر منسلك و هم
پیشرو فیصله شانرا مب
حمایه از مبارزه قا نو نی
مردم نامیبیا در تحت ره
مردم افریقای غربی یگا
قانونی مردم نامیبیا مجد
کنند.

در کنفرانس اپریل
سران شش کشور موس
مقدم افریقای جنو بی
خواسته ایالات متحده ر
تقویه روابط شان با ر
در حالیکه عساکر افریق
مکررا بر انگولا و مو
می کرد و فیصله های مل
مورد آزادی نامیبیا نا دی
شت ، رد نمودند .

زنان متر قی که در ص
فدرا سیون دمو کراتیك
زنان قرار دارد جدا مخ

را به میان آورده
افریقای جنو بـــی
سر نو شت خـــود
مبارزه، عادلا نه مردم
ادی ، تاج موفقیت را
کنون زمبا بوی ایـن
ول نموده است همراه
. این امید واری در
ل ۱۹۷۸ منعقده لواندا
یافت . کـــنفرانس
سازمان زنان افریقایی
انگولا دایر گردیده
تدویر کنفرانس، تقویه
، زنان و مـــر دم
، زمبابوی و نامیبیا
ا برای آزاد ی ملی و
ملی ، دمو کراسی
تر قی و صلح آمیز در

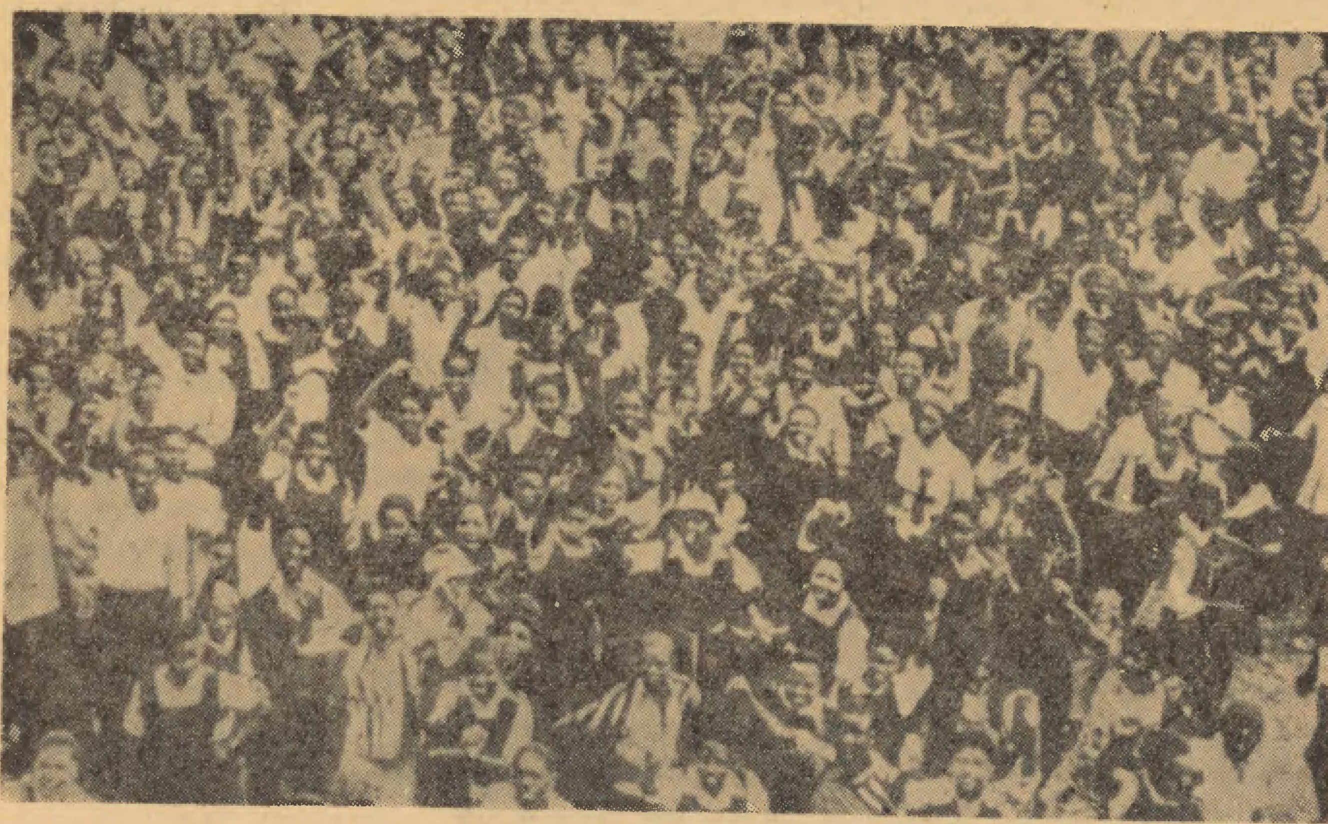
تا سر جهان تساند را
فال افریقا ی جنو بی
ده اند . فدرا سیون
بین المللی زنان بـــا
ک ملل متحد به فعالیت
دفاع از حقوق زنان و
ی جنو بی و نامیبیا
رژیم فا شیست را که
خیا نت آمیز سعی دارد
با ریفورم های نام نهاد
مراه سازد افشا مـــی

اپریل ۱۹۸۱ بـــرای
ضی که همراه با اعمال
نه و کشتار بود، حزبی
رسانید که با نی دکتورین
ی بود. در جریان آمادگی
ها نی ملل متحد برای
کو پنها گن سمینـــار
یض نژادی» مشترکا از
تحد و فد را سیـــون
بین المللـــی زنان در
ر گردید. اسناد نها یی
اسا س کنفرانس جهانی
در باره مسا له «تاثیرات
ی روی وضع زنا ن در

جهانی را تشکیل بدهد .

در کنفرانس جها نی که وضـــع زنان و اطفال در تحت شرایـــط تبعیض نژادی جای خاصی را احراز نموده بود به نما ینده گی از نظریات عامه جهان گفته شد، رژیم هـــای تبعیضی یگا نه علت دو چند ساختن تبعیض به مقا بل زنان در زمینـــه جنس و نژاد می باشد . تبعیضـــی نژادی صدمات شدیدی را به زنان و اطفال شان که در بدبختی ، بیسوادی بیکاری و فقدان کمک‌های طبی حیات به سر می برند، می رساند .

کنفرانس جها نی ملل متحد یکبار دیگر همه ژیم های تبعیض طلب و



مخالفت مردم با رژیم تبعیض‌طلب افر یقای جنوبی درسویتو

کشور های که با چنین رژیم ها در سا حات اقتصادی، نظا می و اسلحه ذروی همکاری می‌نما یند تقبیح نموده واز تمام کشور ها ی که تاکنون با رژیم های تبعیضی همکاری ننموده اند تقاضا دارد تا فورا کنوا نسیون ... همه اشکال تبعیض نژادی را

موانعی که قدرت های مرتجع وامپر- یالیستی در سر راه شان قرار داده فعالیت دارند . مبارزه علیه تبعیض نژادی و کمک برای زنان و اطفال در جنوب افریقا یکبار دیگر تو جه زیاد رادر کا نگره بین المللی زنان منعقده پراك به خود معطوف کرد. کانگره مذکور در اکتوبر ۱۹۸۱ از طرف فدرا سیون دمو کراتیك بین المللی زنان دایر گردیده بود .

فدرا سیون دموکراتیك بین المللی زنان وسازمانهای ملی مربوط به آن همراه با همه نیرو های متر قی برای خاتمه بخشیدن به زند گی مصیبت بار زنان و اطفال افریقا ی جنو بی از انجام هیچگو نه مسا عی خود داری نخواهد کرد. اندر یو نتیلی یك پسر چارده سا له افریقا یی در سی و هفتمین جلسه کمیسون حقوق بشر ملل متحد منعقده دارالسلام در اگست ۱۹۸۰ گفت :

شوی... مرا در اتاق کو چکی کـــه هفتاد طفل دیگر نیز موجود بـــود زندانی سا ختند . کو چکترین این اطفال بیشتر از هفت سال نداشتند اکثر یت آنها نسبت ندا شتن مادر وخوابیدن در جاده ها زندا نی شده بودند . مرا بامیله های آهنی در زندان می زدند . تعداد زیاد اطفال زندانی به چیچك مبتلا گردیـــده بودند .»

وقتی از اندریو سوال گردید که معنی اپار تاید را میداند و یا نه در جواب گفت : «همه اطفال افریقایـــی میدانند که اپار تاید چیست ، مشقت وبی عا طفگی ». اما اندریو اعتقاد راسخ دارد که روزی همه این مظالم پایان خواهد یا فت و کشورش آزاد خواهد شد. این پسر دلاور، پسری

مبارزهٔ زنان در کشورهای روبه‌انکشاف

در و ضع کنونی پروسهٔ انقلابی در کشور های به اصطلاح جهان سوم رشد و دا منه بی سابقه‌ای یافته است ویکی از مشخصات عمدهٔ آنرا پیوستن وسیع‌نیرو های تازه‌ای از مبارزان راه ترقی اجتماعی ، د موکراسی و استقلال ملی این کشور ها تشکیل میدهد .

ما در لحظات کنونی شاهد متنوع ترین شعار های زنان در « جهان سوم » هستیم. جهانی که مناسبات گوناگون اقتصادی وتولیدی پهلوی هم قراز گرفته جهانی که استعمار و امپریالیسم در طی تسلط طولانی خو یش چهره اصلی آنرا بکلی دگر گون نموده د ر حیات سیاسی ـ ا قتصادی واجتماعی آ ن منجمله در حیات زنان اثرات شوم از خود به جا گذاشته است . بخاطر همین بقا یای وحشت ناك استعمار است که ز نان دراغلب کشورهای آسیائی ـ افریقائی وامریکای لاتین به دشواریهای بزرگی رو به رو اند که این دشواریها نتیجه مستقیم تسلط طولا نی استعمار ، امپریالیسم و میراث شوم آ ن موجودیت و بقای مناسبات کهنه و نظام‌های فرتوت اقتصادی واجتماعی است . باتاسف باید اضافه نمود که جنایات استعمار گران وامپریالیستها به همدستی مر تجعین داخلی در زندگی آسیائی‌ها ، افریقائی ها مردمان امریکای لاتین بخصوص در تر کیب اجتماعی جا معه اثرات بسیار ناگوار داشته ا ست . استعمار گران ز نان را به حیث یك و سیله بهری کشی در دست جنس با اصطلاح قویتر مرد قرار داده و در برخی دیگر از این‌کشور ها زنان و مردان را به بر دگان سفید ـ پوستان مبدل نموده اند .

زنان در این جوامع به پرابلم های جدید وناشناخته بر علاوه پرابلم های که ز نان در جهان سرمایه داری از آن ر نج می برند مواجه اند . اکثریت عظیم نیروی کار زنان بیش از نود فیصد آن هنوز در کشاورزی متمرکز است . وقتی در افریقا گفته میشود

پس از آن که این کشور ها به استقلال‌نایل آمدند تاکنون و جود داشته است . چون مردان در جستجوی کار ویاکسب دانش پیوسته در حرکت بسوی شهر ها اند وکار در شهر ها و معادن آ نان را از کانون خانوادگی شان می دزدد .

زنانی که بیش از همه از دوری شوهران شان صدمه می بینند خواهران روستائی افریقائی ما هستند که شو هران شان سال‌ـ هاست آ نان را ترك گفته اند و درجستجوی کار به شهر ها رفته اند همین زن روستائی به کار های پر زحمت و توان فرسا کشانیده میشود و در عین حال باید آ را مش خود را حفظ کند . شاید ما از فاصله بسیار نزدیك به‌چهره اونمی نگریم تااضطراب نگاه وآثار پیری زود رس را در آن مشا هده کنیم .

به کمك استعمار بوده که خرافات ورسوم کهنه به حیات خویش در زندگی ز نان این کشور ها ادامه داده است . در پاره‌ای از این کشور هاحتی قانون تصریح می کند که زن باید از شوهر خود اطاعت کند . باید به خواست واجازه شوهر از حقوق‌مدنی قضائی وخانوادگی خویش استفاده نماید خیلی مضحك است که اگر تصور شود که قانون گذاران که همه در این جوامع مر دان هستند از امتیازات جنسی خویش را خود دو دسته به زنان تقدیم نمایند .

در چنین جوامع با مجموعه‌ای گزا رشها که با امتیاز دادن به مرد تبعیض جنسی را مجاز و حکم میکند و ضع زنان نا چارمتزلزل وناپایدار باقی می ماند . در همه ز مینه ها در آموزش ـ کار ـ ا منیت اجتماعی ـ حقوق مدنی و غیره این تبعیضات خورد کننده‌کاملا آشکار است . به اساس مطالعه ایکه چندی قبل صورت گرفت اکنون هیچگونه مانع‌قانونی برای دسترسی ز نان به آ موزش ـ کار و یك زندگی اجتماعی آزاد در اکثر این کشور ها و جود ندارد . ولی باید با تا سف‌اضافه

ویااینکه از برابر امکانات با مرد برخوردار است . در واقع زن هنوز مطیع و فر مانبردار شوهرش باقی می ماند .

از جانب دیگر عرضهٔ کار برای زن ومرد یکسان نیست . در مورد د سترسی به آموزش و رهنمائی شغلی هم نا برابری های مشابهی وجود دراد . در مورد حرفه و شغل هم ثابت شده است که بین زن ومردنابرابری به قوت خود باقی است . پس وابستگی اقتصادی زن در این جوامع بطور کلی پستی وکوچکی زن دربرابرمردنه با حقیقت‌زن بودن وی ار تباط دارد بلکه با فعالیت ها و ساز‌ـ مانهای ا قتصادی کشور و با تسلط مستقیم‌و غیر مستقیم استعمار طی سالیان متمادی‌رابطه مستقیم دارد . به همین جهت است که عصیان ز نان این کشور ها واکنشی ا ست علیه این وضع تاریخی که کشور ها ی استعماری بر جهان عقب نگهداشته شد ه ، تحمیل نموده بود .

از همین لحاظ است که زنان کشورکم‌رشد در جریان مبارزات خویش به درستی‌دریافتند که کسب حقوق اعم از سیاسی ، ا قتصادی واجتماعی برای ز نان باحل پرابلمهای‌اساسی تمام جا معه شان بستگی دارد . با استقلال سیاسی ، با حاکمیت ا قتصادی و با دمو ـ کراتیزه کردن حیات ا جتماعی‌و حقوق‌زنا ن چیز مجزا از حقوق و آزادی های همه خلقهای این کشور ها نیست . در این جریان آ نان ارزش نیروی تشکل ز نان را برای کسب استقلال سیاسی واقتصادی کشور های شان در پهلوی مردان با صراحت درك نمودند وبا این مطلب معتقد گردیدند که ز نان در تحت تسلط اشکال گو ناگون استعمار از هر گونه حیثیت و شرافت انسانی به حیث ما د ران بی بهره ساخته شده اند . موقف شایسته در جا معه ندارند از این جهت است که در کشور ها مبارزه برای برابری حقوق بامبارزه علیه امپریالیسم و ر ژیم های استبدادی و فاشیستی پیوند میابد .

زنان را در د هها کشور بر
نو به آزادی رسیده تصور ن
صد د احیای نوامیس واد زش
هستند ودر راه نو سازی جا
مجدانه به پیش می‌روند . آن
فراوان دارند . آ نها نه‌تنها
مبارزان راه آ زادی کشور
بلکه پر شور ترین سازندگان
بر مبنای دمو کراسی و برابری

در بخش و سیع این کش
های ملی و دمو کراتیك قدر
در دست دارند کاملا آ گا
اثرات ناگوار استعمار و بقا
فرتوت فئودالی و ماقبل آن
خرافات و رسم و ر واجها
شخصیت زن مبارزه میشود .

اکثر این دو لتهای جوان از
مانهای ملی ز نان و پرو گر
مجدانه دفاع می نمایند . و لی
خاطر نشان ساخت که دریك
مستعمرات سابق رژیمهای دس
قدرت را بدست دارند، که نه
جدی متوجه حقوق و آزادی ها
می گردند بلکه در تحت حکو
فجایع جبران ناپذیر بر ضد
کشور علیه آزادی ، دمو کرا
انسانی عمل می شود .

در و ضع کنونی ما شا هد
مجامع بین‌المللی ز نان این
حملات بی ر حمانه علیه امپر
تاریزم ، تبعیض نژادی ، فاش
سیاست های تجاوز کارانه ا
زدند . سیستم های استعمار
مصائب بیکران که برای جها
آورده اند محکوم نمودند .

در انبوع شعار های ز نا
بطور غیر قابل انکاری شعار
تبعیضات ، ضد مناسبات
قرون وسطائی ، ضد رسوم و
که زنان را در بند نگهمیدار
آن عده عقاید کهنه و خرافی
برای پیشرفت و سهمگیری
عرصه های مختلف اجتماعی
کلتوری می بندد ـ دیده میش

مبارزات ز نان آ سیا، اف
لاتین مانند مبارزات خلقهای ق
ها در مسیر بر گشت ناپذیر
اجتماعی قرار دارد . واین

...در کشورهای سرمایه‌داری

...ن سرمایه داری در سالی که
...ای تازه‌ای ارائه دا شتند واین
...د روز افزون جنبش‌اوج‌گیرنده
...ض ، نابرابری و مظالم‌سرمایه
...لهٔ جدیدی را در مبارزهٔ ز نان
... نماید .

... اقتصادی و مالی که جهان
...و بخشهای وابسته به آن را
...بر گرفته برای زنان ار مغانی
... بی حقوقی چیز دیگری‌نداشته
... در تحت حکومات سر ما یـــه
...حشتناك مواجه هستند . ارقام
...د هندهٔ این واقعیت ا ست که
...ان که از فابریکه ها ، کارخانه
... خصوصی و دو لتی بـــیرون
...وند فیصدی بیشتر را ز نان
...ند .

... مادران در صفوف طویل‌بیکاران
... لکهٔ ننگ است بر جبین نظام
... که در طول بیشتر دو صـــد
...مت خویش حاصلی جز رنج ،
... بی حقوقی واستثمار وحشیانه
...طفال آ نان چیز دیگری به بار
... .

...ن داده است که به مشکل می‌-
...معی که کم کاری مزمن و بیکاری
... آن حکمفر ماست حق کار زنان
... با مردان تضمین نمود . د ر
... کارگران زن به عنوان خطر ی
... به منزلهٔ متجا وزانی که به‌قلمرو
...ر خنه کرده اند در این جوامع
...وند . د رهمه این کشورها حق
...بسته به شگوفائی ا قتصادی‌است
...ی ر کود اقتصادی به آ سانی
... که حق زنان در برابر امکا نات
...ردان تا چه حد ناپایدار و زود
... .

... سر مایه داری در همه جاتقریبا
... کار برحسب جنس پـــا بـــر جـــا
... میراثی را که سیر جوامع‌طبقاتی
...ن جسمی برای زنان به ار مغان
...نظام سر ماید ه‌داری با خو شی

موانعی می آ فرینند . و ضعی به و جودآورده اند که در آن کاری که بطور سنتی به‌عهده مردان گذاشته شده از دستمزد بالاترواعتبار بیشتر بر خوردار میشود و حال آ نکه کاری را که بطور سنتی ز نان انجام می د هند در بست کم ارزش و قـــابـــل تحقیـــر تلقی می گردد و دستمزد پائین تر و اعتبار کمتر برای آن قایل میشوند .

گویا این سنت منحوس ز یبنده سر مایه‌- داری است که زنان را به کارهای غیرحرفه‌ای وغیر تخصصی بگمارد تا بتواند در زمان‌وفور از آنها به حیث کارگران ارزان به شدیدترین



اشکال بهره کشی نماید و لی در مواقع بحران به بهانه غیر تخصصی بودن از کار آنها به سهولت شانه خالی کند .

موانع جدی در برابر کار ز نان درعرصه های سیاسی ، اقتصادی و حتی خد ما ت اجتماعی تا هنوز و جود دارد . آنان تنها

مسوولیت کار می کنند . نظا مات سرمایه‌- داری که فقدان توان به کار گماردن همـــه قوای مستعد به کار از خصو صیات بارز آن است اکثر یت ز نان را هنوز به مثابـــه بردگان خانگی نگهداری می نماید . بد یـــن وسیله کار اکثریت ز نان در این جوا مـــع شامل سیکل و دو ران تبادله نگشته و در نتیجه ار زش آن تثبیت نمی گردد . و برای تولید کنندگان آن هم حقوقی به بار نمی‌آورد به اساس ا حصائیه های د قیق که‌ازطرف ساز مان بین‌المللی کار به نشر ر سیده‌است در حدود هفتاد فیصد ز نان در این جوا مـــع به‌کار های خانگی از قبیل آشپزی ،دوخت ودوز ، تربیت کودکان و تنظیم ا مور منزل که از شاقه ترین امور است مصروف هستند. ودر نتیجه حاصل کار بیشتر از سی فیصد

نیروی مستعد به کار در این جوامع فاقـــد هر گونه ار زش اجتماعی است .

شرم آور ومحکوم کننده است در ایا لات متحده جا معه ایدآل سرمایه داری فیصد ی زنان کارگر از سی فیصد در مجموع نیروی کار در ۱۹۵۰ به چهل و یك فیصد در سال ۱۹۸۰ رسید . در سی سال شگوفائی‌سرمایه‌-

اکثریت ساز مانهای ز نان در جهان‌سرمایه‌- داری به مبارزات و سیع و دامنه داری علیه انحصارات و خاصتاً علیه دولتهای سرمایه - داری حافظ منافع انحصارات غـــارتگـــرا انـــد دست زدند . باید یاد آور گردید که زنا ن کارگر دراین جوامع بیش ازپنجاه الی شصت فیصد مزد مردان کارگر را حصول نمی - دا رند .

یکی از مشخصات عمده مبارزات د مو - کراتیك ز نان را در کشور های سرمایه - داری در لحظات کنونی سمت گیری هر چه بیشتر سیاسی آن تشکیل مید هد . جنبش زنان علیه دو لت ها وانحصارات روز تاروز وسیعتر میگردد واوج بیشترمی‌گیرد. مادرسال های اخیر شاهـــد سهـــم گیری فعـــال زنـــان خانه‌دار که توده های وسیعتر را در میـــان زنان این جوامع تشکیل مید هند هستیم . مطالبات ز نان بیش از پیش جهت سیاسی کسب می‌کند و با خواستهای سیاسی د یگر اقشار و طبقات ز حمتکش جا معه تـــوام می گردد . زنان انحصارات غارتگر را برای فقر، بیکاری و فر دای نا مطمئن فر ز ندان وخانواده های شان به پای میز محاکمه می‌- کشانند . و لی سر مایه داری میکوشدباهمه وسایل تبلیغاتی که در دست دارد ما نند مطبوعات ، رادیو ، تلویزیون ، سینما ز نان را متقاعد سازد تا به خانه هایشان برگردند ومی کوشند اذ هان آ نها را تخدیر نمود ه واز خواسته های اصولی و دمو کراتیك شان آنها را منحرف سازند . و لی در تحت تاثیر قوی نهضت های کارگری و مترقی جنبش‌های زنان قوت بیشتر کسب می نما ید و سازمان های دمو کراتیك وکارگری از مطالبات آ نها بیشتر از پیش د فاع می نمایند .

زنان امروز با صراحت بیشتر در مجموع و بطور کلی شعار های خو یش را علیـــه امپریالیسم که به جز مجمو عهٔ کا مـــل بی حقوقی ها و تبعیضات برای آ نان ا ست مطرح می نمایند .

مادران که و حشت جنگ های امپریا - لیستی آ نها را در آ ینده کو دکان شا ن کاملا نـــا مطمئن گـــردانیده علیه انحصارات ودو لتهای جنگ طلب شعار مید هند و به مبارزه بر می خیزند و آ تش غضب و فریاد

حل مساله زن

در کشورهای

سوسیالیستی

تجربهٔ تاریخی ساختمان سوسیا لیزم در
ضی از کشورهای‌جهان قاطعانه ثابت ساخت
فقط در چنین جامعه ای تساوی واقعی
وق زن و مرد میتواند بدست آید جامعه
ی که مواظبت از زنان و کمك با ایشان
مت جدا ناپذیر طرزالعمل جاری اجتماعی
تصادی دولت را تشکیل دهد ، سوسیالیزم
کانات عینی آزادی واقعی اجتماعی زنان را
ین نموده وبرای رشد آنان بحیث عضو
ستقل جامعه و فامیل احترام میگذارد.

در جامعهٔ سوسیا لیستی شرایط زندگی
ن چگونه تغییر پذیرفت آنان ازچه حقوقی
خوردارند و چگونه از این حقوق استفاده
مایند ؟ نقش زنان در تولید چگونه است؟
فامیل ودر زندگی اجتماعی چگونه است؟چه
جه به مادر و طفل صورت میگیرد ؟ جواب
ن سوال هادر ین لکچر گنجانیده شده
ست .

برپایهٔ قوانین کشور های سوسیا لیستی
وق مساوی‌بامردان‌برای زنان تضمین‌میگردد.
ن میتوانند انتخاب شوند و انتخاب نمایند
حق کارو دست مزد مساوی بر خوردار
تند ، حق تحصیل ، حق استراحت ، حق
مینات اجتماعی و مادی ، حق تامین در
ی ودر صورت عدم قابلیت کار از حقوق.
ظ الصحه و تضمین مادی بر خورداراستند.
باید متذکر شویم که‌چهل الی پنجاه فیصد
مندان رادراین کشور ها زنان تشکیل
هند . در آلمان دمو کراتیك واتحاد -
روی این فیصدی بیش از نصف است.در
اقتصاد ملی بخصوص در ساحاتی مانندماشین
سازی فلز سازی و ذوب آهن ودیگر ساحات
که از نگاه تخنیکی در سطح عالی قرار دارند،
نام برد .

تغییرات بزرگی در شکل مشغولیت وتامین
کاربرای زنان در هنگری رخ داده است در
هنگری قبل از جنگ بیش‌ازنصف‌زنان مستعد
به کار در بخش زراعت و مالداری مشغول
بودند وبیست فیصد زنان زحمتکش به حیث
زنان خانه ویا خدمه ایفای وظیفه مینمودند
در ساحات صنعتی و تجارتی ، زنان فقط نقش
فرعی داشته فعلا در بخش های صنعتی هنگری
زنان کارگرو کارمند بیش از چهل وپنج
فیصد را تشکیل میدهند . نمونه مشابه تغییر
شرایط زندگی زنان‌درکشورهای سوسیالیستی
دیگر موجود است ، مثلا دربلغاریا چهل ونه
فیصدودرمنگولیا بیشتراز پنجاه‌وپنج‌فیصدزنان
در عرصه های صنعتی مشغول کاراند . در
بعضی ساحات تولید صنعتی کا ر زنان از
کار مردان بیشتر است .

مثلا در چکوسلواکیا در رشته هـــای
نساجی ، بوت دوزی ، پوستین دوزی ،خیاطی
ودر صنایع مواد ارتزاقی ودر مطبعه ها اکثرا
زنان کار میکنند . تعداد زنانی که در رشته
الکترونی ، الکتروتخنیکی ، تولید صنعتی
ماشین سازی مصروف اند هر روز افزون
ترمیگردد .

همچنان تعداد زنانی که در ساختمان ،
ترانسپورت ، ادارات‌ارتباطی تجارت ونانخوری
های اجتماعی‌کارمیکنند روز بروز بیشتر میگرد

زراعتی ایفای وظیفه مینما یند .

در آلمان دمو کراتیك در نتیجه ایجـــاد
کوپراتیف های زراعتی در سالهای ۱۹۶۰
زنان زارع امکانات تحصیل را بدست آوردند،
فعلا در حدود هشتاد ودو فیصد زنانیکه در
زراعت مشغول کاراندداراى تحصیلات‌تخصصی
میباشنـد . در سالهـای بعـدی تغیراتـی
در مناسبات زنان باکارتغییر خورد، کاربرای
زنان به احتیاج زندگی مبدل گردید که به
انکشاف همه جانبه زن مساعدت میکند.

زنان در امر انکشاف علوم ، حفظ الصحه
آموزش ملی، فرهنگ‌بسیار فعالانه کارمینمایند
در کشور های سو سیالیستی از هر پنـــج
کار مند امور اجتماعی و حفظ الصحه چهار
نفر آن زن است . در آلمان دمو کراتیك
اتحاد شوروی ، پولیند و چکوسلواکیا تعداد
زنانیکه در طبابت مشغول کار هستند بیشتر
نظربه کشور های دیگر است . در منگولیا
هفتادو چهار فیصد دوکتوران را زنان تشکیل
میدهد . امروز هفتاد و هفتاد و پنج فیصد
کارمندان آموزش ملی وکلتور را زنان تشکیل
میدهند . در بلغاریا وآلمان دمو کراتیك بیش
از نصف دانشمندان متشکل از زنان هستند
ارقام مذکور روشن میسازد که نقش زنان در
حیات اجتماعی کشور های سوسیالیستی‌روبه
افزایش است . موفقیت درامر تضمین حق
کار فقط در شرایط جامعهٔ سوسیالیستی با
اقتصاد پلان شده‌وپالیسی اجتماعی واقتصادی
دولت که‌به نفع‌مردم‌ورفع احتیاجات‌و ضروریات
روز افزون مادی و معنوی اعضای جامعه‌بعمل
میاید ممکن شده است .

یکی از علل تغییرات کیفی در موقعیت
زنان و افزایش نقش ایشان در حیات اجتماعی
کشور های سوسیالیستی‌این‌است که امکانات
وسیع برای تحصیل دراختیار دارند . درین
کشور ها هیچ تبعیض جنسی و ملی برای‌درس
خواندن وجودند ارد،در تمام موسسات‌تحصیلی
دختران و پسران طبق یك پروگـــرام درس
میخوانند زنان میتوانندر تمام‌ساحات تحصیل
سهم بگیرند ، به استثنای ساحات مضر .

قانون تحصیلات مجانی از مکتب ابتدایی
تا دانشگاه عالی ، تحصیلات عمومی ومناسب
را تضمین میکند کار زیاددر امر پرورش زنان
متخصصین دارای تحصیلات عالی و متوسط

بودند . قبل از پیروزی انقلا
تحصیل منحصر به یکعدهٔ ممتاز
۱۹۵۳ از جمله (دو ملیون و یک
هزار زن سن بالاتر از ۱۰ سا
زنان بیسواد بودند ، ۷۱ فیصد
مکتب را تمام نمایند ، فقط ۲
تحصیلات متوسط داشتند.حکومت
خستگی ناپذیری را با میراث
سرمایداری آغاز وبرای حل این
مردم را بسیج‌کرد وبزودی بی
گردید .

فعالیت بمقصدمحوبیسوادی یک
ترین صفحات تاریخ کیوبا را تش
در نتیجه مبارزهٔ قهرمانه مردم ۷
باسواد شدندکه ۵۵فیصد آنها ر
میدادند .

تجربهٔ پولیند نمونهٔ اطمینان
درساحهٔ تحصیل مردمی بحساب
آنجا بیش‌از ۴۰ فیصد زنان د
ساله تحصیلات‌عالی‌ومتوسط‌دارند
تعداد زنان مخصوصادرموسسات
معلمین ۷۳ فیصد اقتصادی ۱۰
پوهنتونها بیش از ۶۳ فیصد می
زیادی از زنان در موسسات
لیانس به تدریس ادامه میدهنـ
۱۹۷۸ سهم آنها در تحصیل دور
لیسانس ۳۶ فیصد را تشکیل می
آنهایی که به درجه‌کاندید رسید
تقریبا ۳۱ فیصد بود .

تامین روزهای‌رخصتی‌بخاطر تد
تادیه مصارف ترانسپورتی،بورس
درجهٔ تخصصی مساعدت میکند.

در جامعهٔ سوسیا لیستی زنها
زیاد میباشند . دولت تدابیر مو
حمایهٔ مادر و طفل بهبود بخشید
آنها . سهولت خانواده‌هادر امر
اتخاذ مینمایند . در قوانین اساس
سوسیالیستی حمایه از حقوق م
گردیده است در قوانین‌تامین ر
دورهٔ حاملگی وزایمان سهولت د
شدن ساعات کار باحفظ‌دستمزد ا
به‌خاطر مریضی طفل کمك دولت
وغیره تصریح شده است .

بطور مثال‌دربلغاریابخاطر حام

...یا به صحت مادرو طفل توجه
...ود . زایمان فقط در شفاخانه
...رای هر ۳۴۲ زن یك داکتر
...تمام زنان به علت حاملگی و
...ـ۲,۵هفته(رخصتی‌دارندرهنگام
... فیصددسمزدمتوسط رابه‌این
...ی‌آورند . در چکوسلواکیامادر
... زن قبل‌ازایمان برای مواظبت
...اضافی‌میگیرد . مادریکه ازیك
... مواظبت مینماید هرماه ۵۰۰
...یداردمادریکه‌اطفال دوم وسوم
...ار کرون بعد از تولد هر طفل
... . امداد پوئسی زیاد در
...اطفال‌زیاد دارنداتخاذ میشود.

...سور ها هفته کار برای زنان
...رند کوتاه تر میباشد . بطور
... دمو کراتیك هفته کار برای
...یابیش از دو طفل دارند ۴۰
...ی معاش کامل کارهفته رادر-

...ه آنها۳تا ۹ روز زدیادشده
... مادرانی که روز کامـــل
...اشند و اطفال تاسن ۱۸ دارند
...ی که هنوز اطفال ندارند یك
... برای کارخانه رخصتی دارند.
...به اینطرف زنان بیش از ۴۰
... مشغول کار هستند و شوهر
...ن امتیاز استفاده میکنند .
...وسیا لیستی حقوق تقاعدبرای
... سال تضمین میشود . بطور
...لواکیا سن تقاعد نظربه تعداد
...ین میشود . اگر زن پنـــج
...طفل تربیه کرده متواند ازسن
... میگردد. اگرسه یاچار طفل
...ن ۵٤.هرگاه‌دوطفل‌تربیت‌کردند
...ی طفل از سن ۵٦ واگر اطفال
...۵۷ ساله تقاعد دریافت میدارند.
...تصادی زن ، امکانات وسیع
... اورا در محیط خانواده مساعد
...دواج حقوق ووظایف همسران
...ی اصل تساوی کامل حقوق زن
...م میرسد ، قانون راجع‌به‌خانواده
...ین زن و مرد بر قرار نمیکند.
...زنان از طرف جامعه به تقسیم

مصارف برای پرورش اطفال دراین موسسات را تادیه مینمایند . در موسسات صنعتی درساحهٔ خدمت‌وغیره‌شیرخوارگاه ،کودکستانها اتاقهای استراحت مادرو طفل وجود دارد . بطور مثال در هنگری ۸۵ فیصد اطفال از ۲ تا ٦ساله در کود کستانها تربیه میشوندکه ضرورت‌مواظبت خانواده را کمتر میسازد .

تعداد شبکه موسسات حمایـــهٔ اطفال ، کودکستا نها و مکاتب در کشور های سوسیا- لیستی نیزروبه افزایش است.در چکوسلواکیا فعلا بیش از ۲۲۰۰ شیر خوار گاه و بیش از ۱۰ هزار کودکستان وجود دارد ، ۷۳فیصد اطفال سن قبل از مدرسه در موسسات‌تربیوی اطفال تربیه میشوند و مصارف قابل ملاحظه نیست .

زنانی که اطفال شان دراین موسسات پرورش میابند میتوانند در فعالیت تولیدی اشتراك نمایند .

در کشور های سوسیا لیستی تو جه‌خاصی به حفظ الصحه نسل جوان مبذول میگردد . شفاخانه ها، پولی کلنیك های عصری ساخته میشود . اطفال مریض امکانات معالجه در اسایشگاه هارا داشته ودر مکاتب جداگانه مناطق مساعد اقلیمی معالجه میشوند آنهـــا رژیم جدا گانه داشته و داکتر ها و معلمین توجه خاصی به آنها مبذول میدارند .

بطور مثال در مدت ۱۰ سال آخر تعداد شفاخانه ها برای اطفال بیش ازدو مرتبه و تعداد پولی کلنیك‌های‌اطفال ۱۰ مرتبه‌ازدیاد یافته است ـ ۹۷٫۷ فیصد اطفال الی سنین



والنتینا ترشکوا زن مبارزیکه توانست با تصمیم‌قاطع وعزم خلل ناپذیرفضاراتسخیرکند.

به انجام میرسانند .

اولین واکسین برای نوزادان بعد از چند روز زایمان صورت میگیرد که‌در نتیـــجه آن چکوسلواکیا اولین کشور درسراسر جهان‌بود که‌در نیمه دوم سالهای شصت یـــك حادثهٔ یومی ملیت هم موجود نبود .

مواظبت از نوزادان فاکتور مهم درراه‌تنزیل وفیات بین اطفال بحساب میرود . در تمام کشور های سوسیالیستی به منظور کمـــك به تقویهٔ بدنی اطفال غذای طفلانه طبق نورم های علمی معاصر پخته میشود . غذا بـــرای نوزادان در آشپزخانه های مخصوص اطفال پخته میشود . شور اهای مردمی تمام مصارف را برای تاسیس و تجهیز این آشپز خانه ها تادیه میکنند آنجا غذای اطفال با اضافه میوه- جات و سبز یجات و غذای خصوصی به عوض شیرمادری پخته میشود .

در کشور های سوسیا لیستی توجه بزرگ به‌رخصتی زنان زحمتکش مبذول میگرددشبکه اسایشگاه ها که تحت کنترول اتحادیه های کارگری و موسسات دولتی میباشد توسعه ـ یافته است‌که تعداد زیاد والدین بااطفال شان رخصتی رادر آنجا میگذرانند . همچنان اطفال میتوانند تعطیلات خودرادر اردوگاه پیشاهنگان ویا استراحت گاه های اطراف شهربگذرانند بطور مثال در آلمان دمو کراتیك هر سال ٦۵۰ هزار طفل در اردوگاه های پیش آهنگان‌و صد هزارطفل‌در اردوگاه‌های‌مرکزی پیشاهنگان تعطیلات را میگذرانند نه تنها دولتا از زن مادر مواظبت مینمایند بلکه مجامع وسیع‌توده دراین راه نیز فعالانه‌اشتراك میورزند .بطور- مثال در مکاتب کمیته های والدین تاسیس میگردد .والدین فعال در امر پرورش اطفال در محل سکونت ودر کلوپهای محلی سهـــم میگیرند .

درنتیجه اشتراك فعالانه در کار تولیدی سطح بلند تحصیلات عمومی، مسلکی وفرهنگی تدابیر دولتی که به زنان اجازه داده‌اند کـــار تولیدی را با امور خانه توام کنند که درنتیجهٔ زنان میتوانند به طور ثمر بخش درامور دولتی سیاسی و اجتماعی سهمگیری نمایند .

زنان حقوق سیاسی مساوی با مردان دارند وفعالانه در انتخابات شرکت مینمایند ودر اورگانهای عالی و محلی قدرت ، شاهد این

نوشته دکتور ابهر

شاعر بزرگ غزلسرای شوروی سرگی یسه نین

آنها ییکه با اد بیات کشوردوست وبرادر ما اتحاد جما هیر شو روی سو سیالیستی آ شنا یی دا رندلابد نام شا عر بزرگ غز ل سر ا ی روسی سر گی ا لکسندر و یـــچ یسه نین را شنیده و اشعار دلنشین او را خوا ند ه خوا هند بود .

شا عر در سا ل ۱۸۹۵ میلا دی در دهکد ه ز یبایی به نـــــا م (کنستنتینو وه) در نزد یك شهر ریزا ن یکی از شهر ها ی قد یـم رو سی نزدیك شهر مسکو چشم بد ینا کشو د ه و در سا ل ۱۹۲۵ میلا د ی در شهر لینین گراد د ر گذ شت .

سر گی یسه نین در کو د کی به سرو د ن اشعار شرو ع کرد از دهکده به شهر مسکو آمد و ازآنجا به پا یتخت امپرا طو ر ی رو سیه تزاری شهر پطر گراد وا رد گرد ید وبه زود تر ین و قت شهر ت ز یاد پیدا کرد و در تما م رو سیه شوروی اشعارش غلغله را بر پا نموده و بهتر ین شا عر و قت شنا ختـــه شد .

نو یسند ه بز رگ و ریا لیست مکسیم کو ر کی یسه نین رابزرگ ترین شاعر بعد از الکسندرپوشکین خواند .

سر کی یسه نین درتاریخادبیات جهان بنام محبو بتر ین شا عـــر شوروی شنا خته شده است.

شا عر عشق بی پا یا ن بـــه میهن خود دا شت و محبت خود را به خا ك خود رو سیه چ... بیا ن مکند (اشعا ر من ز... و نشا نه محبت من بو ط... و اسا س اشعار مرا محبت... تشکیل مید هد).

در باره ا شعار این ش... بز با نها ی زند ه جها... ها ی ز یا د ی نو شته ش... ملیو ن ها خوا نندهدارد... شا عر بز با ن ها ی ملی... اتحاد جما هیر شورو ی و... زند ه جها ن تر جمه شده... و روز نا مه ها پیو سته... میر سد .

ما در اینجا تر جمه یك... شعر شا عر را از مجمو ع... ها ی فا رسی) بنا م شگا... ار منی که شهر ت فراوا... خد مت خوا نند ه گا ن ا... مجله ز یبا ی ژو ندو ن ... میدا ریم .

شگانه

شگانه من الا جا ن من شگا نـــهمـــــن
شنو حکایت منعشقمنترا...
من از شما لم و با تو حکا یتیدا رم
زموججو درو از ما هتا ب خا نــــهمـ...
حکا یتیکم از د شت ها ی نا همـو ا ر
شگا نه من الا جا ن من شگا نهمـ...
مـن ازشما ل و آنجا ست سجده گاهدلم
در آن زمین که بود عشق جاویدانه م...
مـن ازشما لم و دارم محبتی به شما ل
محبتی که نهفته است در ترا نـهمـ...
مرا کههشت چو جو د ر دو ز لف جـــودر یـــی
بکلـــكخو یش به پیچان تو ناز د...
من هیچگاه نه نالم نوا ی د لنکشــــم
نمیرسدبکسی نالـه شبا نـه مـن...
من از شما لم و با تو محبتـــیدا ر م
فتادهشعله عشقت به آ شیا نـ...
کنم حکا یت آن مو ج ها یجودرومــــاه
ز لایطرهمن پی ببر شگا نـــه مـ...
بز یر شعله مه بین لطا فـتجـــو در
که دلربا ست چو ز لفا ن شا عرا...

...ر منکو لیا معاونرئیس شورای کبیر اورال ...ون وزیران زن میباشند • در شرایـــط ...ی ۲ر۳۳ فیصد نمایندگان اورگانهای عالی ...ی وتقریبا یك ثلث نمایندگان ارگانهای ...ی را زنان تشکیل میدهند ـ ۳۲ فیصد ...ندا ن دادگاه ملی منکو لیا زن هستند • ...ر پارلمان آلمان دمو کراتیك از پنـــج ...نماینده ٦٨ یا ۷ر۳۳ فیصد رازنان تشکیل ...ند • سهم زنان دربین نمایندگان نواحی ...ی و روستایی تا ۷ر٤١ فیصد از دیـاد ...ه است • یکیازچار شاروال زن میباشد• ...۲ فیصد نمایندگان اورگان های عالی ، ...کار کنان شورا های مردمی و ۲۸ فیصد ...اهای مردمی محلی پولیند را زنان تشکیل ...ند • در ویتنام زنان نیز فعالانه درامور ... اشتراك مینمایند .

...ر مجلس ملی ۹ر۲٦ فیصد ودر شوراهای ...ی ولایتی و نواحی تقریبا ۳۰ فیصدکار... ...ن واعضای را تشکیل میدهد • ۲۱زنبحیث ... معین و دیگر مقامات صلاحیت دار ایفای ...ه مینمایند •

...نان کشور های سوسیا لیستی فعالانـــه ...سازمانهای اجتماعی تودهای یعنی جبهـــۀ ...وطن بلغاریا ، جبهههایملی چکوسلواکیا ...ن دمو کراتیك،جبهه های پدروطن ویتنام ...ی وغیره شرکت مینمایند • در چوکات ...ورگانهای ملی سازمانهای زنان فعـالیـت ...ید و نقش بزرگی را درراه ارتقاء نقش ... در جامعه بازی مینمایند •

...ازمان های زنان یکجا با اتحادیه هـــای ...گری ، سازمانهای جوانان ، کوپراتیفها ...یگر سازمانهای اجتماعی تحت رهبری ...اب کمونست یا حزب کارگری آموزش ...ی و فرهنگیبین زنان ودیگر اقشارجامعه ...ش میبرند وازین طریقبهحل پرابلمهای ... مساعدت مینمایند •

...یخ ۲۳ اگست سال۱۹٦۰ فدراسیونزنان ... تاسیس شده است •

...لا ۲ میلیون زن از همه نقاط کشور درآن ...ت دارند و به کمیتۀ زنان بلغاریا نشان ... سرخ زحمتکشاناعطاء گـــردیده ودر ...۱۹۷٤ ، پنجاهمین سالگرد خودرا برگزار ...ند

...یته زنان منگولیا فعالیتهای همه جانبـــه

...ردمی جمهوریدمو کراتیكآلمان گردیده است• سازمان زنان چکوسلواکیا وظایف متعددی را انجام میدهد کهدر آن سازمان بیش از یك میلیون زن عضویت دارد • سازمان بصورت خستگی ناپذیر وظایف خویش را انجام میدهد ودر امور تحکیم وتوسعه اعمار جامعۀ سوسیا... لیستی همه جانبه کمك مینمایند • هر قانون دولتی هر مصوبه ، هر تصمیم مهم کهبهنفع زنان مربوط اند در سازمان زنان چکوسلواکیا بررسی میشود •

کمیته های زنان کشور های سوسیا لیستی عضو فدراسیون دمو کراتیك بین المللی زنان میباشند واز طریق موسسه ملل متحد آنهااز مبارزه عادلانه خلقها به هدف آرامی استقلال ملی ، دمو کراسی و صلح پشتیبانیمینمایند ومبتکر اقدامات متنوع در عرصه بین المللی در دفاع از تساوی حقوق زنان سراسر جهان میشوند

چنین فهمیده میشودکه سوسیا لیزم مالکیت خصوصی را برو سایل تولید در طبقات انکشا... نیست ازبین بر داشته در مدت کوتاه تاریخ پروبلمهای عمده تساوی حقوق زنان را حـــل وفصل کرد که طی قرون متمادی در جامعـــۀ استثماری حل نشده بود •

دست آورد های کشور های سوسیا لیستی در راه حل مسائه زن اهمیتبینالمللی دارد• نمونۀ آن به زنان کشور های سرمایهداریدر راه مبارزه بخاطر حقوق خود صلح وترقی

نکاتی چند پیرامون ترافیک در کشور

...ان عزیز پس از پیروزی
... خاصتا مر حله نو ین و
...ن قسمیکه در اجـــراآت
... گانهای دو لتی تغیر و
...رد آمد واز بیرو کراسی
...سری ها جلو گیری بعمل
... طور در امور ترافیـــك
... تحو لات بمیان آمد البته
... نیست که قبل از پیروزی
... قانون و مقرره های جامع
... ترافیك وجود نداشت اما
...ه با پیروزی انقلاب ثــور
... با آمدن مر حله نوین و
...نقلاب شکو همند ثورقانون
...یك و سه مقرره مربوط به
... جواز سیر ، مقرره جواز
...، مقرره سیر و حر کت
...لیه) که حاوی ۲۸۲ صفحه
... سال ۱۳۵۹ توسطریاست
...ظیم گردید .
... ترافیك در پرتو لدزشهای
...اسی جمهوری دمو کراتیك
... مطابق به اساسات کنوا-
...ین المللی ۱۹٦۸ ویانا که

محترم شورای وزیران وشـــورای انقلابی بتاریخ ۳۱ر۳ر ۱۳٦۰ بعداز منظوری محترم ببرك کار مل منشی عمو می کمیته مرکزی حزب دمو - کراتیك خلق افغا نستان ورئیـــس شورای انقلابی بانشر آن در جریده رسمی نافذوازطریق رادیو، تلویزیون وجراید به اطلاع همو طنان رسانیده شده که درین قانون و مقررات مربوط به آن شرایـط خاص افغا نستان ،

مشکلات وپرابلم های اقتصادی و اجتماعی کشور در نظر گر فته شده وسعی بعمل آمده تا حتی الوسع از بیرو کراسی جلو گیری و تسهیلات لازم درین ساحه برای هموطنان عزیز فرا هم گردد .

علاوه باید کرد که درین قانـــون تکلیف اشخاص ، ادارات وخارندوی ترافیك تصریح گردید .

سعی بعمل آمد تا پر نسیـــپ قانو نیت جرم و جزا بر مبنـــای ارزشهای اصول اساسی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان در فصل جزایی آن طور دقیق رعایت گردد .

ترافیك کابل به منظور آگاهی...

کرده و برای نیل به این مرام عالی مواد تبلیغاتی مانند بـرو شور هـا علایم ترافیکی بشکل کتابچه، کمپکیت های علایم ترافیکی ، جنتری های دیواری و جیبی به نشر رسانیده وبه معرض استفاده همو طنا ن عزیز ما قرار داده است .

توقع میرود همو طنان عزیز مابا استفاده از نشر یه ها و موادتبلیغاتی بافرا گرفتن قواعد و مقـــررات ترا فیکی آشنایی باعلایم ترافیکـــی هنگام اشتراك شان بالای جاده چه بحیث اشخاص پیاده ، راکب یـك واسطه نقلیه ویا راننده آن هدایات قانون و مقررات، اشارات و علایم ترافیکی را رعایت نموده حیات و دارایی های خویش و دیگران را از خطرات و خسارات ترا فیکی مصوون نگهدارند و با خارندوی ترافیك درراه بوجود آمدن نظم سالم ترافیـــك همکاری نمایند .

به تعقیب این مضمون درنشریه های آینده البته حق ومکلفیت های عا مه در برابر ترافیك و سهولت اجـرا مسایل ترافیکی در ادارات ترافیك موضو عات قانونی و تر بیـــوی ترافیکی به نشر خواهد رسید .

ترتیب کننده مضمون ،سخارمن حبیب الله آمر تعلیم وتر بیه و تبلیغات ...

آب و زمین برای دهقانان

هیله

کابل این مر کز پر شکو ه کشور
پر شکوه و مرد آفر ین ما یکبار
دیگر شاهد گر دهم آ ئی مسئو-
لین وزا ر ت خا نه ها و دوا یـر
ج،د،ا ، حزب‌وار گا ن ها ی محلی
دو لتی و نما یند گا ن طبقهٔ زحمت-
کش‌و مو لد جا معهٔ ما یعنی دهقا-
نا ن و د یگر زحمتکشا ن بود کـه
شر کت‌ببرك کارمل منشی عمو مـی
کمیته مر کزی حزب د مو کرا تیك
خلق افغا نستان و رئیس شو رای
انقلا بی جمهوری د مو کرا تیـك
افغا نستا ن بر شکوه این گر دهم
آئی بیش از پیش افزو د ه‌بود .
هم در مرا منا مهٔ نجا ت بخش
حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان
وهم آوا نیکه انقلاب ملی و دمو -
کرا تیك ثور بر هبری حزب دمو-
کرا تیك خلق افغا نستا ن بـه
پیر وزی رسید اصلا حا ت د مو-
کرا تیك و عاد لا نه ومتر قی ارضی
را یکی از اهدا ف مهم واسا سی
خو یش‌دا نسته ودرین راه تا حال
قدم ها ی فراخ و مثبتی بر داشته
است . با پیروزی انقلاب ملـی
و دمو کرا تیك ثور و بخصو ص
مر حلهٔ‌نوین و تکا ملی آ ن کـه
زمینه عملی سا ختن همه جا نبـهٔ
اصلا حا ت دمو کرا تیك ار ضـی
دیگر دهقا نا ن ما از آینده بـی
بهر ه نیستند یعنی در آینده توأم
با همهٔ زحمتکشا ن از زند گی‌بهروز

خلق افغا نستا ن (پیش آهنگ
طبقهٔ کار گر و کلیه زحمتکشا ن
کشور) را تشکیل می دهد عا مل
مهم تأمین عدا لت اجتما عی و به
سر رسا نند هٔ آرما ن هـای
دیر ین زحمتکشا ن کشوربخصوص
طبقهٔ زحمتکش دهقا ن میبا شد .
حزب د مو کرا تیك خلق افغا -
نستا ن هما نطور یکه ابتکا ربراه
انداختن مبارزهٔ‌طبقا تی را د رکشور
ما برای او لین بار بعهده دا رد ،
ابتکا ر طر ح و عملی سا ختـن
اصلا حا ت د مو کرا تیك ار ضی
وحل مسئله مبر م د یگر یعنـی
حل مسئله آب را با افتخار به عهده
دارد .
این یك حقیقت و ا ضح اسـت
که نظا م فئو دا لی و سلطنـت
فئو دا لی نه تنها نمی خوا ستند
بلکه نمی توا نستند منحیث‌خا -
صیت ار تجا عی خو یش به ایـن
اقدا م انقلا بی دست بزند . انجام
اصلا حا ت دمو کرا تیك ا ر ضـی
وحل مسئلهٔ آب علا وه از آنکـه
ضا من منا فع اکثر یت مـردم
زحمتکش بود ، اسبا ب رشـد
اجتما عی و سیا سی تو د ه ها را
نیز بمیا ن میآ ورد ، لذا ایـن
مو ضو ع عمر حکمر وا ئی طبقات
مفت خوار راکوتاه می سا خـت
از همین‌سبب دو لت ها ی ار تجاعی
سا بقه با وجود خوا ست جد ی
تود ه ها از انجا م این اقدا م
عا دلانه جلو گیر ی می نمود وبا
این مو ضع گیر ی ار تجا عـی
خود عمر تنگد ستی و حیا ت پـر
فلا کت تو د ه ها را طو لا نی می
سا ختند .

حا لا که حزب د مو کرا تیـك
خلق افغا نستا ن و دو لت جمهوری
د مو کرا تیك افغا نستا ن بـه
ارا د هٔ مرد م افغا نستا ن دسـت
به اقداما ت‌انقلا بی به نفع تو ده
های ملیو نی زحمتکشا ن میهـن
زده است ، آن ار وا ح هـای
خبیث به عناوین مختلف ظا هرابه
نا م درو غین د فا ع از د ین اسلام
و و عده ها ی عوا م فر یبانه و
درو غ می خوا هند بازهم‌زحمتکشان
کشور مارا بدام‌فسو ن شیطا نـی
خویش با ندا زند و لی با ید بـه
این مر تجعین و دشمنا ن اصلـی
اسلام و مسلما نـا ن ز حمتکش
بصرا حت گفته شود که حا لادیگر
دیر شده است ، مرد م آزاد هٔ مـا
دیگر در عمل و تجر به به‌ماهیت
اصلی تا ن فهمید ه اند و مـی
دانند که این گفتار و کر دا ردرو-
غین تا ن دا م و دا نه ا یسـت
که می خوا هد یکبار د یگـر
مرد م شر یف و زحمتکش را بـه
زندان استثمار و استعمـار با-
ندازد و لی این خوا ب و خیـال
است واین آرزو را مر تجعین با
خود به گو ر خوا هند برد . چنانچه
ببرك کارمل منشی عمو می کمیته
مرکزی حزب د مو کرا تیك خلـق
افغا نستا ن و رئیس شـو را ی
انقلا بی جمهوری د مو کرا تیـك
افغا نستا ن در بیا نیهٔ پرمحتو ی
وانقلا بی شا ن در محفل پر شکو-
هیکه رو ز سه‌شنبه چار م حو ت
در تا لار د لکشا ه تشکیل شده بود
چنین فر مو د ند :
((اکنو ن نیز امپر یا لیزم وار -
تجا ع فئو دا لی زیر پرد هٔ بـه
اصطلاع دفا ع از د ین اسـلام
و اطمینا ن ها ی در و غیـن

جا نب با ند ها ی جنا
دهشت افگن ضد انقلا ب
تحمیل می گر دد ، تحمل
محفل شکو همند ی ک
اصلا حا ت ارضی و حل
آ ب در تا لار قصر دلکش
انقلا بی به تجو یز بیرو
کمیتهٔ مر کزی حزب د م
خلق افغا نستا ن و شورا
جمهوری د مو کرا تیك ا
با شرکت مسئو لین و
ها ، مسئو لین حزبی و
ار گا ن ها ی محلی ادا
دا یر شده بود پس از
پر محتو ی ببرك‌کارمل
اسا سی توسط سطا ن
عضو بیرو ی سیاسی ک
حزب د موکرا تیك خلق ا
ورئیس شو رای وزیرا
دمو کرا تیك افغا نستا
گردید که طی آ ن علا و
مو فقیت ها ی چشم گی
دولت در سا حهٔ زرا عت
ملی، انتقا دا ت سا زند
ای نیز بر ا دا را ت مر ب
گر فت .
حزب د مو کرا تیك
نستا ن بنا بر ما هیت
وطبقا تی خو یش از بد
خو یش و بخصو ص پس
انقلاب ثور برای بر آور
خوا ست ها ی مبر م و
طی قرو ن واعصا ر آنر
کشا ن کشور ما بد ل
نید ند عمل نما ید و
پیروزی مر حلهٔ نو ین
طرح پلا ن عمل برای د
حا ت د مو کرا تیك ار
آنا نیکه وا قعاً با لا ی
میکنند یعنی دهقا نا ن
وکم زمین ، حقیقت فو
ثابت سا خته و می س
معرو فاست که استح
و پا یا ئی هر انقلاب مر
به اندا زهٔ تا ئید و پش
مرد میکه این انقلاب به

ودمو کرا تیك ثور که
پا یمرد ی مرد م‌دلیر
به پیرو زی رسیده‌در
ید و پشتیبا نی اکثر –
سرد م زحمتکش افغا –
خور دا راست لذا جا –
د ن و به سر منـــزل
د ن انقلاب ثور راتائیدو
توده ها ی ملیو نـــی
منجمله کار گرا ن و
بد مـی د هد . کمیته
ب د مو کرا تیك خلــق
ی ، شو رای انقلا بــی
وزیرا ن جمهو ری د مو–
فغا نستا ن برای عملـی
م و خط مشی حزب(چه
لاب و چه پس از بــه
سید ن انقلاب ثور) ،با
نشر یك سلسله‌قوانین،
رهنمود ها پیرا مـــون
دمو کرا تیك ار ضـــی
لهٔ آب بشکل د مو کرا–
ح دهقا نا ن زمینه هـای
ر م ها ی انقلا بـــی
م سا حا ت مهیا سا خته

جلسهٔ تاریخی چار م‌حوت
م مو ثر در راه تطبیـق
صلا حا ت ار ضی هما نا
کمیتهٔ مر کز ی حـــز ب
یك خلق افغا نستا ن و
زیرا ن جمهو ری دمو –
افغا نستا ن میبا شـــد
چگو نگی وطرز العمــل
لا حا ت ار ضی فور مو–
د ه و وظا یف اسا سی
حکومت ومردم را در مورد
د ه است وبعدابرای‌فراهم
هٔ همه جا نبه جهـــت
سو بهٔ فو ق ، ضمیمـــهٔ
فر ما ن شما ره هشتم
شو رای انقلا بی وشورای
، قا نو ن آ ب و مقر رهٔ
ز آ ب در زرا عت بـــه
رسید . هکذا کمیسیو ن
ده از طر ف کمیتهٔ مرکزی

آماد ه گردید ه است که به ایـــن
تر تیب آما ل حزب و دو لـــت
که مبنی بر احقا ق حقو ق حقـهٔ
دهقا نا ن و تنظیم و تقسیم عادلانه
آب به زمیندا را ن که از خوا ست
با القو هٔ مرد م نا شی می شـــود
جا مهٔ عمل می پو شد و این نما یا–
نگر تطبیق عملی مرا م حزب د مو–
کراتیك خلق افغا نستا ن جهـــت
تا مین منا فع خلق است .
حا لا جهت تطبیق و عملی‌ساختن
این امر مهم که همه و سا یــل
وامکا نا ت عملی آ ن مهیا گردیده
است همه مرد م از همه طبقا ت و
اقشار مسو لیت ها ی قا نو نــی
واخلا قی واجتما عی دا رند تادرراه
تطبیق آ ن قد م بر دا رند دروهلهٔ
اول برای تأمین امنیت عا م و تا م
جهت تطبیق و دوا م اصلا حا ت
دمو کرا تیك ار ضی و حل مسئلهٔ
آب پا سدا را ن اسلحه بد ســت
یعنی اردو ی د لیر و با شهـا مت
افغا نستا ن و قوا ی قهر مـان
خار ندو ی و ظیفهٔ مهم و خطیـــر
دا رند و لی چنا نچه در عمل ثابت
شده است که اردو ی قهر ما ن
و خار ندو ی هما نطور یکه تا حال
ضربات کمر شکن بر ضد انقلا ب
و ارد سا خته اند در تأمین امنیت
جهت تطبیق اصلا حا ت ار ضــی
وغیر ه نیز پا یمر دا نه عمـــل
خواهند نمود و با مسو لین‌حزبی
وذولتی که مسوو ل انجا م کارهای
مهم فو ق هستند ما نند همیشـــه
پا یمر دا نه همکا ری ومسا عد ت
خوا هند نمود . هکذا کلیه سا زمان
ها ی حزبی ودو لتی چه د ر مراکز
ولا یا ت و چه د رولسوا لی ها ،
علا قه دا ری ها و قر أ با یـــد
با جد یت بیشتر از پیشتر کمـــر
عمل ببند ند و این مأمو ل را به
وجه احسن انجا م دهند . سا زمان
ها ی اجتما عی ا عم از جوا نا ن ،
زنا ن و د یگر اتحادیه ها ی صنفی
نیز مسئوولیت فرا وا ن در اجرای
این امرمهم به عهده دا رند . وسایل

تاشب چراغ دریا

تاشب چراغ در یا ...

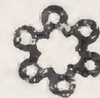
روی دریای گران را چشمه دید
جویبار جان به دریا هارسید
ای گل غافل درین سبزینه دشت
اشك و خون است ونه آب این–
سر گذشت
حال ما در لرزش شبنم ببین
یاد مارا پاك دارای نازنین !
بانگ دریا تا بر آمد از گلو
ریختند از هر کناری سوی او
چشمه سار و جویبار وشط ورورد
هر کجا هرجان جوشانی که‌بود
نیز من یکتن زره پو یان شدم
جستجو ی جمع را جو یان‌شدم
از تبار کو هسارم ابرزاد
سر بلند و پاکدل آزادوشاد
قطره ای بود م زباران آمدم
تابه جشن جویبا ران آمدم
بس دویدم از میان تل و تنگ
بار ها پاوسرم آمد به سنگ
سخره های سخت بالم کوفتند
باد های سهم یا لم روفتند
دشت تشنه می کشا نیدم به خاك
تندی هر تنده متی کردم هلاك
هم رهانـــدم جان زپیچ و تاب ها
هم رهاندم جان زپیچ و تاب هــا
گاه‌زیر شاخه ها پنهان شدم
گاه همچون نقره‌ای عریان‌شدم
درعلف های مشوش ریختم
با زمین و آسمان آمیختم
سر زنش ها خوردم از گل خارها
پیکرم پر خون شد از پیکار ها
پای اما پس نبردم از نبرد

کردم آن کاری که می بایست–
کرد
هر که را اند یشه این راه بود
پیش بردم پیش بردم باسرود
سال ها بگذشت سنگین روزو شب
تا چو مشتا قان رسیدم بر مصب
اینك چوآن دریای دیگر گونه مساز
پای تا سر شور با آغوش باز
کو هه های موج و با نک وشورها
با زی آیینه ها و نور ها
پیچو تاب وزیر وبالا های آب
در میان بازوان آفتا ب
واله و مشتاق در هم تا ختیم
نغمه ها در نغمه ها انداختیم
تا گر فتم دا من گردا ب ها
سر برآوردم به بام آب ها
خورد گشتم در درشتی های موج
تا زپشت موج ها رفتم به اوج
تاز در یاتا مرا در بر گرفت
دا یه دریا مراد ربر گرفت
سر نهادم همچو طفلی پر فغان
بر سر پرسینه‌درخود طپان
بر سرآن سینه بی پا می شدم
قطره قطره موج و دریا می شـــد
خوانده می شد شعرمن از هرکنا
با لبنان و با دهان بـــی شمـــا

بسم الله نزهت

کمندزلف

زخجلت آب میسازد دها نت‌غنچه‌گل را
ز شو خی‌میکند باطل دو چشمت سحر بابل‌را
مده از شانه بر باداینقدر ایشوخ کاکل را
مبادابشکنانی‌رو نــق بـــازار سنبــل را
وا گر نه چشم شو خت قصد قتل‌عاشقان دارد
چرا هر دم‌زمژ گان میز ند تیر تغا فـــل را
به بزم وصل ،عاشق‌کی تواندکردخود داری
که‌بلبل میشوددیوا نه چـــون بیند رخ گـــل را
نخستین درس مکتب خانه عشـق‌است جانبازی
بیا پروانه‌سر مشقی بده امشب تو بلبل را
به تدبیر از کمند زلف او کی‌می‌توان رستن
که راهی‌نیست در ظلمت ترا فکر و تـا مل‌را
چو قمری از مقا لت در معنی‌می‌بلبل را
بیا درس سخن در گلستان‌آموز چکد «نزهت»



ستاحسن

یاره څـــه شوداستا حسن‌اوبشره
چی خجل ورته آسمان کی‌زه‌قمـــره
خدا یه څه شو له د حسن‌هغه شمعه
چی به زه په سوزید مه تـرسحـره
هم به ستورو په آسمان کی‌خوشحالی‌کړه
نن می نه راځی تره‌نستوری‌تر نظره
په هر وخت په هر زمان تراوتـازه ؤ
چا خزا ن کړ ځما د مینـی‌صنو بـره
ټپس لاړ و د یو څو شیبومیلمه ؤ
خنکه تیر شو ستا د حسن‌مازدیگره
که گلو نه په کی گل شو نه‌غوټی شوی
څنکه تیر شو دا بهـــار می‌نـا خبره
چی همیش په کی د مینـی‌نشانی وی
چا تا لا کړلو د ستر گو تـــره‌گــو هره
دا مید هغه غوټی شوه پاڼی‌پـــا نی
چی په طعمه ورته نا ست‌ؤم‌دثمـــره
که خبر وی چه ځما بر خی‌به‌داو ی
کاشکی نه می دی دلیلی ای دتبـره‌دلبـره
بی دیدنه را نه بنکلی یار رخصت شو

دوصل خاطری

ولولی می په زړگی کی ستادمینی ترانی شی
را ښکاره چی ستا په سترگوکی‌د اوښکو د ردا نی شی
ه او ته به هم سا قی ته خواست‌کوو دسرو شرا بو
که یو څلی چیری خـلاصی‌داتړ لی میخا نی شی
تصور می چی په خیال کی ستاخوږی غیږی ته بوځی
ستا د زلفو هر یو تار می دخیا لونو زولنی شی
چی را یاد می‌تلوسو ته ستادسروشونډ ومینا شی
په محفل کی د رند انو را نه‌هیری پیما نی شی
ترمی او ښکی چی می توی شوی‌ستا د هجر په تور تم کی
ترینه جوړی به جهان د محبت‌کی‌افسا نی شی
دژوند ون په کړ لیچو نو کی‌پیداراته سترې تیا شی
چی را یادی د ځوانی می‌هغه تیری‌زما نی شی
چی خوږ ی ، خماری سترگی ته‌راپور ته په مکین کړی
وسو سو د ځوریدو ته زما جوړی‌بهانی شی
زه (زړه سواند)به ورته پو خ کړمه‌کباب دزړه له غو ښو
که لیمو کی خاطری‌می‌ستاد وصل‌میلمنی شی
١٥٣٦ر٢ر٦



منشی علیر ضا«ر ضا»

آب حیات

گر دیده به لوح دل من‌نقش‌تو منقوس
مشکل‌که شو د یا د تو از سی
دلدادهٔ لطف تو محا ل ست‌زغیرت
غیر از‌تو کشد یار دیگر یا ر
از اطلس و دیبا شو ی قابل‌دیدار
آیینه‌که بیند رخ او گشتـ
بر مردم نا اهل نصیحـت‌نکند سود
دریست‌سخن نیست و لی لای

چشمهٔ حیوان

ب زلبت بوسه فراوان‌گیرم
ه خود را زتو تاوان‌گیرم
که لب چشمه حیوان‌گیرم
سم لب میگون ترا جان‌گیرم
دلم از دیدن آن تازه‌شود
لبت ایشوخ بد ندان‌گیرم
ی خود شکوه نما یم‌تاروز
امن آن زلف پریشان‌گیرم
یاید بخــــدا در نظرم
ی اگر حقه پستـــا ن‌گیرم
ی اگر چه طرب انگیــز بود
از چاك گر یبـــا ن‌گیر م
کرد چو بشنید که می‌گفت «سنا»
ز لبت بوسه فراوان‌گیرم

محمد اکبر «سنا» غز نوی

« ❋ »

«زړه سواند»

مړاوی ګلان

زړه کی پټی می دمینی خزانی‌دی
د غمو ښار ته جوړی بها نــــی دی
سا قی بیر ته تر ینه راغی وچی‌شونډی
چاتړلی در وازی د میخانی دی
ستا یا دو چی بیخودی په ماراوستی
زمالاس‌نه څپه شوی پـیمانـــی دی
څه چی دوا ړه وز تــه یو شو دزړه سره
داغیارو سر نو ی زو لنـــی دی
پس له مرګه به دریا دشمه څوځلی
تا ته‌پاتی زما ډیــری افسانی دی
د باغونو ګلان مړاوی ښکاره‌کیږی
څکه‌ورکی د بلبلو ترا نــــی دی
دا چی ستا یی په‌شعرو کی واړه ښکلـــی
مینی کړی پــه، «زړه سواند دغه کانی دی



حید ری وجو دی

سفر دروطن-خلوت درانجمن

بخیال برو دوشت ، چمنــی‌ساخته ام
چمــن‌تاز ه ، ز بر گ سمنی سا خته ام
از حریر غزل ناب که عشق‌وهنر است
به تــن‌نازك تو ، پیر هنـــی سا خته ا م
در رهٔ عشق ا مید است کــه‌منصور شو م
ازقدو زلف تو دارو رسنی سا خته ام
عشق ر نــدانه ام از کعبه‌وبتخا نه کشید
بدل‌خویش بت و بر همنی سا خته ام
به ا میدی که‌شو دکام‌وزبانی‌شیرین
سخنی‌از لب شکر د هنی سا ختـــه ام

مینای ناز

و امکند طومارا ستغنای‌ناز –
ی گان او قد میکشد‌بالای‌ناز
شکل که گرد د ما یل‌آغوش من
برده اند از گردن‌مینای‌ناز
میکشد دا من تماشاکردنیست
های نیاز و بی نیازی‌های ناز
امان خیال ما چمن مــی‌پرورد
د یم از بهار جلوه اش‌گلهای ناز

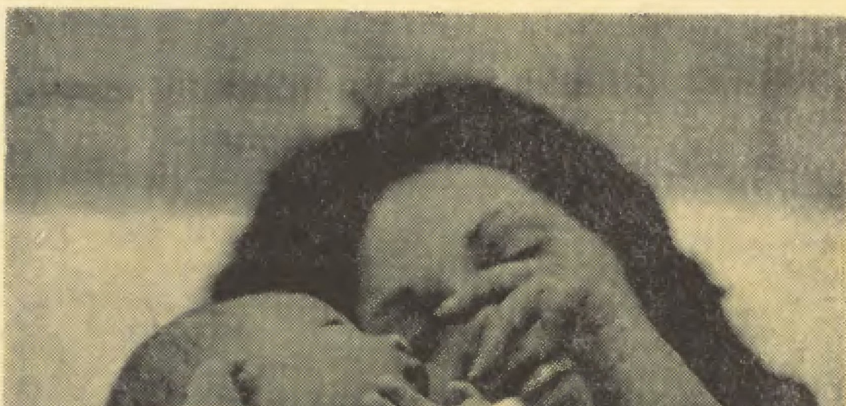
رسالت‌خانواده‌ها درقبال فرزندان

کانون پر محبت فامیل وخا نواده
اولین مدرسه ایست که فرزندان
ظایف آینده خویشرا از آنجا آغاز
ی کنند از محیط کو چك خانواده‌ها
جتماع امروز ی تشکیل می گردد
ربیت سا لم و پرو رش نیکو ی
مادران و پدران در خط مشی زند گی
عدی اهل فامیل نها یت ارزنده
ست .

تـر بیت و آمو زش کودك
ز همان ماه های نخستین آغاز می
گــردد و به تدریج رشد می کندو
گسترش می یابد هر گاه والدین در
مورد تربیت سا لم فرزندان علاقــه
دارند آموزش و پرورش‌درهر مرحله
بامیل ورغبت اطفال‌وفرزندان صورت
بگیرد، خانواده هاو اجتما ع مکلف
اند که با در نظر داشت نبض‌واقعی
خوا سته عصر و زمان رسا لــت
خویشرا ایفاء کنند. در ین‌باره بکوـ
شند تا فردای زند گی فرزندان میهن
عا لی و شگو فا ن باشند .

برای رسیدن به چنین هــد ف
والدین و مسوو لان اجتماع توجـه
خود را در باره معطوف داشته مانع
تکا مل شان نگردند بر خورد های
نادرست نها یت نتیجه منفی داشته
وتربیت سالم فرزندان را لطمه می
زند .

اکنون که در شرا یط انقلا بی‌قرار
داریم وطن و جا معه با ابعاد گسترده
بسوی تر قی و تعا لی پیش میرود
والدین بخصو ص زنان منور و خا نه
دار می فهمند که شرا یط امروزی با
شرایط دیروزی فر توت فرق می‌کند
ونباید خانواده ها در مقا بل خواست
جا معه و فرزندان خود عقب گرا
باشند . جوانان و نو جوانان امروزی
که‌خواه‌پسر ودختر که مردان کارساز
آینده کشور اند به یقین کامل بــا
داشتن تربیت سالم‌وروح وطنپرستی
اراده و متا نت شایستگی و کفا یت
به کشوروطن مفید باشند وفرزندان
چنان تر بیت شوند که خد مت بــه
توده ها ی و سیع مردم خدمت به



ریزش موج...
شیوع امرا...
مختلف اطـ...

ریزش یك مرض انتقا...
می باشد و باید اطفال از...
ریزش داشته باشد دور...
شوند شا ید در مورد...
کلان ریزش جزیی تلقی‌ش...
اطفال ممکن است مرض...
الریه یا سینه بغل را بـ...
طفل مبتلای ریزش‌باید از...
دور نهگدا شته شود ا...
حرارت ٦٥ تا ٧٠ بستر...
خاموش یك بخش ضروری...
ریزش می باشد ر یز شـ...
سر ایت کرده باشد تنفـ...
می سازد وقتیکه طفل سـ...
مفید خواهد بود .

اگر با هوا یکجا بخار...
کند این کار را بانهادن...
اتاق کو چك با گذاشتن...
آب جوش اجرا می توان...
هوای بخار دار روز انه...
مرتبه برای مدت. ١٠ د...
قاعد تا او را مستریح...
سا خت‌هر گاه این کار قبـ...
غذای طفل صورت بگیرد...
طفل‌را به مراتب بهترسـ...
خود را به آسا نی میل...

هر گز بدون مشورت...
دواهاو چکا ند نی ها ی...
بینی طفل نه باید انداخـ...
بینی باز باشد کوشش...
طفل با تکه نرم و تازه پا...
شود البته بعضی اوقات...
بینی طفل توسط مسکه...
مفید است چون بدین...
از تاثیر سو زنده آب...
می ماند عموما ازدوام...
ریزش امراض گو نا گـ...
متو جه می شود از قبیل...
سرخکان گلو دردی گوشـ...
همه این ها مرا قبت دقـ...
بدکتور و متخصص اطفا...
می نماید . مخصو صا سـ...
یك مرض وخیم بوده از...

هدف نیك در زند گی

کی توام با هدف‌است
دگی می باشد و آنکه
کس بدون هدف بـــه
واد امه داده سخنیست
لیت . در چو کـــات
ی ، واز همین جـا
هدف فرع به میا ن
بـــدرا در تعیین آن

بعد زندگی را میتوا ن
نظر گرفت . نه هد ف
قدم اول تعیین وارزش
مستقیم بشخصیت‌فردی
ه عده از علما ی‌روا ـ
عقیده بر آنست کـــه
ی شخصیت از طر ف
طفال ترزیق می گردد .
یق و بروز آن در فرد
، اجمتاع قرار میکرد ،
ن همانا تاثیر فرد در
ی پس گفته می توانیم
راهم آوری اهداف نیك
صیت فردی اخـــلاق
آورد . که مرحله عمل
خود اخلاق‌اجتماعیست.

ی صو رت عکس تعییـن
که هدف بد است در
. راباز آورده که باعـث
ع می گردد . پس می
که همه در زندگی خود
ف نیك و بد در حرکتند
درو نی هر کســـس را
ملی می سازد که ازچشم
یده نیست و آن کسی
زندگی را پشت سرمی
ول بعضی ها بدون‌هدف
کند در حقیقت‌اوباآخرین
ود ن را می خوا هد .
نکه حتی از زند گـــی
و جرئت زندگی کردن
ست به انتحار میز نـــد
ین هدف او همانا خود۔
. که در این صورت‌آنکه

فردنیك و اجتماع نیك فقط و فقط در راه بدست آوردن این هد ف در حرکت است که حصول آن جـــز با تفکیك نیك و بدو سعی و مجا ـ هدت پیگیر در رفع‌بدی هاواخذنیکی ها میسر شده نمیتواند .

اطفال را راستگوی تربیه کنید

دروغگو یی خصلتی است کسبی که کودك در جریان زندگی‌اجتماعی در اثر تماس با محیط به آن عادت میکند ، ضرب المثل عا میانـــه ((راستی را ازاطفال خوردبپرسید)) بخوبی میتوا نیم درك کنم که ایـن گفته بکلی حقیقت دارد . تحقیقا ت روا نشناسی نشان داده است کـــه اکثرابیما ری های روانی اطفال زاده عادات زشت و نا پسند یده‌ای است که در آوان کودکی در اثر تماس‌با فامیل ،محیط و دوستان همبا زی گریبا نگیر ایشان گردیده است‌زیرا تبعیض ، حمایت های بیمـورد ، **مجازات جسمی** ، داد و فریاد ها ، بدخویی ها عصبانیت ها و صد ور فرمان های متناقص از طرف‌والدین در ردیف عواملی است که زمینه یك سلسله بیماری های روا نـــی طفل را مساعد میسازد . از همیـن جاست که طفل درو غگو را نمیتوان از یك حالت روانی سالم بهره مند دانست .



نگاهی به وضع کودکان در افریقای جنوبی

افر یقا ی جنو بی کشور زنـان ((ویلان))

در افر یقا جنو بی در نا حیـه بنا م ((سوو تو))شهر هـــا ی خوا بگا هی عظیمی مخصو صـــ سیا هپو ستا ن و جود دا رد که سفید ها حق و رود به آ ن‌راندارند

در این شهر ها ی مترو ك نـ میدا نی و جود دا رد و نه مو تر ی که گا ه از آن عبو ر کند .

سفید پو ستا ن افر یقا ی‌جنوبی این وضع را تحسین می کنـــ فعلا میگو یند .

((در یك چها ر م از خانه های این شهر ها آ ب و جود دا رد ۱۸ در صد از آنها هم از بر ق استفاده میکنند و حتی در بعضـ از محله ها که سیاه پو ستا ن پو لدا ر زند گی میکنند تلو یز یو نه وجود دا رد)) واین البته د رنظـ سفید پو ستا ن برای سیا هپو ـ ستا ن زیاد است .

در هر یك از این خا نه ها ی کو چك نا حیه بسوو تو))که‌دو چها ر اطا ق دارد بطور متو سـ ۱۵ تا ۲۰ نفر زندگی میکنند و تاز زند گی کرد ن در همین شهرها هو لنا ك نیز برای سیا ه پو ستا امتیا ز بزرگی است . زنی ا زسا کنا ن این شهر ها می گفت :

اکنو ن پنج سا ل است که مـ تقا ضا ی یك خا نه کرد ه ا م تا امروز به من گفته اند .

صبر کن درست خوا هد شد .

خود تا ن نگا ه کنید و ببینیـ من با بچه ا م در کجا زند گـــ میکنیم بلی خا نه این ز ن لا نه‌ا بود از قو طی ها ی مقوا ئـــ سا خته شده بود تاز ه سیاه پو ستان برای کسب اجا زه اقا مـ در همین شهر ها نیز باید وا جـ شرایط ویژه‌ای با شند ـ از جمل اینکه با ید از منطقه بد نیــــ آمد ه با شند و بدو ن غیبت درآنج زند گی کرده با شند .

از شگفتی های رنگارنگ جهان

جراحی مغز

این یك حقیقت انکا ر نا پذ یر
ست که‌ترکیبا ت حسا س دا خلی
ـ ن را مغز تشکیل نموده است
را سطه این مادهٔ حیا تی که
سان ما حو ل خود را در ك می
ند مر کز آخذ هٔ بد ن تأمین می
گر دد اگر صد مهٔ جز یی به مغز
سی بر سد او را از بین می برد
ه این قسم جرا حی مغز هم کار
ها یت د شوار است‌مگر‌متخصصین
بسیار ماهر و با تجر به می توا نند
ز عهدهٔ این کار برا یند .
پتر با در یکی از جر ا حا ن
مشهور مغز ا تحاد ی آلما ن که در
پو هنتو ن تخنیکی مو نشن‌مصروف
کا ر است برای نخستین بـــار
مو فق گردید ه است که بوا سطهٔ
پیو ند نمود ن ر گ ها ی جمجمه
با مغز ضر با ت و خیم و عوا قب
خطر نا ك آن را از بیـــن
ببرد .

طور یکه دید ه شد ه است‌حملات
مغزی عد ه زیاد ی از انسا نهـا
از ا ثر ضر با ت و مسدود شد ن
رگ ها بمیا ن می آید و ا گـر
تحت عملیهٔ جرا حی قرا ر نگیر د
از بین میرود .

شهر باستانی باقدامت ۳۰۰۰ س

در قسمت ها ی جنو بی قرغیز-
ستا ن اتحاد شوروی یك شهرخیلی
قدیمی پیدا شده است دا نشمندان
شعبهٔ با ستا نشنا سی لنیـــن
گراد در اکا دمی علو م اتحـــاد
شوروی درین سا حه یك عده‌آثار
با ارزش با ستانی پیدا کرده اندکه
قدا مت آنها دو هزار سا ل قبـل
از میلا د تثبیت گردیده اســت‌و
چنین معلو م گردید ه که یکهزار
سا ل قبل از تاریخ آثار کشـــف
شد هٔمذ کور ، این شهر مو جودبوده
است و به این تر تیب گفته مــی
توانیم که این شهر تاریخ ســه
هزار ساله دارد .

اکنو ن تقر یباً از سی سا ل‌به
این طر ف با ستا نشناسان‌مصروف
تحقیقات بالای این شهر
بود ه که در ا ثر آ ن یک
آثار مهم و با ارزش با
پیدا نموده اند . درین
در قسمت ها ی مر کز
شهر با ستانی که در د
کو ه سلما ن مو قعیت د
مربو ط به دو رهٔ (برو
زیر خا ك بر آمد ه است
این‌بنا ها یکعد ه آثار م
با شند گا ن آنو قت ش
آمده است از جمله یکتع
ا ست که از آنها بمقص
گندم وگدا م ها استفاد
است همچنان دا س سنگ
قد یمی مید ه کرد ن غ
قا بل یاد آو ری میبا

پرنده‌های عجیب زیلاند جدید

گفته می شود که در زیلا ندجدید
هنو ز هم حیوانا ت بو می بشکـل
بدو ی زند گی می نما یند وهمچنا-
نیکه نخستین پر ند گا ن درجهان
بشکل امرو ز ی پر ید ه نمــی
توا نستند و بتد ریج با تغییــر
شرایط زما ن و مکا ن پر ند گان
توا نستند که ابتدا از یك درخت
ودر دیگر جا ها پیدا نمی شــود
کیو ی به استثنای پا ها و نو ل‌خود
از د یگر پر ند گا ن تفا و ت‌ندارد
پوست این پر ند ه ما نند چر م
سخت است که ازآ ن بــو ت ،
دستکش و پو ش سپر می ساز ند
جنس ما دهٔ کیو ی فقط دوتخم‌سفید
مگر بسیا ر کلان میدهد که وزن

شگفت ترین موجودات

روی زمین !؟

نهنگ آبی بزرگتر ین حیوا ن‌در
جهان است که دارا ی صد فت طول
ویکصدو سی وپنج تن وز ن می‌باشد
که وز ن سی فیل است . به عباره
دیگر سی برابر فیل وز ن دارد .
سه متر ارتفا ع دارد ا
وز ن زیاد ش نمیتوا
مگر در قسمت دوش
به‌اسپ‌هم تیز تر و
دوبا ل کوتاه آن هنگ

آیا میدانید ؟

...ر ین متو ن جها ن‌الواح‌سو مر ی است‌که در ۵۰۰۰ سال
د نو شته شده است

ر ین زبان ها ی جهان‌زبا ن انگلیسی است که ۲۸۰میلیون
ا ن بدا ن تکلم میکنند

ر ین زبان دا ن.جها ن(کار دنیال جیو ژ پ کا سپا رمو-
) کتا بدا ر کتا بخا نـۀو ا تیکا ن بود که به ٦۰ زبـان
کلم می کرد و قادر بوداز ۱۱٤ ز بان و ۷۲ لهجه مطالـب
را بد قت تر جمــه کند .

عترین شهر جها ن د رتبت مو قعیت دارد این شهر کـه
از سطح بحر ار تفا ع‌دا رد ا سمش ((تها ری))است.

تن کلاه شپو سا بقـۀ بسیا ر طو لا نی دا رد و شا یـد
ین صنعت جها ن باشدزیرا سا می ها ، آسو ریها وپس
ر یها درین صنعت‌مهارت‌داشته اند .

بها تر ین کتا ب هـای‌جها ن کتا ب جد ید ا نجیل عهد
ت که رو ی پو ست‌نو شته شده و سا لو ار و ر دا لی
سا خته است این کتاب۱۸۵ کیلو گرا م و ز ن دارد وروی
مز ین به الما س وزمرداست .

یمی تر ین علمی که ا زابتدا ی خلقت بشر تا به ا مروز
سته است علم نجو م‌است‌که همراه با خلقت انسا ن‌بو جود

ی که ما ه بطر ف کر ۀزمین‌می‌فر ستد از یك ششصـد
صۀ نو ری که خو د ش‌از خو رشید می گیرد تجا وزنمیکند

کتر ین کتا ب چا پـی‌در سا ل ۱۹۵۸ چا پ شده است
ب ۱۱ در ۱۱ میلمتر قطع دارد .

ی تر ین کتا ب چا پی ،طو ما ری است که ٤ر۸۷ مترطول
ر روی آ ن ا حکا م بودائی‌ضبط شده و سپس کتا ب است‌که
ا ب مرا قبۀ بود ا ست‌که‌در ۹٤۹ میلا دی طبع گر د یـده
ن هر دو در مو زیم‌بریتانیامضبو ط است .

گر دد . طبقا ت کثیف و غلیـظ از ابر ها مشتر ی را ا حا طه‌نموده که در جۀ حرار ت در با لا ی‌این ابر ها به ۲٦۰ در جۀ فا رنها یت میر سد و این ابر ها متشکل از کرستال های منجمد شده ا مـو- نیا ك میبا شد و یك فر ق کلی با ابر ها ی زمین دارد .

تا اوا خر قر ن ۱۹ گما ن‌میرفت که‌رو شنی سیا رۀ مشتـر ی ا ز خود ش با شد واز آفتا ب نوراخذ نمی کند ولی بعد اً معلو م گر دید که این نظر یه درست نبو د ەو دلیل آنرا کم بود ن در جـۀ حرا ر ت سطح مشتر ی که بـه ۲۰۰ در جۀ فار نها یت در بعضی قسمت ها می رسد میدا نند.دا - نشمند ا ن درین اوا خر نظر یه یی را پیش نموده اند و ودربارۀ آن اظها ر نظر مینما یند کـــه مشتر ی تنها متشکل از گاز ها- ید روجن بوده که قسمت ا عـظم تر کیب آفتا ب و دیگر ستارگان

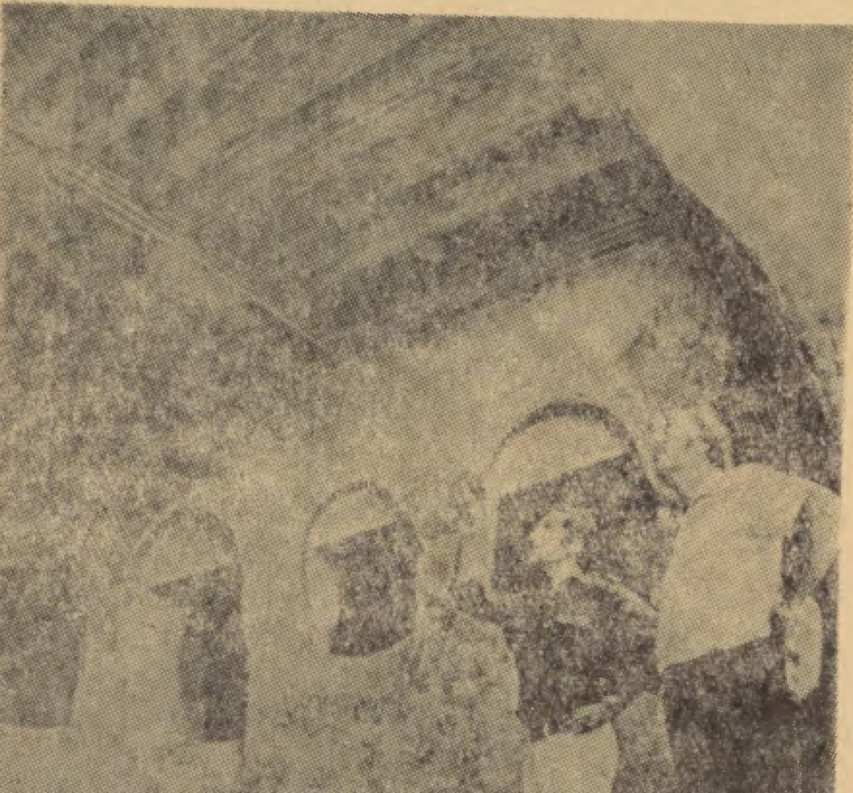
بقیه در صفحه ۵۵

مژده به باستانشناسان

پروفیسور او . کا تیست تادر و همکار ش در مورد پرابلم جلوگیری از فر سا یش د یوار هـای‌سنگی‌و محافظت آثار مهند سی با ستا نی معجزه میکنند .

وی و همکارانس برا ی دز یافت وسایل موثر که بتواند سطـو ح عمار ت را با ماده دا فع آب مجهز نماید چند ین سا ل تجسس‌نمو دند وکوشش کردند تا از تخر یـب و فرسا یش عمارا ت جلوگیر ی‌کنند. نتیجه ای که بدست آمد عبار ت از ماده هاید رو فو بیك میبا شد که‌از سلیکان وارگا ن ترکیب گر دید ه است .

پس از چند سا ل رو شن شدکه سطح تعمیر ی که توسط ماده ها- یدرو فو بیك تقو یه گردیده ، کمتر در معر ض تخریب قرار می گیرد در همین اکنو ن در این زمینه‌مطا - لعات جریا ن دارد تا اسلو بی‌بدست آید که به صور ت کل ، ساختما ن های قدیمی و تاریخی را از فرو - ریختن مصو ن نگهه دارد و استفاده آن عام گردد .



...رگترین سیاره نظام شمسی

یا بزر گتر ین سیا رۀ
ی ۱۲۰۰ مر تبه بزرگتر
ده که فا صلۀ آ ن ا ز
، میلیو ن میل میبا شـد
نسبت بزمین ۳۲۰مراتبه
ه حر کت و ضعی خود
ت ۹ سا عت و ۵۰ دقیقه
ا ید یعنی طو ل رو زدر
متر از ده سا عت مـی

دید ه می شود لیکن حر کت آ ن نسبت به حر کت زمین کند تـر است .

سر عت گرد ش این‌سیاره۲۲۰۰۰ میل فی ساعت است و درجـۀ حرار ت آ ن فو ق ا لعاد ه زیـاد بود ه رو ی این منظور زند گـی و حر کت در آن غیر ممکن است سطح مشتر ی متشکل از عناصری

بقیه صفحه ۳۲

نگاه مختصری به...

کا فی است که زنی به منا سبت
ملکیچند ما هی از شهر د ور
د ویا مد تی بیکا ر بو د ه ویا
ا ر شده با شد و یا حتی بـــا
د ی از دوا ج کند که در منطقــه
ر ز ند گی میکند این ز ن دیگرنه
این منطقه و نه در آ ن منطقه
چ جا نی ندارد .
در سا ل ها ی اخیر صد هـــا
زار نفر از سیا ه پو ستا ن را
منطقه سفید پو ست نشینبیرون
ند ه اند که اکثرا آنها را زنا ن
شکیل مید هند .
در نتیجه این عمل ده ها هزار
نواد ه از هم پا شیده اند وتنها
خوشی آنهااین استکه شا یـد
ا لی (۱۵) رو ز (دو را ن مر –
سی) را با هم بگذا رنند ایـــن
ان را به کجا می فر ستند !
به قو ل دو لت نژاد پر ســت
ر یقای جنو بی ((به زاد گا –
شان)) واین زاد گاه ها)) تنها
۱ در صد سراسر خـاك افریقای
وبی را تشکیل مید هد و عـده
سیا ری از سیا هپو ستا ن – رو–
شا ن هم از وجود این ((زاد گاه
)) خبر ندا رد .
هر کجا که خشك وبیدرختاست
فقر وبد بختی بیـــداد میکنـــد
زاد گاه)) آنها است ۹ ملیو ن
ن و مرد سیاه پو ستا ن در این
اد گا ه ها)) زند گی میکنند .
واز راه کشا و رزی ز ند گیخود
می گذ را نند . وضع زمین را

د ستمزد آنا ن را در جهت حفـظ
منا فع کار فرما یان سفید پوست–
پا ئین تر آورد .
زنا ن افر یقا ی جنو بی همرا ه
در کنار بر ادرا ن –شو هرا ن و
کو د کا ن خود در گیر نبر د ی بی
اما ن علیه رژ یم نژاد پر ســـت
افر یقا ی جنو بی هستند .
در دو را ن تظا هرا ت ســال
۱۹۷۶ در ((سوو تو)) صد ها زن
جوا ن د ستگیر و زندا نی شد ند
امار – حا لی از آنست که درسال
۱۹۷۷ جمعاً ۶۷۴۳ ز ن در افر یقای
جنو بی با ز دا شت یا زندا نـی
بوده . اند و هر روز صد ها نفر
از این زندا نیا ن در انتظا ر اجرای
حکم اعدام هستند . یکی از کسا نی
که سمبــول ارا ده و استقا مـت
صد ها ز نی است که در زندانهای
رژیم فا شیستی افر یقا ی جنو بی
بسر میبرند . ((دو رو کینیامبه))
نا م دا رد این ز ن قد یمتر یـــن
زندا ن سیاسی در افر یقا یجنوبی
است . که پس از گذا رند ن دوره
زندا ن)) کنو ن برای چهار میـن
بار به ۱۵ سا ل حبس محکو مشده
ودر حا ل حا ضر دو ره محکو میت
خود را می گذ راند .
زندا نیا ن سیاسی ز ن نیز –
هما نند د یگر زندا نیا ن تحـــت
وحشیا نه تر ین شکنجه ها قرا ر
می گیرد – و وضع آنا ن چندا ن
فر قی با مردا ن ز ندا نــــــی
ندا رد .
شر کت این زنا ن در مبا رزا تی
رها ئی بخشی – مستلز م از خود
گذ شتگی قا بل تحسینی از طرف
آنها ست و گذ شته از آ نهمیشه
همز ما ن با د ستگیر شد ن یـك
مرد زنی به عنوان ما در– همســر
ودختر وجود دارد که پا بـــه پای
او رنج می کشد .

منظومه دریغ

بشیر سخاورز

به فصل خشك سالی
جمله میگفتندکه :(استسقا نمازی
را گذاردن به کسی باید بیاید کـه
گیاه هرزه را از باغ هابدرود گوید
وزدمش همچون مسیحا مرده گلها
زنده گردند .)
وبا هم طرح میکردند .
که باید هم
چراغ آبی باران ، به دشتخشك
روشن کرد
کسی آمد که تفسیر کسانیبود.
وپرسید از همه مردم :

روز نهم حــوت بنـ
افر یقا ی جنو بی نا مگذ
است . در این رو ز در
تعداد ۲۵ هزار نفر از زنا
جنو بی به عنوا ناعترا
قوانین رژیم نژاد پر س
جنو بی و محکو م کرد ن
جمع شدند واین او ج م
زنا ن افر یقا ی جنو بی
آزادی – دفا ع از حقو
خود و دا شتن یك زند
مند برای کو د کا ن خ
روز فد را سیو ن د
بین المللی زنان)) به
نهم حوت روز زنان اف
جنو بی بیانیه انتشا ر
در این بیا نیه ضمن مح
اپار تاتاید دستا یشـ
افر یقا ی جنو بی و پش
مبا رزا ت به حق مرد
جنو بی گفته میشود .
((ما قدر ت ها ی امپ
امر یکا وانگلستا ن – ف
جمهوری فد را ل آلما ن
جا پا ن و سایر نیرو ه
را که از رژ یم ها ی
جنو ب افر یقا حما ی
همکاری میکنند قو یأ مح
واعلام میدا ر یم که ای
نقص اشکا ر قطعنا مه
ملل متحد و حر کتی کا
بر علیه جنبش ها ی آ
ملی و کلیه نیرو ها ی
بهصلحاست)) امروز
جنو بی نیرو ی عظیم ا
وکود ك برای غلبه بر
تبعیضـــی نــــژا دی
است . هیو لا ی که د
ها شخصیت ناحقوق
و آزاد ی ملیون ها سی
را به سر قت برده اس
کشور ها با تما م توا
در پیشا پیش آنها –

فه ۱۳

دریای‌مسکو...

ی آ ن استفاد ه مـی
خی از آنها دا را ی
ی ابتدایی تصفیه بوده
آنها فا قد آن بودند.

کوه به مقایسه. با دریا
رود خا نهٔ کو چکـی
ر جر یا ن سا لا نــه
هر ثا نیه ۱۰۹ متـــر
میبا شد ، در حا لیکـه
مس دا را ی ۲۶۰،رود–
۵۰۰ و راین ۲۵۰۰ متـر
ی ثا نیه میبا شد .

ها ی ۱۹۵۰ به هیــچ
نداده بود که از سواحل
بگیرد . مسکو ی ها به
د که آ ن روز هـــا
نیف تیل ، در یا را از
ته بود . در مر کزشهر
بندا ن شد ید ، بنا به
ت القلی ها و تیزا بهـا
یخ نمی بست . اما بر
جدید ی به طبیعـــت
فت . بر نا مه ا ی رو –
فته شد که‌و ضع زابه
داد .

سر ف غیر مسو و لا نه
ی به منظور نگهدا شت
ن منابع مصر ف‌آگاهانه
فته شد .

۱۹۶۰ حکو مت شوروی
وا حد سر تا سر ی‌را
استعمال آب را تنظیم و
قبت ذخا یر آبـــی را
ند . همزما ن با آ ن از
ر یها ی کشور ا فراد ی

در گا م نخست آنچه ا همیـــت دا شت عبار ت از حل معضلـــهٔ مجرا بو د. مبلغ ۱۰۵ بلیو ن روبل برای احیای رود خا نه مسکو ه و تصفیه آ ن در نظر گر فته شـــد آیا این مبلغ چکو نه به مصـــرف رسید ؟

گندا ب سر پو شیده ای‌به طول ۵۰۰ کیلو متر با کا نا لها و دستگاه ها ی بمبه سا خته شد تا مجرا ی شهر را از دریا منحر ف سا ختــه به دستگا ه ها ی تهو یه و تصفیــه هدا یت کند ، بستر در یا از گل ولای پا ك گردید . لا یه چها رمتری لجن دار آ ن عملا همهٔ عنا صرجدول مند لیف را در خود دا شت . بزر– گتر ین ما شین خا نهٔ تهو یه اروپا به نا م ((کو ر یا نوا)) ساخته شد که روزا نه سه میلیو ن متر مکعــب آب را تصفیه می کند . د ستگا ه ها ی تصفیه در شهر ها و حو مه‌ها در با لا و زیر در یا نیز بکار اندا– خته شده اند .

درسی از ایکا لو ژی ا جتماعی

تعیین سر نو شت در یای‌مسکوه مربو ط به تصمیم شهر دا ری و مقا ما ت بود . سا ختما ن یـــك مجرا مشا به به دریا ی مسکو ه به مرا تب از نصب دستگاه ها ی‌تصفیه کنند ه در آ ن د شوار تر بود. در قد م او ل با یستی موانع‌روانی – عا دا ت قد یمی کار ازمیان برده می شد .

مثلا هنگا می که یکی‌ازمفتیشین وزارت آب فد را سیو ن رو سیه یکی از شعبا ت فا بر یکه ای را به نسبت آنکه بدو ن تصفیه کـــا ر میکرد ، تعطیل نمود ، رئیس فا– بر یکه بید رنگ به وزیر مربوطش تیلیفو نی شکایت کرد که پـــلان پیش بینی شدهٔ تو لید به خطـــر موا جه گردید ه است . طبیعی‌است ولی خود شکایت کنند ه گا ن‌بخاطر نظرا ت غیر مسوو لا نه شا ن در استفاده از طبیعت رسماً تو بیــخ شد ند .

شو را ی شهر مسکو کا مـــلا پر قدر ت بوده و بر اسا س فیصله ها ی حکو مت در مورد کا ر بـــرد مقر را ت استفاده از طبیعت کنترول شد ید ی اعما ل می نما ید . این شورا بر روا نشنا سی د فتـــری اجراآت کلیشه ای منسوخ ا دا ری فا ئق گردید ه است .

طبیعی است که رسید ن به‌چنین نتا ئجی در سرا سر این کشـــور وسیع اند کی دشوار است .

و لی جای خو شی است کــــه اندا ختن کثا فا ت در آبها واهمال بخشی از رو ستا ییا ن دراستعمال کود و سا ئر مواد ز هر دارکیمیاوی بمرا تب کمتر شده است .اینکونه تخلفا ت خو شبختا نه به حدا قـــل خود رسیده‌اند .زیرا آگاهی افراد شهری و اجتما ع بلند ر فته است شا ید این امر عا مل اصلـــی باشد که در پشت سر اقداما ت جا ری بسو د اکا لو ژ ی انجا م مــــی گیرد .

تر جمه از :شمـــارهٔ اول ۱۹۸۲ سپو تینك

بقیه صفحه ۴۳

سیرغزل...

مرحو م محمد نبی وا صل دبیرامیر عبدالر حمن خان با پیرو ی‌از سبك خوا جه شیرا ز شعر گفـته‌است ودیوا نی هم ترتیب داده‌است گر چه اشعا ر او تقلید ی بیش‌نیست بااینهم از چند ین رهگذر در خور اهمیت است او ل اینکه یك تقلیـدبسیار خوب است و دو م ازین‌لحاظ که در آن زما ن که مکتب به‌اصطلاح‌هند ی در همه جا تسلط دا شت به پیرو ی از غزل حا فظ به نو به‌خودکار ی مهم است سو م اینکه مرحوم واصل در زمانی میزیست که فشارهای نا هنجار امیر مو صو ف نه‌تنها فضا ی اندیشه و فکر را تنگ‌نموده‌بلکه زند گی عاد ی مرد م را نیــز خفقا ن آور ساخته بود . در زمـــان‌امیر حبیب الله شهید نیز به پای مردی مر حو م نایب السلطنه نصرالله خان عده از شعـــــر ا ما نند مرحو م ندیم – قـــار ی – آزاد –مستغنی –و سر دار محمد عــزیز قتیل ومر حو م محمد علی نا یب‌غزنو ی بوجود آمدند که از مفا خر معاصرما به شمار میرو ند . اکنو ن‌وظیفه جنبش ا دبی کشور ا یـــن خوا هد بود که در راه هنر وادبیات‌من جمله غزل پو یشها و تلاشهای پیگیر به عمل آور ند ودر راه‌مولاناوسعد ی گامها ی مهم و ارزنده یی بردارند وبه هیچگونه کار کرد ی‌که‌غنا ی ادبی مارا از ار جمند ی و شکوه بیانداز دســـت نه یاز ند واین گنجینه ادبی راکه میرا ث‌گران بها ی گذشتگا ن ما ست با نوآوری‌ها وتازه گرا یی ها ی خود غنا ی تازه ی ببخشند . اکنو ن گفته‌های خود را با دو بیت از اصغر علی رو حی

نوسفران قلم و شعر و قصه

یك داستان کوتاه

نوشته : وحیداله عنایت حفیظی

درصنف ما

روز های اول شمول در فاکولته بود ، بچه ها با هم آشنایی نداشتند و در دنیای نابلدی و نا آشنایی قیلو قال عجیبی در دهلیز های فاکولته برپا بود ، همگی شاد معلوم می شدند ، زیرا نتیجه زحمات خود را گرفته بودند و شامل پو هنتون شده بودند . در صنف ما که صنف بسیار بزرگ بود تقریبا در حدود دو صد نفر درس می خواند یم ، خاموشی عجیبی بود ، هیچکس یك دیگر خود را خوب نمی شنا خت

یکی از شهر ، دیگری از روستابقیه هم از اینطرف و آنطرف جمع شده بودند به هر صورت ازاین ناآشنایی ها و نابلدی ها خیلی زیاد بود ،حتی شوخ ترین و بزله گوترین بچه های مکتب درین جا خامو شترین شده بودند بههر صورت ازاین نا اشنایی با توجه خاص سراپا مملواز اشتیاق به دروس استاد گوش میدا دند و بعد از ختم درس باز همان قیلو قال در دنیای نا آشنایی بود در میاناین قیل و قال بعضی ها در فکر طریق آموختن درس بودند ، و بعضی هم کتابچه ها را ورقك میزدند تا درس کتابچه ها را ورقك میزدند تا درس را حفظ کنند و خو را هم لایق و زحمتکش نشان دهند ، در میاناین همه حالات و احوالروز ها میگذشت و بچه ها آهسته آهسته با همدیگر و مقررات فاکولته آشنایی پیدا می

تار تار که تقریبا کل معلوم میشدو در وقت راه رفتن هم یك پایش کوتاهی می نمود ، گشتو گذارش را نیز کسی نداشت بسیار کاکه چون استادان و پرو فیسوران بود او از بچه های تیپیك روستا بود و نامش حمید بود ، حمید به زودترین فرصت سر و صدایی در صنفپیدا کرد و خود را چون اشخاص معروف بـه زود ترین وقت متجلی سا خت او در هر جای با هر کسی که رو- برو میشد ، با همان دید روستایی و قلب بی آلایش از خواندن کتاب هاییکه مطالعه می نمود در میان می گذاشت ، درین کنج صنف و آن صنف خلاصه در هر جایی با هر بچه سخناز دانش میزد تا خود را بافهم معرفی کند این معرفی کردن ها و کتاب خواندن هابالاخره اوراانگشت نما ساخت همگی او را به چشم احترام مینگرستند و فکر میکردند که همه چیز را میداند ، اما بعضی از بچه های شوخ و بزله گویصنف ما او را مسخره میکردند و میگفتند حمید جان چند کتاب مطالعه کردی و تو بسیار می فهمی ، از این قبیل گپ هامی زدند. امتحان رسیدهمگی برای سپری نمودن امتحان تیاری می گرفتند تا بتوانندد رجه خوببگیرند و موفق شوند ، حمید که در روز های عادی سرو صدا یش زیاد بود و حتی استادان فکر میکردند کهاو می فهمد اما امتحاناورا چون صدف نمایان ساخت در هر مضمون نمره

ها را مملو ساخت و همگی حمیدجان را درك کردند این هم برای شناخت او کافی نبود و از دهلیز ها نیز نور شتابان معرفت او فرارفت و فضای پوهنتون را در بر گرفت . خلاصه او از دانش خود ساخته خود در عذاب شدو از چشم بچه ها خود را پنهان کرد ، چندی بعد از گوشه نیشنی ، آوازه عشق و عاشقی اش به گوش ها طنین انداز شد . اودیگر از این دانش خود ساخته خود سیلی خورد و نتوا نست از آن راه درقلب روف دختران جاگیرد وآن رافریفته دانش خود سازد ، دیگر صاف و پوست کنده عاشقشد ،دل داد ودل باخت ، مشعوقه اش یکی ازدختران پوهنځی ادبیات بود . دارای قد بلند و مو های قلاچ قلاچ که در هنگام نسیم چون امواج دریا سرازیرمیشد و راه رفتنش چون کوك زرین بود و همگی را مجذوب خود می ساخت یك دختر پر زرق و برق و باآلایش آنچنان که دانید بود .

وی از نظر سطح زندگی هم بـا حمید خیلی زیاد تفاوت داشت ، اواز یك خانواده متمول بود ، خلاصه هر چه بود حمید عاشقش شده بود و دلباختهبود وآندخترك خدای قلبش شده بود و حمید دیگر نمی توانست او را از قلب خود بکشد و از عشق او پا بیرون نماید حمید نمیدانست چه کند ، به کی مراجعه کند و با کی درد قلبش را در میان گذارد ، چون میترسید که بچه ها باز او را مسخره نکنند و بالایش ریشخنـد نزنند . این درد عشق دیگر او را سرا سیمه ساخته و خیلی زیاد از اندازه آزارش میداد و قلبش راچون آتش میسو خت و رنگش چـــون زعفران زرد شده بود ریشی انبوهاش و مو های ژولیده اش او را چـــون مجنون ساخته بود ، بالاخره بعد از چرت و فکر زیاد یـك راه حل پیدا کرد ، اما آن راه حل هم که ارتباط به یکی از دختران هم صنفی مـــا داشت ، آنقدر ساده نبود ، حمید برای حل موضوع چندی به ایـــن

مطلب خود رابهآن دخترك ما در حالیکه زبانش بند کرد گفت ، مه ، مه یك گویم دخترك گفت بفرم در حالیکه پیشانیش عر و سرا پایش می لرزید

بالایش ریشخند نزند گ مه «زبانش کلالت پیدا پیشا نیش روی گونه ه زیر شد،» آنگاه دستمال کشید و عرق خود را پا بار خواست بسیار با اما هنگامی که آغاز کرد بند بند شد اما این بار مطلب خود را این طور جان مه ، مه، یکدختر ر دارم که ، که در پوهن درس میخواند ، همرای کنو برایآن دختر بگوک دلباخته وحمیدمجنونت و حمید مجنونت گشته شب و روز خواب ندار میکنم که این حرف ه بکو وگرنه حمید از بی حمید خانه خراب میشود حمید تباه میشود .»

دخترك هم صنفیما جان این کار مشکل اس نمی توانم ، اشك های چشما نشــس سرا شد و گفت : «قمر من آوردیم ، دست من و این گپ مرا برایش بر اشك های او را می بی حال او می سوزد ، م می گویم ، «این خو گف بلای خدا بود» دیگر می گفت گفتید یا نه مجبور شد تا احوال ع به آن دختر برساند ، مشکل مطلب را باآن گذاشتقمر گفت،می ب کار دارم .

دختر گفت بفرمائید

قمر گفت : (ولامه

شاید نام حمیــد را
، بلی بلی شنیده ام
چند بار عاشق‌شده!
مر گفت : (او شما را
او خــواستن خـواه

حالیکـــه خنــده سر
حرکات عجیب وغریب
اشق شده ، عاشق ـ
ق شده ، به مه چی
» و از این قبیل گپ
ند ورد و بـد بسیار
ی خود را طرف قمر
خند گفت بروید و
که او شما را دوست
یگر این قسم خواب و
ه خود جای ندهد پای
کلیم خود دراز کند ،
این حرف ها مـــات
، و بسیار جگر خون
ت چه‌کند و به‌سکوت

: چرت نزنید بروید
یید ، قمر گفت میروم
یم .

وز که حمید جان بی
را به سحر رسانیده‌بود
نده و در راه زمزمه‌ـ
میگفت خدا کند که آن
مرا که به قمر گفته‌ام
، نماید در همین (خیال
د غرق بود که یکـبار
صدازد خبردار خبردار
چی‌وان‌طومارچرت‌های
ساخت و دو باره به
ردید که نزدیک فاکولته
قلبش‌به‌ضربان آمده‌بود
ی میکرد ، یکبار بــه
میرفت بعدبیرون‌میامد
طرف قدم می زد و
های سرویس بود که
به قمر افتاد و خوش
را برایش می آورد ،
بر نداشت که او چه
رد ، هر قدر قمــر

قبول نکرد .بسیار رویه اش زشت بود و گفت» بعد سکوت کرد، حمید گفت : «خواهش میکنم‌زود تربگو یید چه گفت» قمر که می فهمید گفتن این گپ چقدر برای حمید دشوار‌تمام میشود اما چاره نداشت ، باید می

گفت حمید در حالیکه سرا پایش می لرزید و زیر تاثیر قرار گرفته بود گفت (لطفا خواهش میکنم بگوئید) قمر گفت ، (حمید جان،شف شف‌نی شفتا لو) که‌آن دختر شما را دوست ندارد ، و گفته از سرم دست وردار

شوید ، حمید با شنیدن این عبارت رنگ برد و رنگ آورد و تتله تتله گفت (او، اودوست ندارد ، این...) «مه باختم» همین کلمه را اداء کرده و به راهش ادامه داد و سرا نجام پشت نخود سیاه رفت .

نصیر احمد حسینیار

تابش‌نور در تاریکی‌ها

زندگی دردنیا بی‌رنج وبی شادی نیست .

در یك قر یه فا میل ها ی‌زندگی می کرد که زیر دست یك عـــده استثمار گر بود . در این فا میل‌ها یك دهقا نی در ك کرده بود که تا بکی زیر دست استثمار گرا ن‌باشیم اوهمیشه به دهاقین می گفت : ما چرا وتابکی زیر یو غ استثما رگران باشیم ؟ دها قین برا یش میگفت‌تو دیوانه شده ای .

این دهقان یك بچهٔ خرد دا شت. روزی پسر دهقا ن مریض شد ، او که از خا ن بسیار بد می برد زنش به او پیش نهاد کرد که از خان پول قرضه بگیرد .

او چون دچار مشکلات بود رفت پیش خا ن و گفت خا ن صا حب پسرم مریض است . پشت پول‌آمده ام . خان برا یش گفت زمینت را گرو می کنی ؟ دهقا ن گفت من یـك زمین دارم وآنرا هم گرو کنم ؟ ....

معلو ما ت کرده پیش یك داکتررفت وتما م قصه هارا برا ی داکتر کرد. داکتر پسر دهقا ن راتداو ی کرد . پسر دهقان خو ب شده بود داکتر برای دهقان گفت درآنجامکتب‌نیست پسر ت راپیش من بما ن . چو ن داکتر احسا نی کرده بود سخنش راقبو ل کردند .

دهقان وزنش هر دو پس به‌قریه رفتند . چند سا ل گذشت دهقا ن وزنش مقدار ی پو ل جمع کر دند. باز به شهر رفتند . در آنجا قدیمی که رفتند ، داکتر فو ت کرده بود وخانواده اش از آنجا کو چ کرده‌بود دهقا ن وزنش نو میدا نه به‌قر یه برگشتند ده سا ل گذشت دهقا ن وزنش سخت ترین لحظه ها ی‌زندگی راسپر ی می کردند .

پسر دهقان در آنجا مکتــب و پوهنتو ن را خلاص کرده بود وکار می کرد . پسر دهقا ن می فهمید که پدر و مادر اصلی او داکتر و زنش

داکتر تما م قصه رابرا ی پســر دهقا ن کرد . پسر دهقا ن از مادر خود اجازه گر فت که پیش ما در اصلی خود برود . زن داکتر برا ی پسر دهقا ن اجازه داد . پسر اصلی دهقان به آن قر یه آمد که‌زن داکتر برایش گفته بود . در آنجا مردپیری پیش رو یش آمد . برا ی این مرد ، پیر گفت کسی را در اینجا می‌شنا سی که زن و شو هر تنها با شد ؟

مرد پیر برا یش گفت سا لـــها پیش زن وشو هر ی با پسر شا ن به شهر رفتند و قتی که پس‌آمدند پسر همراه شا ن نبود . پسردهقان گفت خانه شا ن رابرا ی من نشا ن می دهی ؟ پسر دهقا ن از پیره مرد نشا نی خانه شا ن راگر فت . به خانه خود رفت ((وتك تك))ندپدرش دروازه کوچه را برایش باز کرد . پدرش پسر خود را شنا خت . در آغوش کشید وفر یاد زد . زنش‌که در خانه بود وار خطا شد وازخا نه برآمد پسر خود را دید ، مرد م همه قریه جمع شدند . دهقا ن به همه مردم می گفت پسر م آمد . پسربه خانه رفت وبه مادر خود گفت مادر جان چرا به این حقار ت زند گی‌می نمایید مادرش تما م قصه رابرا یش کرد او عهد کرد که خا ن را بکشد اما بعد پشیما ن شد و تصمیم‌گرفت همه دهقانا ن را از مظالم خا ن آگاه کندو به مردم ده آگهی دهد .

روز ی که دهقا نا ن مز دو راز کار دست کشیدند . خان خبر شد

میان فرستاده‌های شما:شعر - قصه - مقاله - حکایـ

د نجیب افغان :

مینه، مینه، مینه

مینه د ژوند ون دو همه ښکلی
وم دی .

مینه د انسان د بی روحه ساړه
ن، تود روح دی .

مینه د خو شحالی په نازك بلورین
جام کی د خواږه غم سره شراب
دی .

مینه د هستی د زلالی چینی څخه
را بهر سوی زرینه‌له امیده ډکه‌فواره
ده .

مینه‌ابد یت دی د بی پایان څخه
تر بی پایا نه پوری .

مینه د عبارت لوړ مقد س معبد
دی .

مینه د بشر ی نهاد له احساسه
ډك زمز مه لرو نکی ږغ دی .

مینه دهر پیدا ینبت اصیل‌جوهر
دی .

مینه د ځوانی ، ښکلا، او هوس
دسرو گلو نو څخه جوړه ښکلی
گلدسته ده .

مینه د معصو م نازك زړه پاریدلی
تود احساس دی .

مینه د زرغو نو هیـــلو او سرو
ارزو گانو څخه بیناد زړه پـــــر
آسمان رنگین ده «قزح قوس» دی.

مینه هغه مرموز ظریف ځنځیر
دی چی ستر گی یی‌نه‌وینی خوزړو نه
دتل لپاره تړی .

مینه هغه ملکو تی لطیف ږغ دی
چی روح ته لا فنا نغمه هد یـــه
کوی .

مینه د پا کو زړو نو د ښکلـــی
وصال وریښمین پا لنگ دی.

مینه هغه نور دی چی د سینی‌پر

کیدو نکی قا فله ده چی آغاز اوانجام
نلری .

مینه د تن د آسمان همیشنـــی
ځلانده بریښناده .

مینه د هغه انگارین او رسوځو-
نکی لمبه ده چی آتشکده یی د تـــل
لپاره ځلی .

مینه د هغه پخوا نی قلمی دیوان
نوم دی چی یوازی د نازاونیاز دوه
حرفه پکښی لیك دی .

مینه د عرش او فرش تر منځ د
فاصلی زرین وزر لرو نکی مسا فر
الو تو نکی دی .

مینه دوصال پر کهکشان هغـه
سپینه اوریځ ده چی‌دبی تا بی باران
اوروی .

مینه د زړه د سره گلاب تند عطر
آنی بوی دی چی د هیلو بیده چوپتیا
آرامه آرامه را ویښوی .

مینه د عا لم د پیښو لازم اتفاق
دی چی هره شیبه یی د پیښو څخه
ډکه ده .

مینه اور غورځو نکی غر دی چی
هره سکروټه یی د رازه ډك تـــود
شعر بیا نوی .

مینه یوازنی سور روښانه شمـــع
دی چی پخپله نه سو ځی خو پروا نه
ایری کوی .

مینه هغه وړین سور لبا س دی
چی هر قیص مجنونوی .

مینه د رنگا رنگ‌بیلو بیلو گلونو
دښکلو خو شبو یو پا ښو باران
دی .

مینه د رو ښانه بخت ستوری‌نه
بلکه د هیلو پر افق زرین لمـــر

مینه هغه اواز دی چی د رگ رگ
وینه یی د زړه د ساز سره مـل د
سندری په ځیر بیا نو ی .

مینه د آه او فریاد درد او غم په
ځلور و خوا ؤکی را چا پیر سوی
زرغون باغ دی .

مینه د زمان هغه الو تلی پسته
وږمه ده چی نه تم کیږی نه‌پـــر
شا ځی .

مینه د راز و حرم ته هغه یوازنی
اوږده لار ده چی په دروازه کی یی
شنه تیره اغزی کرل سویدی .

مینه د بشر هغه‌ښکلی تصویر دی
چی تر یوی ستر گی یی د خنـــدا
ملغلری او تر بلی ستر گی یی د
ژړا ترمی او ښکی څاڅی .

مینه هغه خوږه نړ یوا له ژبه‌ده
چی ټو له زیرو حه خبری پـــــه
کوی .

مینه د سپینو سپینو خندا نـــو
ستور و هغه ځینه ده چی روح دالفت
وفلك الا فلاك ته رسوی .

مینه هغه سره کر ښه ده چی د
انسا نیت او وحشت تر منځ سرحد
ټا کی .

مینه هغه پو ست نسیم دی چی
دټولی نړی محفل یی د پــــو ست
گرانښت څخه ډك کړیدی .

مینه د روح له لطیفی کړ کی‌څخه ده .

دزړه تر تل پوری د گل
ځیر نفوذ کوی .

مینه هغه مهر با نه
انسا نیت د ما شوم ته د
تی څخه دا بری بقا خو
شیدی ورکوی .

مینه هغه الهام چی د
پاکو زړو نو تر منځ د ن
سفر کوی .

مینه د زړه هغه بی
خزا نه ده چی نه د قارو
سلیمان خزا نی ورسره
سی .

مینه هغه نا ببره آسـ
دی چی د روح هسکی‌ک
لړزا راولی.

مینه هغه یا قو تین
دی چی د هر درو یش خ
جوړوی .

مینه د هغو ځلور وش
بیده توده مچه ده چی
وصلت سره یو ځای د
ویښیږی .

مینه یوا زنی بی علا
ده چی هم په وصلت
بیلتون کی زړه ته نرم

مینه هغه همیشنی
دی چی هیڅکله نه ړو

مینه د فلك ډیره ښ

نوای من

دلم از بلبل و سنبل، گل وپیمانه افتاده ،
قرار م از نیاز و ناز هـــر جانانه افتاده ،
دوانم من هردم در پی آن قلب پیراسته
نیازم از در هر درگه و میخانه افتاده ،
فراقم هست در سر از برای آن موجودی ،

ته پور ته سو ی د
تود کباب تور دود

په غاړه کی هغه زنار
ی ته شهرت وزکوی.
سر کښه غاړه ده چی
تم یی نسی کړولای،

د مری ښخه راو تلی
ړك غرغړ دی چی پر
و پر آسمان پیلبــو

ځو نکو هیلو د سرو

شرابو زر غو نه پیما نه ده چی په
پټه نه چنسل کیږی .

مینه تل د مین په ستر گو کی د
تو ما نی بحر د څپو په څیر ښکاره
موج وهی .

مینه هغه ما لگین خو ند دی چی د
مین په تود و او ښکو کی نغښتــی
وی .

مینه هغه ښکلی ځوانه پیغله ده چی
دوفا په نفس ژوند ی ، او هیڅ نــه
زړیږی .

مینه خاو ره ، خاو ره مینه ده

تاریخ مختصر شیمی

ی ظاهرا از زبان عبری
است . در زبان عبری
ی به معنی «راز ، پنهانی
است و این علم نیــز
ی بوده است طی هزاران
یخ بشر یت دانشی کـه
یده میشد تنها منحصر
ه اکسیر ها و عطر ها
ه ای از فلزات معد نی
بهجو جه نمی توانستند
ین آنها را تجزیه کنند.
هت بود که یو نا نیان
ش از میلاد آب راعنصر
پنداشتند حال آنکه در
تر کیبی از هیدر وژن
ی باشد . با اینحـــال
یم خوا ص بعضیعناصر
ختند و آندسته ازعناصر
ستند بشکل خا لص در
یند از یکد یگر تشخیص
مثلا «هومر» در«اودسیه»
یت می کند که چگو نه
برای ضد عفو نی کردن
س» پس‌از کشتاردشمنان
کی از خدایان اساطیــر
رد درآتش می سوزاندند
بدان معنی است که در
بشر با خوا ص گند-

تحقیقات و مطا لعات پنها نی .

در روز گاران‌قدیم‌علم شیمی‌پیشرفت زیادی نداشت .مطا لعه و تحقیق در باره پدیده ها و قوانین طبیعت بکلی در انحصار کاهنان و کشیشان سو- گند خورده ای بود که نمی توانستند راز کشفیات احتما لی خودرابااحدی فاش سازند .

کاهنا ن برای حفظ این اسرار حتی الفبای ، خاصی‌رابوجود آوردند ظاهرا علت‌پیدا یش خط قدیمی و پیچیده «هیرو گلیف» نیز همین‌بوده است .

کیمیا

طی قرو ن و سطی شیمی بعللــی که کم و بیش بعلت سا بق شبا هت داشت پیشر فت زیادی نکـــرد. کسانیکه در آن ایام زند گی خویش را وقف مطا لعه و تحقق در ایــن زمینه می کردند تجارب شیمیا یی‌را به‌امید وا هی کشف «کیمیا» یعنی سنگ سحر آمیزی که بتوا ند تمام فلزات را بیکد یگر تبد یل کنــد انجام میدادند . این تحقیقات جــز آنکه انجام دهندگان آنرا متهم بجا- دو گری نمایدنتیجه دیگری ندا شت.

حقیقتا نیز عجیب به نظر مـــی رسید که کسی بتواند بدون کمك وهمکاری اهریمن یا قــدرت اسرار

عده بسیاری با ین اتهام بهلا کت رسیدند . بنا براین جای تعجـــب نیست که هر گاه کسی بدو ن کو- چکترین قصد کشف کیمیا خود را برای انجام آزما یشها ی شیما یی آماده می سا خت از ترس آنکه مبادا بااتهام جا دو گری گرفتار شود وجان خود را در میان خر منها ی آتش‌از دست بدهد تجارب خودرا در اختفای کامل انجام میداد .

کیمیا گران یعنی شیمی دا نان قرون وسطی علایم عجیبی بکار مــی بردند که اکثر مردم وحتی بعضی از همکار انشان مفهوم آنها را نمی دانستند . این علایم از آثار و نوشته های اختر بینان گرفته میشد بـــه طوری که اغلب هر علا متی یکی از صورت های فلکی را نشان میداد.

کیمیا گری فقط در اوا خر قرن‌هفدهم واوایل قرن هجدهم بصورت دا نش حقیقی ، بنام شیمی در آمد. در آن عصر نخستین آکادمیها تا سیس شد و دا نشمندان می توانستنـــد آزادانه در آنجا گرد هم آیند و نتیجه مطا لعات و کشفیات و تجارب خود را با اطلاع یکد یگر بر سا نند. در سال ۱۶۰۳ اکادمی «دای لاینی» در شهر روم و در سال ۱۶۶۲ آکاد می انجمن پاد شا هی لندن و در سال ۱۶۶۶ اکا د می علوم پاریس‌تاسیس شد. آنگاه صنف های تدریس شیمی دایر گشت و نخستین رسا له هایی که بدانش جدید اختصاص داشت در سراسر اروپا طبع و نشر شد. در اثر این ابتکارات عده بیشما ری باشور و اشتیاق فراوان به تحصیل شیمی پر داختند . تجارب شیما یی رفته رفته فزو نی گرفت. قوانین جدیدی کشف شد که بسیار ی از آنها در عصر ما نیز دارای اهمیت فوق العاده ای است .

با گذ شت زمان دا نش شیمی برشته های گو نا گون تقسیم شد. در آغاز شیمی دانان تنها به مطالعه مواد معد نی می پر دا ختند اما از اوایل قرن نوز دهم به تر کیب ار- گانیسم های جاندار (حیوانات ونبا- تات) تو جه نمودند و بدینتر تیب نطفه شیمی آلی (عضوی) بسته شد. بنیان گذار این رشته جدید و مهم شیمی «وهلر» دانشمند آلما نی بود که در سال ۱۸۲۸ به سا ختن‌یوریا از طریق نستیز در آزمایشگاه خود توفیق یافت . این عمل قهر مانا نه افسا نه ای را در طبق آن مواد آلی فقط می تواند در دا خل بدن موجو- دات زنده وجود داشته باشد با طل سا خت .

آدم صفتم

آدم صفتم گبـــر ومسلما ن نپذ یر م
انسا نم و جزخصلت‌انسا ن نپـــذ یر م
در محکمهٔ با طل‌وحق‌حین قضـــا و ت
برخویشتنم لعنت وجدان نپذیرم
من از د ل در یا ی‌جبین در بکف آر م
همت بودم منت باران نپذیرم
هنگا م اجل گر بدهد آ ب حیا تـــم
نیم نفس از خضر هــم احسان‌نپذیرم
درکنج قناعت بدهم‌جان زکف اما
با ر گر م خوان کریمان نپذ یـــر م

سیر غزل درزبان دری

محمد اکبر ((سنا)) غز نو ی

غزل نو عی از انوا ع گو نا گون شعر در زبا ن در ی است که درنیمه دو م قر ن پنجم در دنیا ی پرعظمت وشکو همند ادبیا ت ما رد پا یـی برای خود پیدا کرده است .

این یك حقیقت مسلم و انکار نا پذیر است که غز ل پدیده است از دستاورد ها ی مرد م با استعدادو هنر ور ما که در طی تلا شـــها و پژو هشها ی پیگیرا د بیوفر هنگی آنان پابه عر صه هستی گذار یــده است آری هما نگو نه که گـــذ ـ شتگا ن بادا نش مادر بحو ر واوزان شعر نو آواریها و تازه گرایی هایی رابنیاد گذار ی کرده اند درزمینه نوعیت وچگونگی آن نیز به چنین ابتکارا تی دست یا زیده اند،مثنوی رباعی ـ مسمطات و غزل را (البته با شکل ومحتوا ی عرفانی و عشقی وبه مفهوم امروز ی آن) بو جود آوردند ، وبا مضمو ن آفر ینی ها واندیشه مندیها ی خود نه تنـــها ادبیا ت در ی سرا بلکه ادبیا ت عرب را نیز ار ج وشکو فا نی شگر فی بخشید ند .

قصیده که پیش از آن تا ریخ برای بیان مفا هیم وباز گو کرد نانگارها واحساس شا عر به کار برده میشد دیگر نمی توانست هما ننقش کهن رادر قبا ل پدیده ها ی نو و نمود ها ی تازه به منصه اجرا ء درآوردکه این ضرور ت اجتنا ب ناپذیر رامی توان باتحلیل مختصر ی ازاو ضا ع وشرایط هما نروز گار رد یا بی کرد.

حکو مت غز نویا ن که توا نسته بود نفو ذ خودرا در هند وایرا ن وخوارزم با توانا یی هر چه بیشتر گسترش دهد . پس از مر گ مسعود اول (٤٣٢) ه رو به ضعف وناتوانی گذاشت ودو لت ترکا ن سلجو قی کهپس از شکست مسعود در دند ـ انقان مرو مو جو دیت خود رابحیث یك قدر ت سیاسی تثبیت کرده و ایرا نرا از پیکر دو لت غزنوی جدا نموده بود آنقدر ها قدر تمند نبود واین یك حقیقت جا یا فته است که دولتها ی ضعیف نمیتوا نند با یك

شهید شده بود پرداخته است بدونجهت نیست .

همزما ن بااین رویداد ها یسیا ـ سی ـ رویداد مهمی د[...] ظهور پیوست وآن عبار ت از جهش کیفی تصو ف از مر [...] وریا ضت به مر حله عشق و محبتاست که پسا نتر ها به [...] خاشگرانه انجا مید . تصو ف کهقبل براین از زند گی عادی [...] بوده و صر ف به تز کیه نفس ازراه ریا ضت و دوری ا[...] پرداخت ارما ن والای خود را عشق بهانسا ن ورها یی انس[...] زار پستی وفرو مایگی قرار داد .برای بیان همه ایـــن [...] احسا س ها به زبا نی نیا ز بود کهباز تا بگر اند یشه ها[...] وتمایلات درو نی شا عر (شا عر یاز دربار گر یخته وبا ع[...] آمیخته) شده بتواند و همانا غیر ازغزل چیز دیگری نمیتوا[...] البته این بدا ن معنی نیست کـــهقصیده یکی و یکبار از [...] وادب کنا ر رفته با شد بلکهقصیدهسرا یی تادیر زما نی د[...] وقصیده سرا یا ن بزرگی ما نــندخاقانی ، ظهیر ـ انور [...] شیرازی پابه عر صه هستی مـــی گذار نـــــد . مگر د[...] آنان ساده گی شیرنــی وشــور وهیجا ن اشعار مکتب [...] وجو د ندار د .« البتهقصایدعرفانیحکیم سنا یی وامثا لش[...] مستثنی است)) استادظهیرفاریابیواو حد الدین انور ی [...] که دوا بر مرد شناخته شده ادبیات کشور مابه شمار میرو[...]

همیشه از داشتن استعداد هنریخود احساس رنجش کر[...] وطالع نا ساز گار شکوه سر دادهاند چنانچه ظهیر که [...] است نه کرسی اسما نرا در زیــرپا ی قزل ارسلان بگذا[...] قصا ید بسیار خو بش بدینگو نهشکوه آغاز یده است

مرا ز دست هنر ها ی خو یشتنفـــریاد

کههریکیبه دیگر گو نه داردم [...]

بزر گتر ز هنر در عــرا ق عیبینیســـت

زمن مپرس که ایـــن نام پر تو چ[...]

وبعد انز جا ر خود شــــــس را ازمدیحه سرا یی وتما ی[...] غزل اینسان بروز مید هد

ز شعر جنس غزل بهتر استآنهـــم نیست

بضا عتی کهتوان ساختن برا ن [...]

گهی لقب دهم آشفته ز نگیرا حـــــو ر

گهـــــیخطاب کنم مشت سفل[...]

با کـــمی دقت درین اشعا ربهوضا حت میتوا ن پی [...] ظهیر اینگو نه مد یحه سرا یی هایاعرا ق آمیز را مغا یر[...] خود میدانسته است و پسا نآدمیکه مجبور به اجرا ی ای[...] باشد اظهار ندا مت و پشیما نیمی کـــند .

انور ی هم که به گفته ها تفییکی از پیا مبرا ن سه [...] است در مذمت دستاورد های هنریخود که همانا مدیحه س[...] اینگو نه شکا یت راسر مید هد .

یارب این قاعده شعر بهگیتیکـــه نهـــاد

که چوجمعشعرا خیر دو گیتیش [...]

استاد بزرگوار شرو ا ن کـــهخاقا نی سخن ویرا م[...] طبع توانا یش سخن را ار جمند یخاص بخشیده است در[...] بالای خود از اینگو نه شکا یتهاو گله مند ی ها زیاد [...] که می گـــو ید .

دولتم بر ندا شت   ادب کاشکی کم‌طلب کر د می
ی ار عصای کلیم   به چو بش اد ب را ادب‌کردمی

وه هاو داد و فر یادهارا د راشعا ر استا ذا ن‌بزرگـ
ن ((که غز نه در آن‌سهم عمده یی دارد)) مانند رودکی
خی و منو چهری‌راهی‌نیست ـ زیرا داشتن منا عت وآزاد
رگی ها ی شعـــرا ی‌بزرگ این دوره است تا حد ی که
دبیا ت در ی فر خی‌که‌درسا ل ۴۲۹ هـ در غز نه چشـم
سیده است درتثبیـــت‌یکی از قصا ید غراو بی نظیر خود
خا صی بیا ن‌داشته‌است .

رد م با دو ست پس‌از جنگ دراز
هم بدا ن شرط‌که دیگر نکند با من نا ز

جاه و منزلتی که دارد بامعشو ق شر ط می بند د که‌دیگر
نند ببین تفـاو ت راه‌از کجا ست تابه کجا توا نایی مالی
سار حکو مت هـــا ی‌ساما نی وغزنو ی تما یلات آزمندانه
حو ی شایسته یی‌ارضاکرده می توانست و هم شا عر که
دو لت قدر تمند ملی‌ومستقل به شمار میر فت با غرور
داد سخن میداد .

یقت جا یا فته است‌که‌غزل این گو هر ار زنده وتابنا ك به
ن گرانقدر این سر زمین بر تار ك ادبیا ت ما گذاریده
تا جاییکه از دیـوا ن‌های دست داشته پیدا ست حکیم
دود ین آد م سنا یی‌غز نو ی یکی از مبتکر ین غز ل‌است
او ل دیوا ن غزلیا تی‌به مفهو م امروز ی آن تر تیب‌داده
ین ابر مر د ادبـــی وعرفانی کشور ما همانگونه که‌قافله
را ی متصو ف رابخوداختصا ص داده است و کتا ب پر
نظیرش حد یقه الحقیقه‌یا الهی نا مه در جها ن عـر فـا ن
سور و غو غا یی بر پاکرده است پیشا هنگی غز لسرا یان
فا نی را نیز برا ی‌خودکمایی کرده‌است. سو کمندا نه‌باید
که در باره حکیـــم‌بزرگ غزنه و آثار گرا ن بها یش
صا در کشور ما کا رارزنده یی صورت نه گرفته وا یـن
رگ ادبی وعر فا نی که‌خداوند گار بلخ مو لانا جلال الدین
ر ف غز لسرا ی کشورمحبو ب ماخود رادر برابر ش نیم
ارد والقا ب شیخ کبیرامام الغیب ـ شیخ العار فین و پیر
س ار زانی میدارد هنو زناشنا خته با قی مانده است وصرف
شمار ی مانند مو لاناجلا ل‌الد ین بلخی شیخ بزرگ‌فرید
وابو المعا نی بیـــد ل‌توانسته اند که به ژر فنا ی اندیشه
د وآنرا به حیث چرا غ‌فروز نده یی در راه سیر اند یشه
راز د هند . باید یادآورشد که آنچه در اشعا ر استادا ن
ب خراسا ن بنا م غـز ل‌یاد شده و استاد عنصر ی بلخی‌که
۴۲ هـ در غزنه چشم ازجها ن پوشیده است برا ن اشاره
گو ید غز ل رود کی‌وار نکو بود غزل ها ی من رود کی وار
ا منظور از آن تغز ل‌است که‌درتثبیت قصاید غالبابه توصیف
ی طبیعت واحیانا بوصف‌سرا پا ی معشو ق پر داخته شد .
ستاذان‌بزرگ مکتب خراسان چنا ن شور انگیز و بااحساس
اند که تا ژرفنا ی‌احساس‌آد می نفوذ میکند دو انسا نرا تـا
ار سا ل از سرودن‌برخی‌ازآنها می گذرد به ابرا ز احساسات
امیدارد اینک یك پار چه‌از تغز لها ی زیبا ی استا دبزرگ
ی دری فر خی را به‌حیث‌شیا هد ادعا پیکش میکنیم تا کا م

است زیرا تخلص که باید در مقطع‌غزل ذکر شود از ابتکا را ت سخن
وران در ی است واعرا ب با آن‌آشنایی نداشته واز اسم کنیه استفا ده
میکرده اند .

غزل که در نیمه دو م قر ن‌پنجم‌بنیاد گذار ید ه شد تقریباصد سال
پس از سنا یی تو سط مو لاناجلال‌الدین بلخی وشیخ سعد ی شیرازی
وامیر خسرو بلخی به بلندی قله‌شهر ت واعتبار خود رسید این‌سه
ابر مرد غزل (گر چه در تما م‌انواع‌شعر مهار ت داشتند) که همز ما ن
باهم درسه نقطه دور افتاده جها ن‌زیست داشتند .باشور افرینی ها
ومضمون بند یهای عارفانه و عـــاشقانه به غزل جا ن تازه یی‌بخشیدند
وانسان می تواند در گفته ها ی‌آنان‌تپش روا ل زنده آ د می را احساس
کند . بعدا غزل با اشعا ر شـــــورانگیز ونوا ی شیر ین حا فظ درسیر
ارتقا یی خو یش پیش رفت ومد ت‌های درا زی جز و زند گی روزا نه
هنر ی مرد م قرار گرفت و دیوا ن‌خواجه شیراز از گهواره تا گـو ر
مونس مرد م دری زبا ن گرد ید .

متاسفانه هجو م غار تگرا نه وخانمانسو ز چنگیز و تیمور لنگـ
همانگو نه که سا یر دستا ورد های‌مردم مارابه باد فنا دادبا ازبین‌رفتن
مراکز علمی وفر هنگی وایجادفضای ناامن و غیر مطمئین ادبیا ت ما را
نیز از او ج شکوه و جلا لش بزیرپا انداخت . گر چه پسا نتر هابرای
احیا ی مجدد شعر واد ب تلاشهای‌وپو یشها یی صورت گر فت که‌از
جمله جنبش هنر ی وادبی که درقرن‌نهم هجر ی در شهر باستا نی‌هرات
به پایمرد ی امیر علی شیر نوا یی‌وزیر دانشمند وقت براه افتاد قابل
قدر دا نی وياد آور ی است این‌وزیر دانشمند که خود نیز شا عـر و
نویسنده بوده است در ادبیا ت‌دری‌خدما ت فرا موش ناشد نی را انجام
داده است واشعا ر زیاد ی به پیروی‌ازخوا جه شیرا ز حضر ت حا فظ
به حیث میرا ث ادبی اش در دست‌هست گر چه این سروده ها تقلیـد
بیش نیست با اینهم در راه احیای‌غزل گامی خو ب میتوا ند به حساب
آید مو لانا عبدالر حمن جا می‌شاعروعار ف پر آوازه قر ن نهم که بـه
قول بعضی ها موسس مکتب‌اد بی‌هند ی میباشد در همین اوا ن‌زندگی
میکر ده است .

وا قف لا هـــو ر ی کـــه مرحوم‌عبدالغفور کابلی ندیم نیز از آنـها
تقلید میکرد در ادامهٔ غزل بـرا ی‌سعدی و حافظ گا م هـــای مهـــم
و ار ز نـــده یی بـر دا شتنـــدوسخن را با کما ل پختگی وسادگی
بیا ن کردند . استا ذان مکتب‌هندی‌در دو حوزه مختلف هند و اصفهان
تلاشها ی زیاد ی برا ی ار تقا ی‌غزل‌به خر چ دادند دو غزلسرا یا ن‌بزرگی
مانند میرزا محمد علی صا یب ابولمعانی بیدل ـطالب ا ملی ـ کلیم
کاشی ـ غنی کشمیر ی ـمیـر زاجلال السیر ـنا صر علی سر هندی
نظیر ی نیشا پور ی و صد ها تن‌شاعر و فا ضل دیگر به جا معه هنر
واد ب تقدیم داشتند اما شور انگیزخداوند گا ر بلخ حضر ت مو لا نا
جلال الدین بلخی شیرین نوا یـی‌سعد ی ومستی ها ی مستی آفرین
خوا جه‌شیرازهنوزبادلهای‌خداوند ان ذو ق سرو کار دارد مستی می
بخشد وشور می آفریند ، که حتی‌میرزا عبدالقا در بید ل بزرگتر ین
عار ف ، شا عر و متفکر مکتب هندی‌که خود در دنیـا ی دری زبـا ن
باالخاصه در افغانستا ن وتا جکستان‌صدهاتن پیرو و دنباله رو دارد در
وصف شیخ سعد ی اینگونه زمزمه‌پر داز می شود .

در گل و سنبل به نظم ونثرسعد ی قانعم
کا ین دومـعنی‌در گلستا ن بیشتر دارد بهار

اینگو نه تلاشها و تپشها برا ی‌نگهدار ی مو قف شـعر و ادب

هنر و مردم

آشنایی با یک چهره جوان هنری

[illegible] بخش ثور که آزادیهای
فراوانی را اعم از سیاسی ، اقتصادی
واجتماعی بخلق زحمتکش کشور ما
به ار مغان آورده، زمینه های زیادی
را برای رشد وانکشاف علم و هنر
در جامعه‌ی ما بیش از پیش مساعد
گردانید وبه همو طنان عزیز مـــا
بخصوص جوانان و نو جوانان کشور
این زمینه را مساعد ساخت تـــا
استعداد های خلاق و نهفته خود را
در عرصه های گو ناگون هنری ،
ادبی و فر هنگی تبارز دهند و
برشدو انکشاف آن آزادانه بپردازند.

ساز مان غلام محمد میمنه گی یکی
از ساز مان های هنر ی کشـــور
است که از مدت نه چندان زیادی در
خدمت دو ستداران هنر قرار داردو
در این دوران کوتاه حیات خـــود
توا نسته است عده یی زیادی از
جوا نان را بدور خود بکشا ند درراه
رشد وانکشاف استعداد های نهفته
آن ها به بر داشت قدم های موثری
فایق آید .

ا ختر محمد بلوچ یکی از شا ـ
گردان رشته‌ی مینا توری سازمان
غلام محمد میمنه گی است که اخیرا
چند تابلوی هنری اثر خـویش را
غرض نشر بدفتر مجله سپرده است،
بنابر آن ما خواستیم تا با موصوف
سر صحبت باز نموده راجع به خودش
وراجع به هنر ش از وی چیـــزی
بپر سیم .

وی میگوید : من حالا شاگـــرد

هنر نقاشی کی بوده است وچـرا
بدین هنر رجوع نمودید میگوید :

اولین کسیکه مرا به فرا گرفتن
هنر نقاشی تشویق و ترغیب نمود پدرم
بود ، نظر به علاقه‌ی سر شار یکه
بدین هنر داشتم خواستم تا در زمینه
مهارت زیاد حاصل کنم و دراین راه
بهترین مر جعیکه بتواند مرا به سر ـ
منزل مقصو د بر ساند ساز مـــان
غلام محمد میمنه گی را یافتم وبنابر
آن در این ساز مان افتخار شمو لیت
حاصل نموده فعلا در آن کار می کنم.

وی راجع به تعداد آثاریکه تاکنون
به تهیه آن مو فق گرد یده است ،
چنین میگو ید :

گر چه آثار زیادی را بوجــــود
آورده ام ولی همه یی آن نزدم موجود
نمی باشند وصرف در حال حاضر



اختر محمد بلو[چ]

بیست اثر هنری ام نزد
است ، ولی متا سفانه
یکی از آن بروی کدام
نامه به چاپ نرسیده اس
هم عدم مراجعه ی خودم
زیرا من هر زما نیکه قص
آثار خویش بروز نامه و
بفر ستم تاطبع گردد نر
مفکوره ایجاد میگردید ک
اثر قابلیت نشر راندا
اقبال طبع و نشر رادر نی
سبب است که تا هنوز
راکاندید جوایز مطبو
نکرده اموموفق به اخذ
ای در زمینه نگشته ام ،
آینده قریب به اجرای ای
گردم .

وی راجع به کار خود
اثرخود چنین ابراز عقید
من از کار خود راض
در هر کار یکه پیش ر
مو فقیت های زیادی را
ودر مورد بهترین اثرم



لحمید (حمید)

...جدید وعلمی
...موزش جمناستیک



در مسابقات بین المللی سا ل ۱۹۷۷ که در لند ن بر گزا ر شـد (لود میلاتور یشچیوا) حر کا ت خیلی ها مغلق و پیچیده را دربالای سیم دور اجرا کرده تا پایا ن نمایش وی همه چیز خو ب می گذ شت ولی هنگامیکه وی خود را از سیم جدا ساخته بود و نزدیك رسید ن بزمین بود ناگها ن سیم دور از جا بیجا و به زمین افتاد وتو قع میر فت که این قهر ما ن با بدبختی تهد یـد کننده ای مواجه خوا هد شد اماوی بعد از اجرا ی یك سمر سا لت در بین میله ها ی افتیده به زمین آمد ونجا ت یافت . ولادیمیر نظرو ف که یك دانشمند و مر بی آمو زش حرکات مغلق بـه ورزشکاران است اظهار میدارد وقتیکـه وی تحقیقات رادرساحه حرکا ت انسا ن آغازنمود چنین فکر میکرد که آمو خـتاند ن حرکا ت به انسا ن و آمو ختا ند ن آبباز ی برا ی ما هی یکسا ناست. البته انسا ن باحرکا ت روز مر ه خوگرفته است مگر چطوریك جمنا- ست (ورزشکار) میتوا ند حر کا ت مغلق رابیا موزد . نظرو ف میگوید که جمنا ستیك را از ابتداشرو ع نموده وبا لاخره قهر ما ن جمهوریت خود گردیده است ، و ی از ین‌بیشه خود لذت زیاد برده ولز آن را ضی میباشد . این کار بو ی مو قع آنرا داده تا دلایل اساسی بر خی ازنوا- قص وعقب ماند گی را که حتـی بهترین ورزشکارا ن موا جه آن اند باعلا قمند ی در ك نما يد . دلیـل همیشگی آن عبار ت از عدم‌موجودیت پروگرام آموزشی بر اسا س سا - ینس حرکات میباشـد . گفته نمـی توانیم که تا حا ل هیچ تحقیقا تی درین سا حه صور ت نگر فته ،بهر حال این یك کرکتر کا ملا تیوریتیکی رادر برداشت .

کنترول حرکات و وضع متحرك:

دستگاه ماشینی انسا ن دارا ی یك میکانیزم اسـت کـه عبارت از استخوا ن ، عضلات و مفصل ها می باشد . ثانیا این یـك میکا نیـز م کنترول خودی است که سهو لت



حرکا ت یك کار خیلی ها مغلق و پیچیده میباشد زیرا یك نسخـهٔ حسابی دو گا م درشش جلد جاداده شده است مگر ، هیچگو نه یادآوری بعد ی صور ت نگر فته است .

نظرو ف با مطالعه عقب ماند گی ها ی اسلاف خود به این نتیجـه رسیده بود که مطالعه حر کا ت به کمك قوانین میخا نیکی از نظرعملی یك تمرین بیفا یده است زیرا ایـن کار هد ف حرکا ت انسا ن را در نظر نمی گیرد . نظرو ف تحقیقات خودرا بادرنظر داشت اصل حا لت بد ن ورزشکا ر در فضا و بخصوص اصل وضع دینا میکی و کنترو ل حرکا ت آغا ز نموده بود . چیزیکه این‌اصل‌هامعنی مید هد میتوا ند در نتیجه در ك چگو نگی شرو ع‌حرکت یك طفل به راه رفتن فهمیده شود. وی اولا می آموزد که سر خود را محکم بگیرد ، بنشیند و ایسـتاده شود ، بعد از آن است که و ی‌شروع به آمو ختن حر کا تی می نما ید که وی را به راه رفتن می اندا زد . به عباره دیگر اصطلاح نظروف بد ین معنی است که یك طفل او لا وضع دینا میکـی را انکشاف مید هـد و سپس به کمك آن کنترو ل‌حر کات را اجرا می نما ید . در صـــور ت حرکت عا دی بد ن انسا ن تو سط کشش مـد و م قـوه جاذبـه زمین حرکت می کند ووضع تو سطعضلات محافظه می گردد. وقتیکه یك ورزش کار تمرینا ت رابا لای کدا م‌اسباب اجراء می نماید مجبور است یکتعداد عضلات خود رابه طور متوا لی بـه حرکت در آورد . رو ی این اصل‌است که آموزش یك تمر ین با جداساختن آن به قسمت های مختلف آسا نتر از آن است که تمر ین مذ کور بـه شکل کلی آموخته شود چنانچه در گذشته چنین میشد . پس‌این‌هویدا میگرددکه‌وی کدا م کنترو ل‌حرکا ت رادر هر لحظه به خصو صی اجرا ء نماید . مهمترین نقطه درین است‌که آنها رامیتوا ن‌محاسبه نمـود .

بشیر سخاورز

بت پندار

شعر گزارش نماد ها، دیدوواددید ها ، اثر زشتی وزیبا یی ها ،مقطع سرنوشت ، انگیزه ی ابرا م گونه تقطیع وز ن زمان ، تاریخ اصا لت ورسالت ، جهش پشت سنگواره، زبان نو عی رمز واره ممثل خوا ست شاعر ، ترکیب معجو ن یك بت خیال صد ف گنج گو نه در د ل بحر تفکر نها یت یك خواست پیکر یك‌مجسمه تصویر یك میکا ییل و در پا یا ن اثر شی و بشر بر مطلع رو حشاعر است .

از قدیم وقتی پا ی صحبت ازشعر آمده ، تخیل رابر آن عر ض‌کرده‌اند که شعر نو عی ایقا ع تخیل کند . خوا جه نصیر الد ین طو ســـی در اساس الا قتبا س می‌گوید :((قدما شعر کلام مخیل راگفته اند)).

نا آشنا نیست زما نی که((پـــل

افلاطو ن در تعریف خود از شا عر چنین بر گه ی بدست ما میدهـــد ((شا عر چیز ی است سبك وبا لدار ومقدس ،و تازما نی که الها م‌نیافته است دست به ابدا ع وکشف نمی تواند زد .)) (۲)

همان تصویر چین ما چین ،هما ن خیال جن و پـری واره ، و هـمان اندیشه ی که شا عر را از سکو ی انسا ن با لا میکشد ، دو با ل‌فرشته برایش عار یت میگیرد ، در پی‌الهام سر به صحرا میزند ، کوه قا ف را می پیما ید ، خسته و شوریده باز میاید و با خود راه تو شه‌ی بنـــام شعر میاورد .

اگر تعر یف افلاطو ن را صد در صد نپذیریم ، اند کی خوا هـــیم پذیرفت که شا عر در زما ن‌جستجوی بت ذهن ،از ما فا صله میگیرد و تا

در اختیار ما بگذارد .

خود ـ محکمه

چیزی بنا م و جدا ن که درخارج جسم قرار دارد ابر ـ انگیزه میشود وحکم میراند ، تا در خود طر ح‌تما ـ میت یك پذیرش را قبو ل کنیـــم چونکه ((گواهی)) سهـمنا ك تر و متهم کننده ای نیرو مند تر ازوجدان وجود ندارد (((۳) این هما ن دید فلسفی سو فو کل در داستا ن‌ادیب شهریار است ، زیرا که گند ادیب درخود اوست و آفتا بی نشده زیرا ادیب خود محکوم است ، زیرا که ادیب درخود تبر ئه نمیشود،زیراکه ادیب به حکم محکمه ی خود نابینا میگردد وکسب آرامش رو حی را جستجو میکنند .

در دنیا ادیپ ها ی بی شمار ی اند که باسرنوشت ها ی جداگا نه باداستا ن ها ی متفاو ت کنار هم راه میرو ند و محکو م وجدا ن اند. وجدا ن قصد تعریف از خوا ست‌ما میکند که پا لایش دارد و ما (یعنی بنده ی وجدان) به انتها ی مسیری خبره میشویم که آرا مش از آن بر میخیزد ، برای اینکه انسا ن‌همیشه در تلاش همانست تا برا یش راحتی را تامین کند .

در جاده ی میگذ ریم ، اشیا دور برما حالت همیشه گی خود رادارد، چرا غ دو طر ف جاده ، نخل ها ی سر بر کرده ،جریا ن ترا فیك ، حرار ت هوا ، مغازه های اطرا ف ، ودر گوشه ی سر ك یك گدا . ما به همه ی این اشیا ء مینگر یم و بـی تفاو ت میگذریم . مزد ی میا ید که بنام نیکو کار شهر ت دارد وبایك افغانی دخل جیب منتظر سرو یس است ، که نا گه چشمش به گدا می افتد ، ذو ق زده سکه را دردستش لمس میکند وبرا ی اینکه و جیبه ی نیکوکار ی اش را انجا م بد هد آنرا به گدا میپر دازد وخود پیاده جهت رادر پیش میگیرد . شاید اینطـو ر فکر کنیم که مرد نیکو کارثـوابـی را مر تکب شده ولی با لای خودظلم

پس به نو عی انس
است ، تابه وجدا نش
آن همه را برای راحت
است زیرا که انسا ن
خود است ، وخود مح
نوشت وخود حا صل
قلم که انسا ن در تلاش
تلاش گریز از عذا ب
پذیرش وجدا ن راحت

فرا سو ی یا س ، (
یاسای خود «۳» شا
عدالت در دست وجدا ن
برای راضی ساختن آ
تزکیه نفس میزند و دی

ضد آن قد م برمیدارد
وجدا ن میرسیم به ((
یعنی تسلط خود بر خ
های ما را درجریان
((خود ـ محکمه)) آ
خدشه دارد ، آزادی تع
یك طر ح و آزاد ی را
انسا ن در ((خود ـ م
است . هما ن آزاد ی
شاگرد جوا نش مید هد
این جوا ن با هم نا س
پدر او به ور طه ی هم
آلمانی ها، در زمـــا
کشانده میشد .

برادر بزرگ و ی د
سال ۱۹٤۰ آلما ن ها
بـــود .

این جوا ن ، با احس
خام ولی بزرگوارانه ،
انتقام برادر را بگیرد ،
یش با او زند گی میکر
خیا نت آمیز شو هر و
بزرگ خود ، بشد ت م
در زند گی جز این پسر
نداشت . این جوا ن ، د
دیدیم از دوراه یکی را
انتخا ب کند : او ل عز
انگلستا ن و پیو ستن
فرانسه ی آزاد ـ یعنی
مادر دوم ، ماند ن نزد
کردن به او در ادامه ی

که بر داشتن‌هرگامی
مبارزه ، القا می بو
سلم ومبهم که ممکن
هیچکار ی نیاید
جوا ن خود رادربرابر
م کا ملا متفاو ت می
بدام محسو س و
ی فور ی ، اما عملی
ط متو جه یك نفر بود
که آثار آن متو جه
زیاد تر بود وشا مل
لی میشد . و لی‌نتیجه
م داشت و ممکن بود
ده ، رشته اش بریده
ر در برابر پرسش‌او
نداشت گفت: شما
خود را انتخا ب کنید
ید .)) (٤)

سن در جاده برا ی‌یکی
ا ی دیگر درد آلوداست
از ما میخوا ست‌بتی
را ی خود بپرور یم و
رو حی خود ،برای‌خود
ه خاطر یکه انسا ن‌خود
ت و نتوا نسته که‌از
ود وبه دیگرا ن برسد.
صو ف و عر مان‌از
دارد که : وقتی به‌مقام
ا می رسید م ، دریافتم
خضو ع و خشو ع به
شغو ل است . بعد از
ار ها ی روز مره ی‌خود
الباا ن و مر یدا ن به
یکرد ، و قتی به من‌نظر
: ((ای مرد خدا اگر تو
ه هستی و غر ق در
، پس بیا با من بنو ش
ذری و گر نه من‌خیا ل
که این همه عباد ت و
جلب تو جه دیگـرا ن
نخوا هد بود ، زیراکه
ر قلب مرد م جاگیر ی
خود خوا هی است که‌در
.(٥)

اراده ولی بدون وجدان کار هایی‌را انجا م مید هد و فقط انسا ن‌است که میتواند در مقابل این قوا نیـن مقاو مت کند زیرا او همه چیز رامی داند ،وجدا ن دارد ، اراده دارد و ادرا ك میکند ونیرو به خر ج میدهد وبر طبیعت حکم میراند)).(٧)

((خود ـ محکمه‌ی)) انسا ن‌برتر ما همان محکمه ی جا لینو س که به فاتح مقدو نیه ، میگو ید .

بامن چه برابر ی کنی تو
چون بنده ی بنده ی منی تو

وقد می فرانر ، در دا ستـا ن بینوایا ن ،در ((خود ـ محکمه‌ی)) مادر کوزت که در مرزی خـود گذ شتن رسیده ولی در میا بیم که این زخود گذری به خود گذری‌بیش نیست . چه اگر مادر ی دندا ن‌های صد ف گونه اش رادر یك داستان رمانتیك از دست مید هد ، برا ی فروکش خواست خود است ، زیرا که از تما م مادرا ن ، ما تنها ایـن چنین مادران را بیاد میاور یم یعنی مادر کوز ت ومادر ها ی هم‌ردیف شانرا (٨) پس خود((محکمه))مرزی بین خود گذری و خود خوا هی‌نمی شناسد و اینطور قضاو ت میکندکه انسا ن برای انسا ن وباز هم انسان یعنی مو جود ی که سر نوشت را به نفع خود میگرداند و طبیعت را برای سود خویش را م میکند ونیکی یعنی حکم با صلاحیت قا ضی ایـن محکمـــه.

زیرا اگر انسا ن نتوا ند خواست خود را فرو کش کند گره عقـده دامنگیر ش میشود و ((ما معلول این عقده هارا در زور گو یی ها ،تحقیر کردن ها ، نا مرد ی ها میابیم که همه از اثر پرورش عقده ی درو ن است (٩)

بشر در طر ح

((اطلاح بت پندار)) که در ربا عیا ت منسو ب به ((ابوسعید ابو- الخیر)) آمده است ، اشاره بهمین خود کامگی ها ی ذهن است . عادت برین جار ی است که نقد ذهن ، و

در میا بد .

مادر پیاله عکس ر خ یار دیده ایم ای بیخبر ز لذ ت شرب مدام ما

این خالق ذهن ، این بت خـــودساخته .

بعد از ینم چه‌غم از تیرکج‌انداز‌حسود
چون‌به‌محبوب کما ن ابروی‌خودپیوستم

پر وراند ن این بت ، در خود-واسطوره کرد ن آن واز یادبرد ن سوا ی آن .

سایه‌ی.طو بی و دلجو یی حوروولب حو ضـــ
بهوای سرکو ی تو بر فـــت از یـــاد م
نیست بر لو ح دلم جز الف‌قامت‌دوســـت
چکنم‌حرف‌دگـــر یاد نـــداد استـــاد م
خیا ل نقش اورا در کـــار گا ه‌دیده کشید ن .
خیا ل نقش تو بر کار گاه دیده‌کشـــید م
به صور ت‌تو نگار ی ند ید م و نشـــنید م

درین شعر مو لو ی :

ای ساکن جا ن من آخر به کجارفـــتی ؟
در خانه نهان،گشتی، با سو ی هوا ر فتی ؟
چو ن عهد دلم دید ی از عهـدبگـــر د ید ی
چون مر غ‌بپریدی‌ای دو ســـــت کجـــا رفتـــی ؟
در رو ح نظر کرد ی چو ن رو ح‌سفـــر کرد ی
از خلق حـــذرکر دی و ز خلق جـدا ر فتـــی؟
رفتی تو بد ین زود ی تو بـــادصـــبا بـــو د ی
ماننده ی بو ی‌گل ، با با د صبا رفتی؟
ای خواجه ی این خانه چـون‌شمع در ین خا نه
وز تنگ چنین‌خـا نـه بـر سقف سما ر فتی؟

نوابغ جها ن را میشنا سیم‌که‌از خود ((بت پندار)) خلق کرده‌اند ((بت پندار)) میکل آنژ در مجسمه‌هایش وجویا شد ن اودرین قا لب‌ها چنانچه افسانه ی پیکره ی مسیـح‌راهمه بیاد دارند که بعد از اتما م آن ((میکل آنژ)) به پهلو یش بـامشت کوبید وگفت : چرا حر ف‌نمی زنی ؟ پس او در ذهن خود چیز ی‌طرح کرده بود که در جستجو ی‌آن دست به سنگ برد ، سنگ راموم‌کرد. همینطور شکل خیا لی یـــك طر ح تما م یانا تما م درذ هن مجنون‌درذهن لیلی ، کا مد هی و من‌هـــن وفرا تر طر ح ذهنی یك پارسا ،یك‌مومن ، یك گبر ، یك بت پرست، یك طر ح جداگانه ی هفتاد ودو ملت

((هر چند ، طر ح ها ممکن است‌باهم متفاو ت باشند ،اما هیچ یك‌از آنها برا ی ما کاملا بیگا نه نیستندزیرا تجلی همه ی این طر ح هـــا کوشش است یابرا ی گذ شـــتن‌از حد ها ی که دید یم یا بمنظو ر عقب را ندن آنها یا برای ا نـکارآنها یا در راه سازش بـا آنها.در نتیجه ، هر طر حی ، هر قدر فردی‌وشخص باشند ، باز هم ار زش‌کلی وعمو می دارد)) . (١٨) در دنیای‌طراحا ن تصو ف و عر فا ن سرزمین ما، وجود این مقد س خیا ل بوده‌وخیلی هم رویا یی وافسا نه انگیز .

تجربه های جوانتران

(نمونهٔ نوشته‌هایی از شاگردان کورس ادبیات اتحادیهٔ نویسندگان)

نوشته : شفیق الله ((امیری))

ازخاطره تاواقعیت

روز ی در کنا ر در یا یی مرد ی
ا قـد خمیده ، جسم لرزان ، موی
سفید وتن نحیف قد م میزد . بـا
شم وبد بینی تما م بسو ی دریا
ینگر یست و گا هی هم از قهر و
شم زیاد سنگی را بر دا شته بـه
مد ت به سو ی دریا پر تا ب می
رد .

من متو جه این حال او بـودم کو
ورا مینگر یستم . آهسته آهسته به
و نزدیك شد م . خوا ستم که از
ردش آگاهی یابم ، پیش تر رفتم
به آهستگی ازش پر سید م :

کاکاجان ، چرا با این قـهر و
ضب سنگها را گر فته دریا را می
نی ؟

مرد بالحن نا هنجار ی در حالی
ه چشمش به سنگ بزرگ ته‌دریا
یره شده بود ، جوا ب داد :

این دریا برا ی من خا طره‌تلخی
به یاد گار گذاشته است . ازهمین
سبب بد م میاید . پسر م ، روز ی



شفیق اله امیری

((بچیم ، زنم لیلا نام داشت ،
راستی خیلی زیبا هم بود . او را
بسیار دوست داشتم زند گی مـا
خیلی خوش میگذشت . بلی پسرم
ما به میله آمده بودیم بعد از این که
نان چاشت را صر ف کردیم ، دورتر

برو ی سینه اش افتاده بود ، کا غذ
را بر داشتم در آن نوشته بودند .
((ما پسر ت را کشتیم و دخترت
راباخود بردیم)) .

در پایان خط ، دست خطی هـم
بود و من دست خط را هم به اداره
پولیس برد م .

آنها هر قدر که به تلاشـــ و
جستجو پر داختند ، نتوا نستـند
حتی کو چکتر ین اثری از آدمکشان
وآدم دزدان بیا بند .

بلی ، فردا ی آنروز من و خو-
یشا وندانم پیکر آغشته به خـو ن
احمد را به‌خا ك سپرد یم .

مادرش خیلی میگر یست و می
گفت : پسر م را کشتند ، دختر م‌را
بردند .

همیشه این دو جمله را تکرا رمی
کرد. هر چند اورا تسلی میداد م و
میگفتم که گر یه فایده یی ندارد.تو
نباید گر یه کنی . ولی اوهمچنا ن
میگریست .

چندی بعد زنم از شد ت غم و
اندوه جان داد .

آه ! خدایا ! با چه روز گا ر تلخ
وتحمل ناپذ یر ی دچار شد م ؟

چند سا ل دیگر نیز گذ شـت،
روز ی خبر ی به گو شم رسید که
گل چهره زنده است .

بلی اوزنده بود . من از همـا ن
لحظه تاحا ل در جستجو ی اوهستم.
همه جا سرا غش را که میگیریم
اما اورا نمی یابیم .

آه ! گل چهرهٔ عزیز ، کاش‌ترا
ببینم . بیست‌و دو سا ل است که
در جستجو ی تو هستم .

دخترم ، نزد من بیا ، بیا دختر
عزیزم .بیا یگانه یاد گار هستیم ،
بیا ....

عجیب لحظه یی بود ، من هنگ‌و

درسحرگاه چنین بودم

صبح بود ، در اتا ق تنها نشسته
بودم بار ی از جابر خا ستم ،آهسته
آهسته به طر ف پنجره رفتم و بـه
بیرون نگاه کردم .

غنچه ها در حالت ش
هوای عطر اگین فضا را
چهچه بلبلان از دور و
گوش میرسید به زیبا



محمد اسمعیل ((نالا

عاشق بودن پر وانه که
به گرد گل میچر خید
پروانه سر گر م عش
بی پایا ن باگل بود .

نسیم صبح آهسته آ
وزید ، پروا نه همچنا ن
میکردواز رخسا ر نفیس
آن بوسه های شیرین م

آسما ن ، آبی تیر
منظرهٔ زیبا یی رابه وجود
از لطافت وگوارا یی
آمد دستها یم رابه پنج
وآه عمیقی کشید م .

از نگریستن به این ز
قلبم به تپش آمد از اتا
به باغچه کوچکی که در
بود ، رفتم وپیش گلها
نشستم

گلها وپروا نه ها قلب
به تپش میاو ر دند ، پر
قشنگ باهم مستی میکر
میخواندند ، من آواز آنها
شنید م اما خیلی دلم می

ه خرد وبزرگ بـه
ده بودند .
لحظه پروا نه ها به
رفتند . من آهسته
ب گل زیبا ی سر خ
د م ، حسس کرد م‌که
ر دستم چکید ،دستم
ودید م قطره آب پا ك
به گل نگاه کرد م و

تو هم بی وفا یی‌کرده
داده ؟ یا این که مانند

من قلبت رنجیده است که چنیـــن اشك ریختی ؟!

به فکر ((جوانی)) افتاد م و با خود گفتم :

چرا بی وفایی ها روا ج پیداکرده چرا گرو هی بی وفا هستند ؟

بعد به فکر عمیقی فرو رفتم ، در حالیکه لبخند میزد م گفتم :

دنیا همیش فریبنده است ، پراز بی وفایی ها و همش در گذر . آهی کشیدم وگفتم :

ای جوانی یاد ت بخیر ! از جابر– خا ستم ودوباره داخل اتا ق شدم .

میگفت در فکر واند یشهٔ شمـــا بود و به آیند ۀ شما مـــــی اند یشید .

حا لا که عمیقتر فکر میکنـــم پدرم به بیما ری خا نما نسو زسل دچار بوده پا نزد ه سا ل تما م با این بیما ری مهلك جنگید ه بوده است، بیاد دارم روزی راکه پـدر مسا فر ابدی‌یم‌از ما جـدا میشد رو ی هر یك ما را برای آخر ین‌بار که می بو سید اشك جدایی واندوه از چشما نش جا ری گر د یـــد و گو یا اشکها یش زبا ن دا شتـه وبه ما می فهما نند که و دا ع ابدی میبا شد .

در آنروز گا ر من فکر میکر د م که پدرم دو باره نزد ما خوا هد آمد ایکا ش میدا نستم که او بر نمی گر دد و من با قدر ت و صلا بـت کوڈ کا نهٔ خود از سفر و رفتـــن جا و دا نه اش با ز میدا شتـم یا کم از کم به تعو یق مـــــی افگند م .

و لی در یغا ! که پدر م ر فـت و مرا تنها گذا شت و نقش مهرو محبتش را تا جا ودا ن بر د ل وجانم حك نمود .

احساس کرد م قلبم که چو ن سنگ‌سنگین‌بود، آهسته‌آهسته‌تپیدن گر فت . در آن زما ن با د مو های او را به بازی گر فته رخسا ره‌ها– یش از شد ت سر د ی به سر خی شفق زا را ن می ما نیست .

به من نگا هی کرد، من نیزنگاهی احسا س کرد م که نگاه ها جا – ودا نه گر د یدند . لحظهٔ عجیبـی بود . لرزهٔ سختی تما م و جود مرا فرا گر فته بود .

نمی دا نستم چرا ؟ فکر می‌نمودم که این مو جود زیبا را از د یــر زما نی می شنا سم و هر دوماندهٔ دو جسم و یك روا ن زند ه گــی را پد یرا شده ایم. لحظه یی نگذ– شته بود که صدا ی پسر ك بـــر خا ست: بیا خوا هـر برویم، من بسیا ر خنك خورده ام ، بیا برویم که نا وقت است . او با لبخند ی‌از من دو ر شده د یگر هر گز او را ندیدم ، و لی یاد آ ن لحظه در من جا و دا نی گردید .

دداشت‌های ازگذشته

ود میگذ رد ، روزهای
گذر است . انســان
. شته یاد میکند،یادی
ها در هر حال‌موجب
اگر روز گار گذ شته
ت هم با شد وهنگا م
بعدی به گو نه یـی
رمی آورد یعنی امروز
ت اثری نیست و جز
ی با قی نما نــده

خود یا د دا شـــت
که یاد آوری آنهـا
اشك جاری میکنند .
ی پدری ، نوازشهای
ن خـواب خـو شـی
ا ند . آن دو یـاور
در غر قـاب ز نـده–
ند و پدر م از ایـن
رخت نیستی بربست،
ی خو شی که غیـر
در پناه د یگری‌نداشتم
گا ن من فقط در محیط
وار ها ی محکم و بلند
رد و فکر محدو د م‌از
یر ه کو چکی ترسیم

ما نند آسیا میگر دد،
ید به خو شی جها ن
یدی زما ن بنا لیم.



زبیده عثمانی

درختان که لبا س وز ینت شا ن‌به غارت رفته بود عر یا ن شده ا ز شد ت سر ما لرزا ن به نظـــر میر سید ند ، حر کت و جنبش به حکم فر ما ند ه سر ما مو قو ف گشته حتی آب روا ن که جر یا ن دا یمی ، طبیعت او ست از ایــن حکم سر پیچی کرده و چنا نکـه لازم است در حر کت با شد بـه فر ما ن سر ما به انجماد واستایی گرا یید ه بود .

در چنین فصلی که یا زده سال ازعمر من میگذ شت ومن در صنف چها رم مکتب مشغو ل فرا گر فتن درس بود م دنیا را از چشم کودکی مینگر یستم ، و هنـو ز خـوی‌و

لحظه یی که جاودانی شد



محمد رحیم ((کبیری))

پا غنده هـای برف از هـوا به سو ی زمین رقص کنا ن فرود می آمدند .

و آن مظلوم

در این سکو ت و آرا مش
صدای باد و در خشش ستاره–
گا ن و سر د ی هوا
سر ما و وزش باد
آند م که با د در و دیوار ر ا
شلا قها می زد
آری!
مرا بیاد آن ((مظلو م)) مــی
اندا خت
وشلا قی سیا ه
و دستا نی سیاه د یـوی–
استوار بر شلاق
آری ، آن دیو ، آن عفر یت
هنو ز هم
زنده گی را در بنده گی‌میخواست
خوا ست
بنده گی آن مرد
آن مظلو م





پسر زرنگ

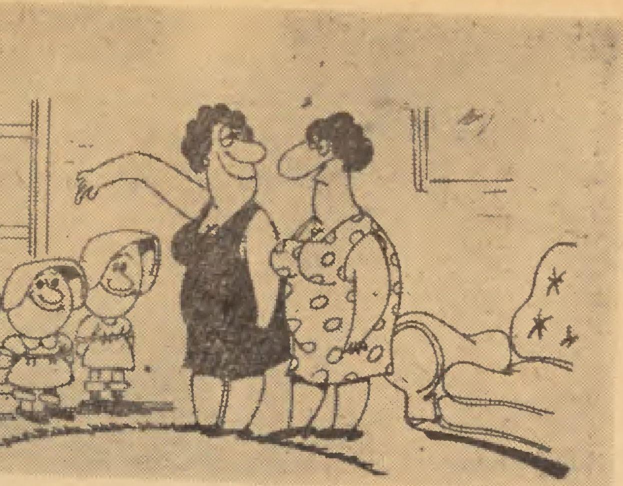
احمد کو چك با یکی ا زهمسن‌وسالا ن خود ، در حو لی خا نــه بازی میکرد .. هوا تاریك شده‌بودواندو به اتا ق بر نمی‌گشتند...

مادر احمد چند بار پشت‌سرهم‌پسرش را صدا زد و چو ن‌جوابی نشنید نا چار خود ش به حو لی‌رفت وباوگفت .

ـچرا و قتی ترا صدا زدم‌جواب‌نداد ی ؟

احمد کو چك همچنا ن کــــه‌مشغو ل با زی بود جوا بداد :

ـمادر جا ن ... آخر من صدای‌ترا فقط تا هنگا می که بار سو م مرا صدا زد ی نشنید ه بود م !؟


خواهرجان هرسه اینها در موقع‌روشن شدن چراغ تولد

شکارچی دروغ گو

و قتی شو هر از سر کار ش‌بمنزل‌آمد ،زنش‌رو‌به او
ـ د یروز بــر ا ی رفــتــه‌بودی ، چند تا کبك
مرد جوا بداد :
فقط سه تا ... آخر حا لـــــم‌خو ب نبود نتوا نستم
بز نم :
تو خوب به یاد دا ری که ســــه تا کبك بیشتر نز د
بلی عزیزم ...

ـ اشتبا ه نکرده ا
نی عزیزم ...
ـمطمئنی که سه ت
بلی عزیزم چرا ای
می کنی :
ز ن نفسی را حتی
گفت :
ـبسیار خو ب عج
... پس معلو م میشـ
فرو شی کوچه ما اشـ
در صور ت حسا ب
تا کبك را نوشته اسـ

شو هر حاضر جواب

زن پس از مطا لعه مجله رو به شو هر ش کرد و گفت :

ـ غــزیــز م ... میگــی از سا ل دیگر طیا ره ها ی بسیا ر تیــز سا خــته می شود کــه میتوا نم‌آدم را در مد ت ده د قیقه از ارو پابه امر یکا بر سا ند !

شو هر جوا بداد :

ـ ولی عزیز م ، تو ا شتبــاه


بدون شرح

در انتظار قطار

مرد ساده که قصد مسا فر ت‌دا شت به ایستگا ه را ه آهنـــی رفت و از یکی از متصد یـــا ن‌قطار پر سید :

ـقطا ر کی حر کت میکند ؟

نامزدبسیارسخت

...ش در دو ران جوانی برای او لین بار با نا مزد خود به
...رد نا مزدش تکــتخود را خود ش خر یده بود ..
...م چرا غها ی سا لون رو شن شد ، ما ك تا و یش یك
... کو چك خر ید وشرو ع به خورد ن آ ن کرد .
... چند د قیقه یــــــی بفکر رفت تا چیــزی نصیبش شود
...ید ما ك تا و یش اصلا بر و ی خود نمی آورد آهسته

... شیر نی خو شمــزه‌اس ما ك تا و یش آب د ها نش
... گفت :
...ا ر خو شمز ه اش...
... بسته تو هم برا ی خودت می خریدی .



بدون شرح

پیشنهاد ازدواج

احمد در مقا بل ز ن بقــد ر ی خجا لت می کشید که وقتی درمقابل خانمی می استاد یك کلمه هــم نمیتوا نست حر ف بز نه ...

بنا بر این خیلی تعجب کر دند وقتی شنید ند که احمد از دوا ج کرده است ... یکی از دو ستــان احمد پر سید :

ـ را ستی احمد جا ن چــطو ر توا نستی به زنت پیشنها د از ـ دوا ج کنی !

احمد رنگ از رخش پر ید و رنگ رنگ شد و گفت :

حا لا میگو یم ... من در یــك مجلس جشن عرو سی مجبو ر شدم دو بار با دختر ی بتر هم ... در مو قع رقصی هر چی فکرکردم حرفی پیدا نکردم که برایش بگو یــم نا چار گفتم با من از دوا ج مــی کنین ، او هم فو را قبو ل کرد !!



...خانوادگی

...ویش ا سکا تلنــد ی
...پیشخدمت خــود را
... ، چو ن‌اوازپیشخدمت
...د می خوا ست خودرا
...و خلاص کند و خودرا
...خــلا ص کند خــود را
...نگی زد در این و قت
...م‌فوراً خود رابه بیماری

...ویش نگرا ن شد و
...نوا گی خود را احضار
...پشخد مت آهسته د ر
...کتر گفت :

...جا ن ... حقیقت رابايد
... اصلا مر یضی نیستم...

...نش ما ه حقو ق مــن
... ه از این سبب خــود
...ضی زد ه ا م و تا طلب
...زیر م از ین خا نــه
...یرو م .
...شنید ن این حرف‌سری
... گفت !



بدون شرح

اشتباه میکنین

مرد ا نگلیسی سرا سیمه خودراروی پل بزرگ رود تا یمز لند ن رساند ، نگا هی به اطراف انداختو با لحنی مضطر ب آ هــــــی کشید و گفت .

ـاو ه ... چها ر شنبه ، چها رـشنبه .. او هر روز چها ر شنبــه بد ید ن من می آمد ... اما ا مرو زنیا مد ه ...

دیگر زند گی برایم ارزشـــــیندا رد ...

...نا گ ا ن خود را از بالای پل بمیا ن امواج خرو شان رودخانه

د ۱۰ مخ پاتې

دننني شعر...

زړه مې بیا رانه د ښکلو لیـدن غواړي
لکه چونې چې سره ګل د ګلشــن غواړي
په زاریو ننو اتو هیڅ و نه شوه
په دروږ کې رانه سا او بــدن غواړي
لیو نې زړه مې له مینې لاس نه اخلي
ګل غو نچې رانه د یار د چمــن غواړي ....

که څه هم په همدغه قافیه یو غزل هم لري خو بیایې هم پر نګه پې پانګې دنه لا سبرې له کبله دیدن او ګفتن غوندې نا ښتو و یې هم کارولي دي

د(غزل) څو نوري بیلګې یې بیاله آزادې قافیې سره ویلې دي او په دې تو ګه یې مانا له جولې نه دومره خارشوې نه ده که څه هم کینډې او کالب یې هماغسې زاړه دي ، لکه :

به آسانه باندې دوست مه وایه چاته
لکه زه دې چې مین کړم بیادې هیر کړم
چې په کوم جام مې شر بت دمیني راکړ
که داتولې یارانې په داسې رنګ وې
چې د یار له دره ورتلل شي لاړ شې
چې یې یو ځل له خپل دره یم راټلی
دغماز به سترګې خړې مخ به (یې) تورشي

چې دې وویل بیایې مه غور خوه شاته
ودې نه کتل زما ډیرې و فاتـــه
په هماغه جام دې زهر راکړه ماته
زړه به تینګ نشي دغسې ناروا ته
نامیده لیوني دروم صحرا تـــه
اوس به کوم وسترګو ورشم خپل آشنائه
که خبره یو ځل ووته رښتیا تـــه

له کرمه به دې څه کم شي محبوبــې
که نظر وکړې فریاد غریب ګدا ته

مادخان به ویرداد واړه سترګې سرې کړي
مومنانه که په دادمې ورسیــږ ی ء
خاص د مینې تقدس او احتــرام وه
دګلونو په دیدار مخموره مست وم
نه مې خپل شته نه مې دوست چې مې پکارشي
مفلسي اوبیکسي دې دواړه ورك شي
په (فریاد) عاشق لله سزادې دا ده

په ژړا ژړا مې داسوې ناري کــړي
ظالمانو مې له تنه غوښې پرې کــړي
چې ماخان باندې قبولې غرغري کړي
هره خوامې د ګو ند ننداري کــړي
رقیبانو څکه نوکي مسخر ی کــړي
که نه یار به په ماکله دانخري کړي
چې بې رحمې بې وفا ته دې اسري کړي

(وطنه ستا په لوړو غرو مې قسم) غوندې قسمیې هم زموږد خوان هڅنده او زورنده شا عر په شعري بیلګوکې کمې نه لري چې که وغواړي ساو نه غواړي له نورو شاعرانو سره یې هرو مروتکر راځي او، د چــا خبره خدا مکړه دې هم د (قسمخورو) شاعرانو پــه ډله کې در وي .

رښتیا هم ډیرو قسمیو، ستاینواو یارونو یوازې پښتــــو او دري شعر نه، بلکې نورو ډیر ختیــــز شعرونه یې هم له سمې سیخــــې تــولنیزې او هنري لارې بــې لارې کړي دي .

دنوي مهال او چا پیر یال شاعربايد له هره پلوه دنوي ټولنـــــوال ریالستیك هنر ښکارندوي اوخلندوي اوسي، نوي ماناا و نوي اندو ژوند په نوي بنه او کالب او نوي رنګ وخوندکې وړاندې کړي او دغه غوښتنه د (فریاد) غوندې له یوه ژمن اوهیوادمیني شاعر څخه په کار ده ، نه د ګل اوبلبل له هر شا عر څخه، چه دخپلواسکیر لواو کړیدلوبه وړاندې له هر

بقیه صفحه ٤٥

طرق جدیدوعلمی...

علاوه بر آ ن تقسیم حر کا ت به بخش های مختلف ،از نقطه نظــر گرافیکی اجزا ی مشا به را حتی در تمرینا تیکه ظا هرا هم مانند نبودند آشکار ساخته است .

این کار امکا ن آنرا بو جودآورد تا ترکیبا ت نا معلو م گذ شته راکه بهراندازه مغلق باشد با مشخصات قبلا تعیین شده تر کیب نما ید .

امروز جمناست ها (ورزشکاران) قادر اند حرکا ت مغلق و پیچیــده را اجرا نما یند مگر این بدا ن معنی نیست که آنها احسا س تر س را از دست داده باشند ، در حالیکه اکثر ورزشکا ران به شمو ل ورزیده ترین آنها بعد از افتید ن ازبا لا ی یك دستگاه سپور تی اعتماد بخود را از دست مید هند . نظرو ف علت این کار را عد م در ك علل اشتبا ه آنها میداند ، وقتیکه یك ور زشکا ر ازبا لای یك دستگاه سپور تی بطور مثال (سیم دور) با لامی پرد برا ی یك یایك ونیم ثانیه گر فتار بی وزنی میگردد ودر جریا ن این مد ت و ی باید چندین مانور ایرو باتیــك را اجرا ء نما ید . نظرو ف ادعا می کند که انسا ن در هوا به مانند یك پشك بر خود اعتماد دارد بد ین معنی که پشك همیشه بعد از بلند پر ید ن بالای پاهایش بزمین می افتد .

یك مکتب جدید حرکات :

درین او آخر یك لابرا توا ر بیو میخانیك سپور ت ها تحت نظر و رهنما یی (نظرو ف) درانستیتوت پولی تخنیك ریگا تا سیس گردیده است ، یکی از وظا یف آن آموزش ورزشکارا ن بر طبق یك سیستم جدید میباشد . قبل از شـــرو ع تمرینا ت آموزشی یك سلسله هدا- یات اساسی در مورد تیور ی وضع

کنترو ل حر کا ت ور ...
سرو کار دارد طر ح نم...
استفاده از آن ور زشکا...
می سازد تا حرکا ت نما ی...
رابه صور ت درست وبد...
تمرین نما یند و بر آن ...
اکثر حرکا ت را ورزشکا...
توانند بااستفاده از فلم ه...
ص سپور تی در مورد ...
خاص بیا موزند . علاوه ...
هابه منظور تسریع آمو...
کارا ن از تا ثیر تحر یك...
نیکی استفاده به عمل م...
عضله سست از خود اه...
عنوا ن آمادگی برا ی اج...
نشان مید هد .

دریك عضله فعا ل ا...
تشدید یافته واشاره ا...
می کند از طریق دستگاه...
وارد سیستم مر کز ی ...
یبکه حرکت شکل می ...
شود . اگر این عمل چ...
تکرار شود در عضله ح...
بوجود میا ید . بد ین تر...
اساسی آمو ختن تما م ...
جدید به طور کل وتمر ...
ستیکی به طور خا ص ...
که استفاده از آن پروس...
ورزشکارا ن را آسا ن و ...
خته است .طور یکه تح...
داده است پدیده تحر ك...
نیکی میتواند تقو یه نیر...
حرکت مفصل ها واز ه...
تداوی زخم ها کمك نمو...
مجدد فعالیت های ماشب...
تشدید می نماید .

نتیجهٔ اساسی که از ...
لابراتوار نظرو ف بدس...
میدهد که یك دانش در ...
ترکیب حر کا ت ویك ...
های آموزش آن با لای ...

...ان‌ما...

...ن و شرارت پیشه
...ا لیا ن در از ی
...جا معهٔ مـــا
...ور زید ند و بابه
... انقلاب ملی ودمو-
...بخصو ص مر حلهٔ
... آ ن د ست بیداد
...ردم ما ازبازوقطع
...ی با شند و درسطح
...سمنا ن مردم‌میهـــن
...مهٔ مر تجعین ،هژ -
...امپر یا لیست هـای
... امپر یا لیزم‌شرارت
...کر ایا لا ت متحد ه
... می دهند که ایـن
... پیرو زی انقلا ب‌ثور
... در سر زمین آزادهٔ
...ده اند و اکنو ن‌برای
...ت آو رد ن آ ن‌خا -
...می ورز ند و در این
...س و خا شا کی‌دست
...ی به هیچ مو فقیتی
...ا صل نمی نما ینـد
...ی و د مو کرا تیـک
...ن د یر ین مـــردم
... که به هـمت والای
...س افغا نستا ن و به
...ما ن افغا نستان

بقیه صفحه ۹

چگونه اتحاد شوروی...

مساله ملی ومبارزه ایدیال ها:

مساله ملی یکی از ساحات مهم مبارزه‌بین سوسیا لیزم وکپتالیزم است ، مبارزه مار- کسیزم -لیننزم علیه ایدیالوژی بورژوازی وروژنیستی •

سیستم منحط بورژوازی میکوشد تادوستی بین ملل اتحاد شوروی را بحیث یك ارزش سیاسی ، کلتوری و اخلاقی ونحوه زیست سوسیالیستی نادیده گیرد •

محافل بورژوازی عمدا ماهیت ، شکل و مظاهر روابط جدید ملی راتحریف نموده و با ینوسیله میکو شند ثابت نمایند که نحو- حیات ملی غیر عملی بوده ، موجودیت‌برخورد های ملی علل روانی و حتی بیولوژیکی داشته وابدی اند •

کذابرای سالیان متواتر کمونست ها متهم بآرزوی داشتن قصدالغای ملت هابودند. درین میان گفته می‌شد که پرولتاریا از آزادی و استقلال یك ملت دفاع نکرده ، طبقه کارگر درمورد مسایل‌میهن‌پرستی و دفاع از سرزمین آبایی بی تفاوت اند •

این الزامات کاملا در نتیجه پراتیك اتحاد شوروی دورغ ثابت شد •

جعل کنندگان‌این‌اقدامات نادرست و مدافعان سبك حیات بورژوازی علل اجتماعی ،طبقاتی وسیاسی بر خورد های ملی رادر جهان‌مدرن سرمایداری و ملل درحال انکشاف نشان‌نداده ودر مورد ماهیت استثمار گرانه طبقات‌حاکمه وپالیسی های شوونیستی وتبعیض شان از خموشی کار می گیرند •

ولی اکنون این در قدرت دروغ گویان بورژوازی نیست تا چگونگی امور را که اکنون به نفع نیروهای سوسیالیستی و مترقی‌جریان دارد تغییر دهد ، سیاست دوستی لنینی باهمه ملل طور روز افزون نیرومندی خویش را تبارز داده ومیدهد این امر درمحلات ساختمانی استیشن های برق شاهراه های مواصلاتی ، فابریکه هاو پلان های انکشافی که درآن ها گروپ های مختلف ملیت های متعدد این‌کشور مصروف کار تولیدی و فعالیت اند بخـوبی مشهود است •

چنانیکه جامعه‌اتحادشوروی بسوی کمونیزم حرکت می‌کند ازلحاظ اجتماعی طور روز افزون بیشتر گردیده و نزدیکی معنوی ملل اتحاد شوروی بحیث عامل نیرو مند در اتحادبرادرانه آن ها عمل میکند •

این اتحاد در یکسانی دید جهانی مردم‌همه ملیتهای این کشور مبتنی بر مارکسیزم - لنینزم ، درسایکو لوژی سوسیا لیستی ملل در تجلی انسان شوروی و محتوی سوسیا - لیستی کلتور که شکل ملی خودرا حفظ می‌کند انعکاس یافته است •

نقش بر جسته ورهبری‌کننده حزب کمونست که‌در جمع فعالیت های‌خود از اصل لنینی سوسیالیستی انتر ناسیو نالیستی پیروی میکند بحیث آلهٔ عمدهٔ پیروزی های حاصله در انکشاف سوسیالیستی ملل اتحاد شوروی وملیت هاواتحاد جدا ناپذیر شان عمل‌میکند•

از آنجاییکه عنعنات ملی بحیث یـــك عامل نیرومند برسیستم اجتماعی این کشور تاثیرمیکند درطرح قوانین ازآنهابحیث یك‌منبع قانون درین کشور استفاده می‌شود •

تحت نظام سو سیالیستی حق داشتن شغل تعلم وتربیه و خدمات صحی جهانی وسایر تسهیلات برای رشد و شگوفانی زبان وفرهنگ اقلیت هاوملیت های مختلف مذهبی ونژادی به همه افراد این کشور بدون هرگونه تبعیض از طریق قانون تضمین شده که همه افراد عملا ازاین حقوق برخوردارند •

بقیه صفحه ٤٧

بت پندار

این طر ح چه ابر - انگیزه است که وقتی برابر جا ن میشود ازدیده ناپدید میگردد، مشتا قش را سربه بیابا ن میکشاند واز خود بیگا نه میسازد ، و در هـمه چیز تجلی‌این طر ح را میبیند . (۲۱)

واز سویی انسا ن خود یك‌طرح است ، با طر ح خود ((یعنی انسان جزء طر ح خود هیچ نیست)) •

و هم ((بشر بیش از هر چـیز طرحی است که در درو ن گرایی خـــو د میـز یـد)) ا یـــن طرح درون گرا یی از شخصـــ میآ مازد و سر نو شت کل را تعیین میکند . یعنی التزا می که هر فرد در عمل خود دچار دلهره است و دلهره ضابطه ی است برا ی درتسلط نگه داشتن عمل ما تا کار نا ثوا ب را مر تکب نشویم زیرا بشر همان است که از خود میسازد وبرا ی‌خود میسازد .

عده ی چنین عقیده مند هستند که آفر ید ن بت پنداردرتصوف‌قابل پذیرش است اما در عر فا نو تا جا یی در عر فا ن جلال الد ین‌محمد جای ندارد زیرا چنین امر ی بـه سود خود سا لاری است . و لی در اشتباه خوا هیم بود کـه اگـر چنین قضاو ت کنیم . زیرا شا عـر بدو ن بت پندار وجود خار جـــی نخوا هد داشت . یا متن طر ح‌این بت در شمس گوا ه مد عای ماست و همینطور یا فتن این بت درخود وبه سود خود واز خود فرا تر بـه سود همه

واگر در پایا ن ایـــن مقـــا ل درویشنا مه ی پیش کرده ، کـــج بحثی در مورد طر ح بت پنـــدا ر

پاسخــها، پرداختهـا و اســلوبد

همکار گرامی‌هما «علیزوی» محصل فاکولته حقوق وعلوم سیاسی ،

اینک حسب وعدهٔ قبلی ، دو مین نوشتهٔ شمارا به حیث نخستین نامهٔ این صفحـــه بر گزیدیم ، امیدواریم از فرستادن نامــه های خوب خود دریغ نورزید •

ترا میجویم

ترامیجویم ،

در بوستان خیال

در گلبن افکار ، از درخت امید

از سحر بهاری

از گلهای وحشی

از دامنه های شاداب واز تپه هـــای سر سبز

در رویا های هیجان انگیز

از ترانه های آشنای محبت

آری ،

زمانی که به تو می اندیشم ، تمایلات قلبیم از عشق آتشین وشورانگیز تو شراره میگرد و تمام وجودم فریاد میزند که :

ترا میجویم ، تنها ترا ،

زمانی که‌به مهتاب‌می‌نگرم، نقش‌پیکرهٔ زیبای ترا مجسم می‌بینم ، آنگاه سیر افکارم به‌سوی توبر میگردد واز سکر یاد تو لبریز میشود•

وقتی باشنیدن نام ودیدن نیمرخ چهرهات سیل هیجان بروجودم میر یزد ومن خود رادر دنیای بیکران عشق تو چون مغروقی می‌پندارم آنگاه قلبم خاموشی تمنارادرهم می‌شکندوفریاد برمیدارد که :

محبو ب من ، ترا میجویم ، تنها ترا ،تویی که نقش جاودان هستی منی •

دوست دیرین صفحهٔ پاسخها عبدالرحیم احمد پروانی ،

نظم مناظره گونهٔ شمارا که از رهگذر وزن کمبود هایی داشت ، دریافتیم • در حالی که از نشر آن معذرت میخواهیم ، توجــه تانرا به چند نکته زیر خواهانیم :

گرمی بازار مانده است ونه آن شیوهٔ ابتذال پراگنی • بنابر این ، لازم نیست که جوانان برازنده یی چون شما عامل احیای ابتذال شناخته شوید •

۲ـ چنانکه خود بهتر میدانید یـــکی از خصوصیتهای شعر خوب یا حتی نظم خوب در «زمانه» بودن آن است ، یعنی شعر یانظم باید باویژه گیهای زمانی هما هنگی داشته بازتابی از خصو صیتهای عصر وزمان باشد و مسایل بسیار جدی زنده گی در آن مطرح گردد ، بنابر این ، آنچه که شما فرستاده اید ازاین امر شریف شعر وشاعری ، فاصله دارد •

۳ـ اگر مشوره صمیمانه مارا می‌پذیرید ، هیچگاه بدین شیوهٔ مبتذل و مرده نپردازید و وقت گرانبهای خودرا دراین راه تیره وبی ثمر نگذرانید •

گرامی محمد یعقوب «فراق» ،

مطلب ارسالی‌شمارابا اظهار سپاس فراوان به‌نشه رمی‌سپاریم ، امید است با فرستادن مطالب بهتری ما را شادمان گردانید •

جنگ شاعرانه

شعر است هیچ وشاعری ازهیچ‌هیچتر

در حیرتم که بر سر هیچ این جدال‌چیست

در مجلس ظفر خان حاکم کشمیر ، میرزاـ محمد علی صایب‌وابوطالب‌کلیم، اشعار خودرا میخواندند • ظفر خان گفت : «در وصف لبی که‌زخم دندان داشته باشد ، چیزی بگوئید •»

کلیم فی البدیهه گفت :

زخم دندان خوبتر کرد آن لب پر خنده‌را

حجت آری نقش می باشد عقیق کنده را

اهل مجلس زبان به تحسین و آفرین وی کشودند • بعد صایب بیت زیر را سرود :

بر لعل لبش نشان دندان

نقشی که به مد عا نشیند

مجلسیان این را نیز مورد تحسین وتمجید قرار دادند ، کلیم آزرده شده گفت :

همکاران خسته‌گی ناپذیر ماروشانه «رزین» وحمیده «مبارز» ،

باز هم نامهٔ رنگین شمارا همراه باپست کارتی مقبول دریافتیم • سپاسگزار لطفو محبتهای شما هستیم • ما نیز به نوبه خودفرا رسیدن مقدم بهار را شادمانه برایتان تبریك میگوئیم و آرزو میبریم که سال‌نو برایتان آگنده از مهر ، صفا ، شادکامی و پیروزی باشد و شما بتوا نید از «فارغ التحصیلی»به «فارغ البالی» برسید • اینك به گزیده های خود توجه فرمایید :

راز ها و نامه ها

نامهٔسرخرنگ از محبتی تند و پر شورو عطشناك حکایت می کند ، خطر هایـــی نیزدر پی دارد چه بسا که‌نو یسندهٔ این گونه نامه، جوانی باشد نو بالغ •

نامهٔ سبزرنگ دلسوزانه ، مشفقانه و مهر آمیز است • نیك اندیشان ، مهر و رزان و خیر خواهان نویسند گان این گونه نامه ها توانند بود •

نامه های زرد رنگ را اشخاص نگران حسود ، بددل ، کینه توزو مردد می نویسند•

نامهٔ آبی رنگ ، نشان دهندهٔ عشق آرام وعاطفهٔ راستین نویسنده است• این نویسنده بیگمان از سی سال بیشتر عمر دارد •

نامه های کوتاه را آدمها یی می‌نویسندکه میخواهند به گونه یی رفع تکلیف شده‌باشند•

نامه های طولانی را آدمهای گله مند ، شاکی ، تخیل پیشه و شاعر منش می‌نویسند

سر آنجام کسی که به نامهٔ خود عطر میزند چی نظر دارد ، جز این که دریافت کننده را محو خیال خویش کند ؟

دوست عزیز زمان الدین «افضلی» ،

پس از عرض سلام و طلب صحتمندی‌برای شما یاد آور میشویم که : نوشتهٔ تانرا حفظ کردیم ، زیرا به عنوان «داستان» فرستاده بودید • داستان مشخصاتی دارد که بایدخوانده

کوتاه معاصران را از ک
رهنورد زریاب ، داکتراس
عثمان ، سپوژمی زریاب‌و
امید است نوشته های‌بهتر
شاد و سلامت باشید •

خواهر گرامی صفیه ،

نوشتهٔ شما را که با ع
بودید ، خواندیم ، اینك
تعدیل واصلاح به نشر
وانتظار نامه های دیگر ش
باشید •

بهار

بهار سازندهٔ زنده گیس
آرزو های انسان می ش
آه ! بهار فصلی ،که‌به
می‌بخشد • این بهار است
و نغمهٔ پرند ه گان به
خاصی می افگند •

بلی ، خوشا به حال
گران بیدار شده به زند
نوین خود میپردازد ودر
خسته گی ناپذیر آرامی‌و
میکند •

انسانی که در طول
نکند ، همواره درپی کو
باشد خواهی نخواهی به
اما افسوس به حال کسی
غفلت ونا آگاهی فرو رف
نوو زیبایی طبیعت بهره
های زنده گی را نادیده

باری بهتر است که
نو جوانان و جوانان م
روز گار خود بوده از
در جهت آگاهی خود و ج

برادر عزیز یما ،

رد
ماه حوت ۱۳۵۹ بود ودر
خاموشی حکمفرما . از کوچه
به گوش میرسید .
لی دو ونیم شب بـــود ،
یك خانه پاسداری میکردیم
بر آن حمله نکنند . دراین
رهای سیاه ، ستاره گان و
ده بود باد سردی از جنوب
همه به خواب رفته بودنـد،
ر های امنیتی از فاصله های
گوش میرسید.
ـود ، از گروه هفت نفـری
ابیده‌بودیم، یك نفر بیداربود.
جاه دقیقه شب را اعلام‌میکرد
قفی از بیرون دروازهٔ خانه
رفقایی که خوابیده بودند،بیدار
هر هفت نفر بسیار سریـع
وبالا ی بامهای منزل پراگنده
افتیم که ضد انقلابیون به حمله
ها با دستوری که ازبادارن
دند ، میخواستند در خانه‌مورد
خرابکاری کنند .
بیدار وانقلابی‌ما به‌موقع خبرشدند
شند ، موضعها معین گردید ،
بنابرامرآتش از سوی قوماندان
نمودیم ، صدا و انعکاس فیرها
خت ، از طرف ضد انقلابیون‌نیز
ابله شدت یافت ، در حوالـی
چهل دقیقه مقاومت ، حمله و
ا شدید تر گردید روحیهٔ دشمن
، لذا مجبور به فرار شدند .
بار اول نبود که مادر مقابل‌ضد
روز میشدیم ، بلکه چندین بار
همین صورت پیروز شده بودیم،
ین امر ایمان داشتیم که دشمن
جاعت ودلیری جوانان قهرمان و
راستین و صاحب ایدیالوژی
ت کرده نمیتوانندواین هم روشن
نقلابیون هیچگاه در مقابل پیروزی
بیشتر حزب ، دولت و مردم سد
ند وسیل خروشان انقلاب ثـور
ن همه خس و خاشاك راازسرراه
ی‌اندازد ودر زیر مشتهای اردوی
و پاسداران فدا کار انقـلاب

بقیه صفحه ۳۵

بزرگترین...

را تشکیل داده است بنا بر یـــن هیچگو نه فر ق بین قسمت های وسطی و مر کز ی سیا ره بجـز شد ت فشا ر در مر کز که ها یدـ رو جن را در هم‌می فشا رد وجود ندا رد .

مشتر ی منحیث بزر گتر یـن سیاره نظا م شمس دا را ی د م فو ق العاد ه طو یل می با شد که تخمین د ر حدود (٦٩٠)ملیو ن کیلو متر طو ل دارد و دم سیارهٔ مشتر ی مقنا طیسی بود ه و یك قسمت سا حهٔ مقنا طیسی مشتری را تشکیل مید هد . بهمین قسم سیا رهٔ مشتر ی یـك مقنا طیس فو ق العاده عظیم بود ه که د ر فضا می چر خد واین سیا ر هٔعظیم رایك پو ش مقنا طیسی که بــه مگنتو سفیر مسمی میبا شـــد احا طه نموده است که یـــك قسمت مگنتو سفیر مشتر ی‌بشکل دم به عقب این سیا ره امتداد دارد دم مذ کو ر از مجا ور ت آفتا ب عبور نموده و خیلی ها بعیـــدبه نظر میر سد و شکل د م آ ن تا اندازه مشابه بـه د م سـاره دمـدار یا (گا میت) می با شد . د م سیا رهٔ مشتر ی بنابر بمباردمان دوامـدار ذرات بـر قـدار سر یـع ا لسیر با د ها ی آفتا بی خـم وتا ب پیدا می کند که در فضای بطر ف خا ر ج دو ر ا ز آفتا ب امتداد می یا بد .

قرار معلو م سیا رهٔ مشتر ی دارای (۱۳) قمر میبا شد و برای نخستین بار در سا ل ۱۹۰٦ گالیله با دو ر بین خود مشا هد ه نمود و دا نشمند نجو می (سیمو ن‌ما رو یس) از جملهٔ این اقما ر چها ر قمر آنرا بنا م ها ی (بر اسما ، یوریا ،گا نمید و کا لسیو) یاد کرد . قرا ر گفتهٔ و ی این چها ر قمر را حتی به چشم چند ین بار دیده است که ۳ تای آ ن بزرگتراز مهتا ب و یکی آ ن خور د تر است تغییر و مو قعیت این اقما ر ازیك شب تا شب دیگر در صور تحر- کت آنها بدو ر سیاره بـــرا ی مطا لعه خا لی از د لچسپی‌نخواهد بود و این حر کت بر خلا فدیگر اقمار نظا م شمس میبا شـــد یعنی حر کت آ ن مطا بق حر کت عقر ب سا عت است .

مشا هد هٔ قمر د یگر مشتری بدو ن قو ی تر ین دو ربین ممکن نیست . در را پو ر ها ی دا - نشمند ا ن را جع به خسو ف و کسو ف که در اقمار سیا ر هٔ مشتری صور ت می گیرد ذکـــر گردیده که دریك سا ل چند یـــن با ر صورت می گیرد و این عمـل طو ری وا نمود می سا زد که در هر فصل یکبار خسو ف و کسو ف در سیاره مشتر ی ر خ مید هد.



موتر لاری جدید سپورتی

ا خیرا شاگر دان لابراتوار دیزاین موتر های لاری جدید و شا گردان انستیتوت راه های بزرگ‌خارکوف می خوا هند مو تر لاری سپور تی‌ای راکه در یك سا عت ۱۰۲۷کیلومتر را که در یك سال ۱.۲۷ کیلو متر سر عت دارند به شکست مواجه ساز د .

شاگردان لابراتوارفوق وشاگردان انستیتوت راه های بزرگ اکنون مطابق به ذوق و عـلاقهٔ خویش هژده نوع مو تر های لاری را دیزایـــ نموده اند و تصا ویر آن هارا کـ خصو صیات تخنیکی شان رانمایش می سازد تر تیب داده اند .

یکی ز این شا گردان موتر لاری ای را که چون کشتی ای به چشم خورد و شکل آن مانند سیگار است وتایر هاو اتاق راننده‌وانجن جت بگونه یك طیاره دیزاین گر دیـــ است‌ساخته است .

مدیر مسوول : راحله راسخ خر
معاون : محمد ز مـان نیکرا
آمر چاپ علی محمد عثمان ز
درس : انصاوی وات جوارریاس
مطابع دولتی ـ کابل

سال (٣٣)
شماره (٤٧- ٤٨)
قیمت یك شماره -١٣ - افغانی